

آثار تربیتی اعتقاد به

مهدویت

بسم الله الرحمن الرحیم

آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت

نویسنده:

نجمه نجم

ناشر چاپی:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (علیه السلام)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت

مشخصات کتاب

سرشناسه:نجم، نجمه، ۱۳۶۰ -

عنوان و نام پدیدآور:آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت/ نجمه نجم.

مشخصات نشر:قم: حوزه علمیه قم، مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری:۱۶۶ ص.

شابک:۹۷۸-۶۰۰-۸۳۷۲-۰۷-۳

وضعیت فهرست نویسی:فیپا

موضوع:مهدویت -- انتظار

موضوع:محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. - -- غیبت

موضوع:Muhammad ibn Hasan, Imam XII -- Occultation

موضوع:Mahdism -- *Waiting

موضوع:مهدویت -- انتظار -- آینده نگری

موضوع:Mahdism -- *Waiting -- Forescating

موضوع:مهدویت-- انتظار-- جنبه های اجتماعی

موضوع:Mahdism -- *Waiting -- Social aspects

موضوع:اسلام و آموزش و پرورش

موضوع:Islamic education

شناسه افزوده:حوزه علمیه قم. مرکز تخصصی مهدویت

رده بندی کنگره:BP۲۲۴/۴:ن۳آ۲ ۱۳۹۶

رده بندی دیویی:۲۹۷/۴۶۲

شماره کتابشناسی ملی: ۴۶۴۰۷۸۶

ص:۱

اشاره

آثار تربیتی اعتقا د به مهدویّت

نجمه نجم

آثار تربیتی اعتقاد به مهدویّت

 مؤلف: نجمه نجم

 ویراستار: زهرا رضاییان

 ناشر: انتشارات مرکز تخصصی مهدویّت

 صفحه آرا: رضا فریدی

 طراح جلد: عباس فریدی

 نوبت چاپ: دوم/ تابستان ۱۳۹۶

 مجری چاپ: گروه فرهنگی آثار غدیر

 شابک: ۳-۰۷-۸۳۷۲-۶۰۰-۹۷۸

 شمارگان: هزار نسخه (تاکنون دو هزار نسخه)

 قیمت: ۸۰۰۰ تومان

oقم: انتشارات مرکز تخصصی مهدویت/ خیابان شهدا/ کوچه آمار (۲۲)/ بن بست شهید علیان، پ۲۴/

ص.پ: ۱۱۹-۳۷۱۳۵/ تلفن: ۳۷۸۴۱۴۴۰/ ۳۷۷۴۹۵۶۵ و ۳۷۷۳۷۸۰۱ (داخلی۱۲۳) / فاکس: ۳۷۷۳۷۱۶۰-۰۲۵

owww.mahdi۳۱۳.ir

oentesharatmarkaz@chmail.ir

کد فایل۰۲۹۰۱۰۴-۲.doc

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب

مقدمه

از جمله اعتقادات بنیادین مـذهبی که از منزلت خاصـی در تفکر اسـلامی برخوردار است، اعتقاد به مهدویت است. مهدیباوری در نزد مسـلمانان و نیز اعتقـاد به منجی در همه ادیـان ابراهیمی و غیر ابراهیمی، مقبول و مورد عنـایت است؛ اما مکتب شـیعه به عنوان مکتبی که منجی موعود را از خود، و خود را منسوب به او میدانـد، تنها زمانی خواهـد توانست دیگران را به موعود خود دعوت، و افکار و اصول او را ترویج کند و در جذب دیگران موفق باشد که معقولترین و جامعترین تصویر ممکن را از آن مرد الهی ارائه دهد.

در راسـتای تحقق این هـدف، بـا توجه به آنکه بعـد تربیتی این منجی موعود و آثار اعتقاد به او، بسـیار برجسـته و در عین حال اثرگـذار است، قصـد داریم در این تحقیق با عنوان «آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت»، راهکارها، ساختارها و آموزه های مهدوی برای تربیت بشر و آثار تربیتی برگرفته از این اعتقاد به او را بررسی کنیم.

هدف الهی از آفرینش، تربیت و تکامل بشـر است؛ در راستای تحقق این مقصود، برنامه جامع و کلان تربیتی برای انسان تنظیم شـده که به تعبیر مـا یـک زنجیره تربیتی بـا حلقه هـای پیوسـته و منظم از ابتـدا تـاکنون است. آخرین حلقه این زنجیره، «تربیت مهـدوی» است که خـود دارای یـک زنجیره منظم و به هم پیوسـته است و قصـد مـا تحقیق و بررسـی در مراحـل همین موضوع خواهـد بود. بنابراین با تأمل و بررسـی دقیق در منابع روایی، عقیـدتی و تربیتی و تنظیم شاخصـهای تربیتی عقیـده به مهـدویت، برای ارزیابی آثار تربیتی این عقیده در هر عصـر، ضـمن صـحبت از راهکارها، آموزه های تربیتی مهدوی، روشـها و اسلوبهای تربیتی حضـرت مهـدی عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف - به عنوان بهترین مربی برای تربیت متربیان و منتظران در عصـر قبل از ظهور، دوره پیش از غیبت، غیبت صغری و غیبت کبری- آثار

تربیتی آن راهکارها را بر متربیان بررسی، و برخی شواهد تاریخی دال بر وجود این آثار در هر عصر را بیان خواهیم کرد.

گـام بعـدی، ورود در حلقه تربیتی عصـر ظهور است که قصـد داریم با بیان راهکارها و برنامه های تربیتی حضـرت و نیز ایجاد تصویری از آینده انسان تربیتیافته بر اساس اعتقاد به مهدویت و جامعه او، آثار تربیتی بیان ویژگیها و برنامه های عصـر ظهور را برای عصر حاضر بررسی کنیم. در نهایت، با توجه به پتانسیل تربیتی اعتقاد به مهدویت و به ویژه قوّت اعتقاد شیعی از یک سو، و ظهور و بروز نیافتن آثار این اعتقاد در حدّ مطلوب در جامعه اسـلامی از سوی دیگر، آسیبشناسی و بیان چرایی این کمبود را مدّ نظر قرار میدهیم.

متأسـفانه برخی عوامل، مانع موفقیت کافی جامعه شیعی، در بروز و ظهور آثار تربیتی برگرفته از عقیده به مهدویت شده و لازم است این امر با توجه به آثار و فواید مهم آن، به شیوهای اصیل و مطابق رهنمودهای دینی احیا گردد و در فرایند تربیتی جامعه اسـتفاده شود؛ چرا که در واقع با تبلور آثار تربیتی اعتقاد به مهـدویت در انسان، رابطه وی با خـدا اصـلاح میگردد و عبودیت و ایمان تحقق مییابد. در تنظیم رابطه انسان با خویشـتن، معنویت، عقلانیت و کمال حاصل میشود. از طریق اصـلاح روابط خود با دیگران، عـدالت، امنیت و الفت پدیـد میآید و با تصـحیح رابطه انسان با طبیعت، زمینه پیشـرفت، توسـعه و اسـتفاده مفید از آن آمـاده میگردد. در نتیجه، بـا رشـد ایمـان و تعقـل افراد و به عبـارتی در پی تربیت ایمـانی و عقلانی آنان، جامعهای متشـکل از منتظران حقیقی و مهدوی به وجود می آید.

هدف اصـلی این اثر، شـناساندن چنین الگویی برای کاربردی کردن مباحث تربیتی مهدوی، جلوهگر ساختن آثار تربیتی آن به جهت روشن سـاختن قـابلیتِ این اعتقـاد برای انسانسـازی و جامعهسـازی، ایجـاد شـوق و رغبت در متربیـان برای منتظر حقیقی شدن، تأمل در ظرفیت والای این اعتقاد به عنوان نظریه تربیتی، و تأکید بر شـناخت دلایل بروز و ظهور نیافتن آثار تربیتی عملی این عقیـده متنـاسب بـا شـأن علمی نظریه است. در این راسـتا، بـا ترسـیم برنامه تربیتی بلندمـدت الهی و تربیتی مهـدوی و تبیین زنجیره منظم و به

هم پیوسته آن از پیش از غیبت تا پس از ظهور، میکوشیم تصویری جامع از عقیده به مهدویت، تربیت مهدوی و آثار تربیتی برآمده از آن ایجاد کنیم. امید است این اثر، گامی کوچک در تحقق این امر باشد.

در اینجا بر خود لازم میدانم ضمن سپاس بیکران و شکر عظیم به درگاه خدای علیم که توفیق تعلم و تعلیم را نصیبمان کرد، از مسئولان و دستاندرکاران مرکز تخصصی مهدویت، پژوهشکده تعلیم و تربیت آموزش و پرورش، مؤسسه انتظار نور و مؤسسه آینده روشن، و از زحمات و راهنماییهای جناب آقایان: حجتالاسلام و المسلمین دکتر مهدی مهریزی، حجتالاسلام و المسلمین دکتر محمد ابراهیمیراد، حجتالاسلام و المسلمین دکتر عبدالرضا زاهدی، حجتالاسلام و المسلمین مجتبی گودرزی، دکتر علیرضا اسعدی و همچنین از مساعدت و پیگیری حجتالاسلام و المسلمین جناب آقای ملایی مدیر محترم گروه اخلاق و تربیت مرکز تخصصی مهدویت و مسئولان نشر این مرکز، تشکر و سپاسگزاری کنم.

در نهایت، قدردانی خالصانه و صادقانه خود را از زحمات و تلاشهای مادر بزرگوار و پدر ارجمندم - که رحمت خدا بر او باد - و همراهیهای خواهر فرهیختهام در راه پرورش و علمآموزی اینجانب، و عنایت و حمایت همسر فرزانه و فرزندان دلبندم در به ثمر نشستن این اثر، ابراز میدارم و برای همه بزرگوارانی که از آنان یاد کردم، توفیق و تأییدات روزافزون الهی را خواستارم.

نجمه نجم

زمستان۱۳۹۵

فصل اول: مفاهیم و مقدمات

اشاره

گفتار اول: مفهوم تربیت

الف) تعریف تربیت

واژه «تربیت» از نگاه اهل لغت و دانشمندان، از ریشه «رُبُوّ»، به معنای زیادت و فزونی و رشد و نمو گرفته شده، (۱) و از نگاه صاحب لسان العرب، به معنای رشد و نمو و پرورش دادن است. (۲)

برخی معتقدند تربیت به معنای تغذیه طفل به کار میرود؛ زیرا این واژه از این ریشه به معنای فراهم کردن زمینه های فزونی و پرورش است؛ آیه ۲۴ سوره اسراء شاهد این معناست و آیه ۱۸ سوره شعراء تربیت جسمی را در نظر دارد. گاهی تربیت به معنای تهذیب هم به کار رفته و به معنای زدودن خصوصیات ناپسند اخلاقی است. (۳)

«تربیت» همچنین میتواند از ریشه «ربَبَ: رَبَّ» به معنای مالك و مدبر، مربی و قیّم باشد (۴) و در ضمن، اصلاحکننده هر چیز را نیز «ربّ» گویند. (۵) راغب اصفهانی نیز این چنین تعبیر کرده است: ربّ در اصل به معنای تربیت و پرورش است و عبارت است از: ایجاد

۱- ابن فارس، معجم مقاییس اللغه، ص ۴۲۰.

۲- ابن منظور، لسان العرب، ج ۵، ص ۱۲۷.

۳- لویس معلوف، المنجد فی اللغه و الأدب و العلوم، ص ۲۴۷.

۴- همان، ص ۲۴۳.

۵- معجم مقاییس اللغه، ص ۳۷۸؛ لسان العرب، ص ۹۶.

کردن حالتی پس از حالت دیگر در چیزی تا به حدّ نهایی و تام و کمال خود برسد. (۱)

برخی معتقدند به کار بردن مفاهیم ربوبیت و ربانیت از ریشه «ربَبَ» برای تبیین تربیت اسلامی، از مفهوم تربیت مناسبتر است؛ چرا که معنای جامعتر که برگرفته از ریشه «ربّ» است، ربوبی شدن انسان است. صاحبنظران تربیتی معتقدند پایه های این معنا، خدا را مالك و مدبر خویش گرفتن و به کار زدن طرح و تدبیر او در زندگی است. زمانی که انسان ملازم رب باشد، منتسب به او میشود. ربوبیت، تنها در شأن خداست و باید در راه ربوبی شدن سعی و تلاش نموده و در ضمن آن تطهیر و تزکیه کرد. (۲)

برخی از صاحبنظران معتقدند آنچه قرآن بر آن تصریح کرده و رهبران دینی برای آن برانگیخته شدهاند، تزکیه است نه تربیت؛ زیرا هدف، ساختنِ انسانِ مطلوب است که تنها از مسیر تزکیه امکانپذیر است. بنابراین، آنچه در اسلام مطرح است، تزکیه و تهذیب است؛ ولی به دلیل غلبه کاربرد، همواره واژه تربیت به کار رفته است. با این حال، مراد در همهجا معنای تزکیه است. (۳)

در معنای اصطلاحی، تعلیم و تربیت دو واژهای است که معمولاً در کنار هم استفاده می شود؛ اما در بررسی و کاوش درباره معنای این دو واژه، دیده میشود که برخی صاحبنظرانِ در این موضوع، تعلیم و تربیت را در کنار هم معنا میکنند و برخی با تأمل و نکتهسنجی، پس از تعریف تربیت، تعلیم را معنا کرده و معتقدند: تعلیم نیز نوعی تربیت است و علم از جمله کمالاتی است که در تربیت، به پرورش و رشد آن میپردازیم. (۴)

طبق ریشه اول، تعلیم و تربیت، یعنی: «فراهم کردن زمینه ها و عوامل به فعلیت رساندن یا شکوفا ساختن استعدادهای مختلف شخص در جهت رشد و تکامل اختیاری او به سوی هدفهای مطلوب و بر اساس برنامهای سنجیده شده». (۵)

۱- راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۳۳۶.

۲- خسرو باقری، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ص ۴۵.

۳- سید احمد احمدی، اصول و روش های تربیت در اسلام، ص ۳۳ - ۲۳.

۴- ابراهیم امینی، اسلام و تعلیم و تربیت، ج ۱، ص ۱۵.

۵- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، فلسفه تعلیم و تربیت، ج ۱، ص ۳۶۶.

طبق ریشه دوم، پژوهشگران با توجه به تعاریف مختلف تربیت، بهترین تعریف آن را این گونه بیان میکنند:

«فراهم کردن زمینه مناسب، انتخاب رفتار و گفتار مناسب، ایجاد شرایط و عوامل لازم برای پرورش یافتن استعدادهای جسمانی و روانی انسان مورد تربیت در تمام ابعاد وجودی و هماهنگ ساختن و هدایت آن در جهت هدف و کمال مطلوب که به طور تدریجی صورت میگیرد». (۱)

در بیانی دیگر، تربیت یعنی: «رفع موانع و ایجاد مقتضیات برای آنکه استعدادهای انسان در جهت کمال مطلق شکوفا شود». (۲)

به هر ترتیب، با توجه به موارد بیان شده و جدا از استفاده از واژه اصیل «تزکیه» در بیان قرآن یا واژه شهیر «تربیت» به دلیل غلبه کاربرد در علوم تربیتی، معنای تربیت و تزکیه برای رسیدن به یک هدف بیان شده است و دانشمندان علوم تربیتی برای تبیین تربیت در اسلام، از اصل تزکیه هم بهره گرفتهاند.

بدین ترتیب، میتوان «تربیت اسلامی» را علم آمادهسازی انسان مسلمان برای زندگی دنیا و آخرت دانست؛ با این توضیح که آماده کردن کامل انسان و تربیت بهداشتی، عقلانی، علمی، عقیدتی، ایمانی، اخلاقی، اجتماعی، ارادی و نوآوری او در همه مراحل رشد، در پرتو مبانی و ارزشها و روشها و شیوه های تربیتی اسلام، صورت میگیرد (۳) و بدین شکل انسانی مبتنی بر ارزشهای اسلامی تربیت میشود.

ب) اهداف و ابعاد تربیت در فرهنگ اسلامی

هدف اصلی ادیان الهی، تعلیم و تربیت بشر، به معنای تهذیب نفس و تعدیل تمایلات و غرایز، و بالا بردن روح و عقل بشر تا عالیترین سطح کمال است؛ از اینرو دین، افکار و

۱- اسلام و تعلیم و تربیت، ص ۱۴.

۲- مصطفی دلشاد تهرانی، سیری در تربیت اسلامی، ص ۲۴.

۳- حسن فتحی ملکاوی، گامی به سوی نظریه پردازی در تعلیم و تربیت اسلامی، ترجمه: غلامرضا متقی فر و اسدالله طوسی، ص ۷۳.

عقول و احساس مردم را راهبری کرده، انسان را متوجه عوالم روحی و معنوی میسازد.

علما معتقدند دین به انسان میفهماند که بشر، موجودی زوالناپذیر است و کاربرد جسم و بدن، فقط به منظور تجلیات ظاهری و فعالیتهای مادی، آن هم به طور موقت و موسمی است؛ اما انسان، نیازهای لطیفتری نیز دارد که روحانی و عقلانی هستند و برای رشد آنها، به انبیا و راهبری آنان نیازمند است.

موضوعهای عقلی و روحی، بیش از هر چیز موجب بهجت انسان میشود و همواره از این موارد، احساس نشاط و رضایت میکند. به دست آوردن این نشاط، در گرو وجود مربی تربیتیافته در مکتب الهی است که با برنامه صحیح تربیتی، متربیان خود را تربیت کند.

دین، نیرومندترین عامل و انگیزهای است که میخواهد بشر را معتقد به اصول و پای بند به موازین آن تربیت کند. پس هدف دین، تربیت افراد متدین، دارای وجدانی زنده و درونی بیدار و اثرپذیر است که مربیان آنها، همان انبیا و اولیا هستند. (۱)

با توجه به ابعاد گسترده تربیت در دین اسلام، صاحبنظران علوم تربیتی، اهداف بسیاری را از دیدگاه های مختلف برای تربیت بیان کردهاند (۲) که در نهایت، همه موارد به هدف نهایی تکامل انسان ختم میشوند؛ اما با توجه به اینکه برخی، نقطه آغاز هدفهای تربیتی را فرهنگ اسلامی میدانند، سخن درباره مشخصات و ویژگیهایی است که این فرهنگ را از دیگر فرهنگها جدا میسازد و اینکه چگونه میتوان به این فرهنگ دست یافت و با شناخت کامل از ویژگیهای اصیل فرهنگی اسلام، در این بعد، هدفهای تربیتی را تبیین کرد؟

در فرهنگ اسلامی، خدا جز عدل و احسان، تکلیفی بر مردم قرار نداده است؛ با توجه به این نکته میتوان هدفهای تربیتی را بر اساس نوع روابط انسان تعیین کرد:

- اهداف تربیتی در فرهنگ اسلامی در زمینه ارتباط انسان با خدا: معرفت خدا، ایمان به

۱- اسلام و تعلیم و تربیت، ص ۳۳.

۲- برای آشنایی با نظرهای مختلف، رک : سیری در تربیت اسلامی، ص۷۳؛ محمدتقی جعفری، حیات معقول، ص۱۰۳؛ سیدمهدی میرهادی، «اهداف تربیت»، ماهنامه پژوهشی وزارت آموزش و پرورش (تربیت)، ص۲۲؛ نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ص ۵۳.

خدا و اطاعت از حضرت حق و کسب آرامش، تقوا از طریق روشنبینی و احاطه بر روند حرکت زندگی و موفقیت در برابر مشکلات و حفظ نفس از عصیان، عبادت در جهت تقویت اطاعت و دوری از گناه، شکرگزاری، دستیابی به عدالت اجتماعی و کسب مقام رضا و تسلیم و توکل.

- اهداف تربیتی در فرهنگ اسلامی در زمینه ارتباط با خود: این اهداف را در دو بعد می توان مطرح کرد؛ ابعاد مختص انسانی و ابعاد مختص حیوانی. حیطه بحث ما، ابعاد مختص انسانی است و در سه هدف طرح میشود:

اهداف شناختی: شامل پرورش عقل و روشهای آن، فراگیری علوم و معارف، تعالی اندیشه، و خودشناسی که مقدمهای برای خداشناسی است.

اهداف گرایشی: پرورش ایمان در قالب پرورش حس حقیقتجویی، حس خداجویی، فضیلتجویی، گرایش به جاودانگی و کمالجویی.

و اهدافی که در جهت تقویت اراده، در نهایت تزکیه و خودسازی فرد را شامل میشود.

- اهداف تربیتی در فرهنگ اسلامی در زمینه ارتباط انسان با انسان: رعایت حقوق افراد و ارتباط سالم با آنان، دستیابی به عدالت اجتماعی و حس اتحاد و برادری.

- اهداف تربیتی در فرهنگ اسلامی در زمینه ارتباط انسان با طبیعت: تفکر و دقت در آفرینش و شناخت آیات الهی و بهرهبرداری صحیح از آنها در جهت کمال و اصلاح خود. (۱)

در بحث ابعاد تربیت، با توجه به آنکه هدف آفرینش، رسیدن به مقامی است که انسان را به خدا پیوند دهد، بشر نیز باید بهترین ابعاد وجودِ خویش را در خدمت به یکدیگر قرار دهد و محصول خدمات متقابل آنها را در مسیر الی الله به کار گیرد. این ابعاد اساسی وجود انسان را باید از دیدگاه الهی شناسایی کنیم تا ما را به هدف مطلق که رسیدن به رضای الهی است، نزدیک کند.

با توجه به مضمون آیات ۷ تا ۱۰ سوره سجده و بر اساس نظر علما، انسان از سه بعد

۱- محمد حکیمی، خورشید مغرب، ص۳۰؛ دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، اهداف تربیت از دیدگاه اسلام، خلاصه کل کتاب.

جسم، عقـل و قلب (روح و نفس) شـكل گرفته و از آنجـا كه خداونـد حكيم است، اين ابعـاد و خواسـته های انسان را بيـدليل نيافريده است. بنابراين در تربيت بايد هر سه بعد را در نظر گرفت و آنها را هماهنگ با يكديگر، پرورش داد. (۱)

تربيت جسم و تقويت آن، به عنوان ابزاری كه در خـدمت عقل و روح قرار ميگيرد، لازم است. تربيت عقل نيز بُعـدی است كه راهبر انسان در بنـدگی خدا و نيرويی مهم در جهت رسيدن به سـعادت الهی است (۲) و محـدوديتهای آن، به كمك وحی و معيارهای الهی جبران و ترميم ميشود. خداوند از دو ابزار اوصيا و اوليا و عقل، برای هدايت و تربيت انسان بهره ميگيرد. (۳)

امـا در باب تربيت روح، مهم آن است كه روح طبق آيه ۹ سوره سـجده، نفخه الهی است. بنابراين روح را بايد از طريق تربيت الهی، از اسارت و قيـد و بنـد تمايلات آزاد كرد تا خدا را ببيند. در كنار پرورش ابعاد ديگر، اين بعد، هدف اصـلی پيامبران در تعليم و تربيت بوده است. تمـام رهنمودهـای اديـان، برای رشـد ايمـان و تنظيم ضوابـط رفتاری و راه و رسم مردم با يكـديگر و رابطه آنها با خداست و به همين دليل، پرورش و تقويت اين بعد كه مركز و كانون شخصـيت انسان را تشكيل ميدهد و نيرويی نامحدود و فناناپذير می باشد، ارزشمند است.

از اين رو علما معتقدند بايد پيوستگی خللناپذيری ميان روح و خداوند، در تمامی ابعاد زندگی برقرار ساخت تا در قلب انسان، آرامش و سكون دائمی ايجاد شود و قلب با ارتباطش با خدا، روح فرد و جامعه را به راه مستقيم هدايت كند.

پس تربيت ابعاد مختلف وجود انسان به عنوان گـذرگاه و معبری در سـير به سوی خوديابی و خـدايابی، بسـيار مطلوب است و جامعيت تربيت الهی، به دليل در برداشـتن تمام ابعاد وجود اعم از جسم، روح و عقل، به اثبات رسيده و اين نوع تربيت، مطابق با فطرت و متكی بر تزكيه و يقين است. (۴)

۱- مرتضی مطهری، تعليم و تربيت در اسلام، ص ۴۰ و ۱۸۰؛ اسلام و تعليم و تربيت، ص ۳۷.

۲- همان، ص ۱۸۱ و۱۸۳؛ همان، ص ۳۸.

۳- علی شريعتمداری، اصول و فلسفه تعليم و تربيت، ص ۲۳۷.

۴- تعليم و تربيت در اسلام، ص ۸۸ و۸۹؛ اسلام و تعليم و تربيت، ص ۳۸.

ج) شیوههای تربیت در فرهنگ اسلامی

در توضیح شیوه های تربیت، پرداختن به راه ها و روشهای تربیتی و ویژگیهای مربی که مهمترین رکن در اجرای روشهاست، لازم به نظر میرسد.

راه ها و روشها: با توجه به نگرش درستی که دین درباره انسان، هستی و زندگی ایجاد میکند، انسان مؤمن، راه و هدف و برنامه زندگی دنیوی و اخروی خویش را از مربیان خود، یعنی خداوند، انبیا و اوصیای آنها میگیرد و با میل و رغبت و آزادانه در مسیر انجام وظیفه حرکت میکند و به آینده امیدوار است.

ایمان، یکی از ارزشهای مهم نفسانی است که پرورش آن باید جزء برنامه مربیان باشد؛ به تعبیری، پرورش ایمان و استفاده از آن، یکی از شیوه های مهم تربیتی بهشمار میرود که مربیان باید از آن بهره گیرند. وجود انبیا و اولیا در جایگاه مربیان بشر، از جانب رب، دقیقاً به منظور پرورش این امر مهم بوده است. (۱)

در مورد عقل نیز یکی از بهترین راه ها در تعلیم و تربیت، پرورش و تقویت عقل است؛ چرا که عقل در کنترل و تعدیل غرایز و تمایلات و دعوت به کارهای نیک و تقید به مکارم اخلاق، نقش بزرگی دارد. مشکلات اخلاقی و اجتماعی انسان، بیشتر معلول نادانی و ضعف نیروی عقل است. اگر عقل نیرومند باشد، زمام نفس را در اختیار میگیرد و طبق مصالح واقعی، آن را اداره میکند و فرد، سعادتمند خواهد شد.

بنابراین مربیان الهی وظیفه دارند پرورش عقل را جزء برنامه های تربیتی خود قرار دهند و از این طریق، متربی را در صراط مستقیم انسانیت هدایت کنند. به همین دلیل است که اسلام به عقل و پرورش آن، توجه خاص دارد. (۲)

پس در یک کلام، شیوه های اصلی تربیت در فرهنگ اسلامی، دو راه تربیت ایمانی و تربیت عقلانی است که هر یک با روشهای خاص (۳) خود، در تربیت انسان الهی نقش

۱- فلسفه تعلیم و تربیت، ج۲، ص ۳۷.

۲- همان، ص ۳۸.

۳- برای آشنایی با روش های تربیت عقلانی بر اساس آیات و روایات و بحث های تربیتی، ر.ک: بقره (۲): آیه ۱۷؛ انفال (۸): آیه ۲۲؛ یونس (۱۰): آیه۱۰۰؛ کلینی، الکافی، ج۱، ص۱۰، ح۲۰؛ ابن ابی فراس، تنبیه الخواطر، ج۱، ص۵۲؛ تمیمی آمدی، تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ص ۵۸، باب ثمره؛ امام جعفر صادق علیه السلام، مصباح الشریعه، ص ۱۵۲ و۱۵۳، باب مشاوره؛ کراجکی، کنز الفوائد، ج۱، ص۳۶۸؛ مجلسی، بحارالأنوار، ج۱، ص۱۰۶، ح۳۷ و ص۱۹۸؛ گامی به سوی نظریه پردازی در تعلیم و تربیت اسلامی، ص ۷۶ و۷۷؛ فلسفه تعلیم و تربیت، ج۲، ص ۵۹ -۴۸ . برای آشنایی با روش های تربیت ایمانی)بر سه محور تربیت عقیدتی، تربیت معنوی و تربیت اخلاقی)، ر.ک: گامی به سوی نظریه پردازی در تعلیم و تربیت اسلامی، ص ۷۸ و ۸۱ و ۸۳؛ تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۹۴، ۱۳۱ - ۱۲۶، ۱۵۸، ۲۱۳، ۲۵۱ -۲۳۶؛ اصول و فلسفه تعلیم و

تربیت، ص ۲۴۰.

کلیدی ایفا میکنند.

ویژگیهای مربی در فرهنگ اسلامی: مربی، یک رکن اصلی در شیوه تربیتی اسلامی است که ویژگیهایی برای او ذکر شده است و مهمترین آنها عبارتاند از:

- داشتن علم و حکمت عالی و کافی؛ علمی که مبانی اصلی تعقل و تفکر را در بر دارد.

- در عرصه های جسمانی، روانی، عقلانی، ایمانی، عاطفی، اجتماعی و... انسانی تکاملیافته باشد.

- درباره متربیان احساس پدری و عطوفت و مهربانی داشته باشد.

- دقت و توانایی کامل در اجرای برنامه های تربیت الهی، و نیز قدرت دفاع از حدود الهی را داشته باشد.

- خودنگهدار، حافظ دین خود، مخالف هوا و هوس خود، و مطیع امر خداوند باشد.

- از وضعیت و طبیعت متربیان آگاه باشد.

- متناسب با عقل و ظرفیت متربیان سخن بگوید و به استعدادهای فطری و غرایز آنان توجه کند.

- کسب رضای خدا، اخلاص در عمل، صبر و بردباری، آراستگی ظاهر و باطن، هیبت و وقار و... از خصوصیات او باشد. (۱)

با توجه به این ویژگیها، برترین مربیان از نگاه دین، انبیا و اوصیا هستند. در این دوران،

۱- النعمانی، الغیبه، ص ۱۹۲ و۳۰۴؛ سید محمد صدر، تاریخ ما بعد الظهور، ترجمه حسن سجادی پور، ص ۴۳ و ۴۴.

برترین مربی به تعبیر عـام، منجی موعود و به تعبیر شـیعی، حضـرت مهـدی عجـل الله تعالی فرجه الشـریف است که رسالت او، تربیت انسانهـایی مبتنی بر اهـداف و ابعـاد و روشـهای تربیت دینی در فرهنـگ اسـلامی است. دلیـل مـا بر این مطلب، القـاب و ویژگی های ایشان است که نشان از ضرورت تربیت از جانب حضرت دارد.

با دقت در الفاظ و صـفات بهکاررفته در روایات و ادعیه و زیارات، به چهار حق اصلی حضرت، درباره خودمان آگاه میشویم؛ حق پدر بر فرزند، حق آقا و مولا بر بنده، حق معلم بر متعلم، حق امام بر رعیت، (۱) که به برخی از موارد آن اشاره می کنیم:

– در دعای سـرداب مطهر آمـده است که شـیعیان از باقیمانده گل ما خلق شدهاند. (۲) در کلام امام رضا علیه السـلام نیز واژه «الوالد الشفیق» (۳) مطرح میشود و در عبـارتی دیگر، «الاب الرحیم» (۴) به کار رفته است. در حدیثی از پیامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم نیز آمـده است: «أنـا و علی أَبَوا هـذه الأـمّه». (۵) همچنین بر این اسـاس که حضـرت مهـدی عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف از نظر خَلق و خُلق نزدیکترین فرد به رسولخدا صلی الله علیه و آله و سلم هستند، (۶) در جایگاه پدر امتاند. حال نکته آن است که حق پـدر بر فرزنـد چیست؟ حق مادر بر فرزند چیست که حضـرت، مهربانتر از مادر به فرزند است؟ آیا غیر از آن است که وظیفه اصـلی پـدر و مـادر، تربیت اخلاقی و روحانی فرزنـد است؟ روشن است حضـرت مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در جایگاه پدر و مادر ما معرفی شده و حق تربیت و هدایت بر ما دارد.

– در زیـارت جـامعه، تعبیر «و السادہ الولاہ» (۷) آمـده است که نشـان از حق امـامت و مولویت حضـرت بر ما دارد. بنابراین ما مأموریم و باید تحت لوای هدایت و تربیت او و اقتدا و

۱– موسوی اصفهانی، مکیال المکارم، ج۱، ص۹۷، ۹۹ و ۱۰۰.

۲– عباس قمی، مفاتیح الجنان، زیارت حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف در سرداب مطهر، ص ۱۰۱۳.

۳– الکافی، ج۱، ص ۲۰۰، ح ۱.

۴– بحارالأنوار، ج۹۲، باب... بعض الأدعیه التی لها اسماء معروفه...، ص ۳۸۵.

۵– ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج۳، ص ۱۰۵.

۶– بحارالأنوار، ج۳۵، ص۳۰۹، ح۱۴۸؛ کمال الدین وتمام النعمه، ج۱، ص۲۸۶، ح ۱.

۷– مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره، ص ۱۰۶۱.

اطاعت او به رستگاری برسیم.

- حق معلم بر متعلم؛ چرا که صفات و ویژگیهای حضرت، بر آن دلالت دارد. (۱) او به روش و سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم حق ربانی و مربیگری دارد.

- بر اساس آیه ((یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا أَطِیعُوا اللهَ وَ أَطِیعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِی الأَمْرِ مِنکُمْ)) (۲) و طبق روایات،(۳) حق امامت بر رعیت برای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

افزون بر این، القاب حضرت، تأییدکننده حقّ هدایت و تربیت اوست:

او را اباصالح و ابوعبدالله لقب دادهاند؛ یعنی پدر بندگان صالح و پدر بندگان خدا. (۴)

او را هادی خواندهاند؛ یعنی کسی که خود به حقیقت، هدایت یافته و همه راه های حق و حقیقت، برای او آشکار شده و به مقاصد رسیده و مستعد هدایت کردن دیگران شده است.

او را مهدی خواندند؛ مقامی که در هدایت خلق برآید و هر کس را به هر راهی که داند و تواند، به حسب استعداد آن فرد، به مقصد الهی برساند.

امام صادق علیه السلامدر پاسخ سؤالی درباره مقام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، فرموده است: «مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مهدی نامیده شده است؛ برای اینکه مردم را به امری که از آن گمراه شدهاند، هدایت میکند». (۵)

در شب معراج، خداوند به پیامبرش فرمود:

به وسیله قائم شما، زمین خود را با تسبیح و تهلیل آباد کنم و آن را از پلیدی دشمنان

۱- بحارالأنوار، ج۵۱، ص۱۱۵، ح ۱۴و ج۲۴، ص ۱۵۰، ح۳۴ و ج ۹۰، ص۲۱ و ج۹۲، ص۳۸۵؛ النعمانی، الغیبه، ص۲۱۳، باب۱۳؛ حسینی استرآبادی، تأویل الآیات الظاهره، ص۳۱۷؛ علی یزدی حائری، الزام الناصب فی اثبات الحجه الغائب، ج۱، ص ۷۴ و ۷۵؛ الکافی، ج۱، ص۱۹۸، ح۱و ص۲۰۱، ح۱ و ص۲۱۳، ح۲ (الراسخون فی العلم)؛ تفسیر امام عسکری علیه السلام(منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام)، ج۷، ص ۳۴۰؛ اربلی، کشف الغمه، ج ۲، ص۴۶۸؛ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۸۰.

۲- نساء(۴): آیه۵۹.

۳- کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۶۸.

۴- بحارالأنوار، ج ۵۳، ص ۳۰۰؛ شیخ مفید، الفصول المختاره، ص۲۵۷؛ ابن حجر هیثمی، القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر، ص ۴۴.

۵- طبرسی، اعلام الوری باعلام الهدی، ص .۴۶۱

پاک سازم و با ظهور او سخنان بیدینان را پست، و تعالیم خود را بلند گردانم و با نیروی فرشتگانم مدد برسانم تا فرشتگان، او را در اجرای فرمان من و آشکار کردن دین من یاری دهند و به راستی، او ولیّ من و هدایتکننده بندگان من است. (۱)

روشن است که بیشتر اسامی و القاب حضرت و صفات ایشان، از جانب خدا و انبیا و اوصیاست و نامگذاری آنان، مثل نامگذاریها و به کار بردن صفات از جانب ما نیست؛ بلکه خداوند و خلفایش، تا معنای اسم و صفتی در شخص متجلی نباشد، او را با آن نامها و اوصاف نخواهند خواند. بنابراین با دقت در نامها، صفات و القاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف روشن میشود، ویژگیهای مربی در فرهنگ اسلامی که پیش از این به آن پرداختیم، در ایشان جلوهگر است و به طور کلی، جامع صفات و خصوصیات یک مربی است و در روایت، «أعلم الناس، أحکم الناس، أتقی الناس، أحلم الناس، أشجع الناس، أسخی الناس و أعبد الناس» (۲) خوانده شده است.

گفتار دوم: مفهوم مهدویت

الف) مهدویت و اعتقاد به آن

مهدویت، مصدر جعلی مهدی و به معنای مهدی بودن است. در تعریف اصطلاحی این واژه آمده است: از جمله عقاید اصول مذهب شیعه اثناعشری است. شیعه معتقد است که مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، فاطمی، یعنی از فرزندان آن حضرت، پسر امام حسن عسکری علیه السلامو دوازدهمین جانشین پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم است. (۳)

امروزه مهدویت و اعتقاد به آن، از بحثهای اساسی جهان اسلام، بهویژه مکتب تشیع است. مهدویت که در ادامه بحث امامت درباره آن بحث میشود، یکی از اصول اساسی مذهب تشیع به شمار میرود و شیعه، بدون اعتقاد به مهدویت، هویت نمییابد. این اعتقاد، شامل اعتقاد به وجود امام غائب، اعتقاد به انتظار برای ظهور او، و اعتقاد به ظهور و عدالت

۱- شیخ صدوق، الأمالی، ص ۶۳۲، ح۴؛ بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۶۵ و۶۶، ح ۳.

۲- شیخ صدوق، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص۲۱۳، باب ۱۹.

۳- مجتبی تونه ای، موعودنامه، ص ۷۱۱.

گستری آن حضرت است. (۱)

در باب اهمیت اعتقاد به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و شناخت آن حضرت، در روایتی از امام حسن عسکری علیه السلامآمده است: «زمین هرگز از حجت خدا بر خلقش خالی نمیمانـد و هر کس بمیرد و امام زمان خود را نشناسد، بر مرگ جاهلیت از دنیا رفته است». (۲) در روایتی دیگر، مرگ جاهلیت، به کفر و نفاق و گمراهی تعبیر شده است (۳) و این امر بر اهمیّت والای موضوع اعتقاد به مهدویت و شناخت امام زمان، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اشاره دارد.

بدین ترتیب، مراد از اعتقاد به مهدویت، باور وجود و حضور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و شناخت ایشان است؛ بدین گونه که ایشان را واجبالاطاعه و واسطه فیوضات الهی و راهِ رسیدن به معرفهالله بدانیم و با توجه به برنامه ها و سفارشات ایشان و دیگر بزرگان دین، در راه هدایت و تربیت فردی و اجتماعی خود بر اساس مبانی اسلام کوشا باشیم.

در معارف عقیدتی مکتب تشیع، پس از عقیده به توحید که اصلالاصول عقاید است، آدمیان برای رسیدن به هدف غایی و مقصد نهاییِ خلقت باعظمت خویش - که کمال حقیقی در همه ابعاد حیات دنیوی و اخروی است - ، نیازمند حکمت الهی و هدایت ربانی هستند. این نیاز مردم را خداوند از لطف و کرامت خود، با برانگیختن پیامبران و فرستادن کتاب پاسخ داده است.

در این راستا، پیروان مکتب امامت معتقدند که پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم این نیاز بشر منتفی نمیشود؛ پس خدای رحمان به همان دلیل که انبیا را برمیانگیخت، در نبود ایشان از میان نیکان، اوصیا را برمیگزیند تا راه آنان را پی گیرند و مردمان، همچنان از هدایت خدا و تربیت آسمانی او بهره گیرند. (۴)

در راستای این اعتقاد، مکتب تشیع با الهام از کتاب الهی و به استناد سنت نبوی، به دوازده وصی معصوم که از اصحاب رسول خدایند، به عنوان جانشینان منصوب آن حضرت

۱- شیخ حرّ عاملی، اثبات الهداه بالنصوص و المعجزات من الامام الثانی عشر، ص ۴۹۸ و ۴۹۹.

۲- شیخ حرّ عاملی ، وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۴۶، ح ۲۱۴۷۵.

۳- الکافی، ج ۱، ص ۳۷۷، ح ۳.

۴- سیدمرتضی عسکری، معالم المدرستین، ترجمه: محمدجواد کرمی، ج۱، ص۵۳۱، ۵۵۷ و ۵۸۰.

تـا روز قیـامت ایمان آورده است. امام مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف از دیـد شـیعه، آخرین فرد از این ائمه دوازدهگانه است که به اراده توانمنـد ربـانی، برای تحقق اهـداف عـالی حیـات دنیوی انسـان و اجرای کامـل طرحهـا و برنامه های پیامبران ذخیره شـده است تـا در زمـان مناسب به پا خیزد و حکومت عـدل جهانی را بنا نهـد. در متون تشـیع نیز، همچون منابع اعتقادی اهل سنت، قیام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نشانه حتمی و مقدمه ناگسستنی پایانی جهان شناخته میشود. (۱)

برخلاف برخی ادعاها و پافشاریها درباره اعتقاد نداشتن اهلسنت به مهدویت، در فرهنگ عقیدتی سنیها نشانه هایی وجود دارد که اکثر عالمـان سـنی و مسـلمانان آن فرقه هم، به مهـدویت عقیـده دارنـد و میتوان آن را جزء فرهنگ عقیـدتی آنها به شـمار آورد. (۲)

البته گفتنی است که اعتقاد به آمـدن منجی و ظهور او به دین اسـلام اختصاص نـدارد؛ بلکه در تمامی ادیان به چشم میخورد و پیروان همه ادیـان معتقدنـد که روزی جهـان، سراسـر ظلم و بیـدادگری میشود و منجی قدرتمنـدی ظهور میکنـد و جهـان را از بیعـدالتی نجـات خواهـد داد. همه بزرگـان ملل و ادیان، در انتظار چنین موعودی هسـتند و این نویـد در همه کتابهای آسـمانی باقیمانده، چون زند و پازند، جاماسب، تورات و انجیل و حتی در کتابهای مقدس براهنه و بوداییها هم آمده است. (۳)

۱- اعلام الوری باعلام الهدی، ص ۴۵۵.

۲- از جمله: بیان ابن ابی الحدید (قرن ۷) در شرح نهج البلاغه، (ج۷، ص۵۹)؛ گفتار ابن حجر احمدبن محمد الهیثمی الشافعی (قرن ۱۰) در القول المختصر فی علامـات المهـدی المنتظر، (مقـدمه)؛ نظر علاءالـدین علی بن حسـام المتقی الهنـدی و فتاوای چهار مفتی بزرگ اهل سـنت در اصالت مهـدویت از دیـدگاه اهل تسـنن، (مهـدی فقیه ایمانی، الامام المهدی عند اهل السـنه، صفحه آخر متن کتـاب)؛ کلام محمـد محیی الـدین عربی الحاتمی (قرن ۷) در الفتوحـات المکیه فی معرفه الاسـرار المالکیه و الملکیه، (ج۳، ص۳۱۹، باب۳۶۶)؛ روایات و مباحث مهدویت ذیل «اشـراط الساعه» در: ابوداود السجسـتانی، السـنن، ج ۴، ص ۹۰-۸۶؛ الترمذی، السنن، ج ۴، ص۹۹؛ یا آشنایی با مصنفات اهل سنت در اثبات الهداه بالنصوص و المعجزات من الامام الثانی عشر، ج ۳، ص۶۱۹ - ۶۲۲.(در قسمت اعتقاد به مهدویت از دیدِ شیعه و اهل سنت از رساله دکترای غلامحسین تاجری نسب با عنوان «مهدویت در کتاب و سنت از دیدگاه امامیه و اهل سنت» بهره گرفته شده که به منابع اول آن نیز مراجعه شده است).

۳- ابراهیم امینی، دادگستر جهان، ص ۷۵-۶۹.

اعتقاد به منجی، عقیـدهای عمومی و مشترک است؛ اگرچه در اسم و ظاهر آن اختلاف است. اصولاً «فتوریسم»؛ یعنی اعتقاد به دوره های آخرالزمان و انتظار ظهور مصلح کل، عقیدهای است که در کیشهای آسمانی یهودیت، زرتشتی، هندو، مسیحیت و دین اسلام، به عنوان یک اصل مهم پذیرفته شده است. (۱)

ب) اعتقاد به مهدویت و آثار آن

اندیشه مهدویت و عقیده به آن در تاریخ اندیشه اسلامی، فراتر از هر نوع تفسیر و قرائت از آن، اصلی اعتقادی و کلامی تلقی میگردد که اندیشمندان اسلامی و مؤمنان، آن را جزئی از اندیشه های دینی خود میدانند. آنگاه که یک باور جزئی از اعتقادات دینی فرد باشد، جایگاه خاصی در روحیه، افکار و روال زندگی انسان خواهد داشت و تأثیرپذیری فرد از آن، ژرف و عمیق خواهد بود؛ در حالی که اگر اعتقاد به یک موضوع، متکی بر باور دینی نباشد، اثربخشی آن همچون تأثیر اعتقادات دینی نخواهد بود. برای نمونه، اگر انسان بر اساس نوع اندیشه یا شرایط اجتماعی خود به باوری برسد و سپس در گذر زمان یا رویارویی با حوادث روزگار یا بر اثر اندیشههای نو، در باورش تزلزل ایجاد شود، از تغییر فکر و اندیشه خود چندان احساس اضطراب و ناامنی نخواهد کرد؛ در حالی که تغییر در اعتقادات دینی به راحتی امکانپذیر نیست و وجود اجزای اعتقادی در روح و افکارِ انسان، آن قدر اثرگذار و جهتبخش است که وی به راحتی نمیتواند از آن برگردد؛ به ویژه اگر آن اعتقاد دینی، همچون مهدویت از عناصر اصلی و بنیادین اعتقادی باشد. (۲)

منظور از تأثیرات اعتقاد به مهدویت، آموزه های اعتقادی - دینی مبتنی بر فرهنگ مهدوی است که در عصر پیش از غیبت، عصر غیبت، عصر ظهور و انتظار، توانایی و قابلیت بیان نظر و ارائه راه حلهای راهبردی در حوزه های متفاوت انسانی و اجتماعی را دارا بوده و همچنان داراست؛ به گونهای که میتوان بر اساس آن، در عرصه فردی و اجتماعی نظریهپردازی کرد؛ یعنی در تفکر و نظام فکری مسلمانان، آن را شاخص انسجام

۱- سید ثامر هاشم حبیب، در انتظار ققنوس، کاوشی در قلمرو موعودشناسی و موعود باوری، ص ۴۵.

۲- سید رضی موسوی گیلانی، دکترین مهدویت، ص ۱۱.

بخش و ساماندهنـده قرار داد تا بتوانـد در بسـیاری از اظهارنظرها و ارائه الگوهای فکری حضور داشـته باشـد و مسـلمانان را به صحت عمل سوق دهد. (۱)

البته روشن است که تأثیرات اعتقاد به مهدویت، زمانی بارور میشود که این عقیده به طور صـحیح و با تبیین جامع، شکل گرفته باشـد. از این رو مقتضـی است با دلایل علمی و عقلانی و تفکر در آفریـده های خـدا، صـفات خدا، رسالت پیامبران و اندیشـه پیرامون ولایـت، به ویژه مهـدویت و بررسـی آن از دیـدگاه اسـلامی، بـاور جوانان را تقویت نمود؛ به گونهای که در رأس هر چیز، نشانه های خـدا را در علوم و هستی مشاهده کنند و به هر سو مینگرند دلایلی بر هدفداری، نوآوری و نظم بر وجود خالق اعلی بیابنـد و بفهمنـد که در برنـامه کلان الهی، برای رسانـدن انسان به کرامت و تکامل مطلوب انسانی، از هـدایت تکوینی و هدایت تشریعی بهره گرفته شده و در راستای تحقق این امر، به دلیل اهمیت کلیدی بحث مهدویت و نقش آن، از ابتدا بر روی این باور و تجلی آثار آن سرمایهگذاری شده است.

هر چنـد لازم است برای تحقق تبیین صـحیح عقاید، مهمترین شـیوه های تربیتی برای پذیرش عقاید اسـلامی را شـناخت و اجرا کرد؛ ولی این مهم و پرداختن به راه های جزئی و کلی تبیین و تثبیت عقیده در رسالت این تحقیق نیست؛ بلکه مسئله اصلی این نگاشـته آن است که بیان کنیم: اگر باور درست شکل گرفت و مهدویت، جزء اعتقاد راسخ انسان شد، چه آثار تربیتی برای او به ارمغان خواهد داشت؟

گفتار سوم: مهدویت و تربیت

اشاره

پس از شـناخت تربیت اسـلامی و عقیـده به مهـدویت، لازم است رابطه آنها نیز بررسـی شود که این هدف در دو محور محقق خواهد شد.

الف) مهدویت و برنامه کلان تربیتی الهی

طبق کلام خداوند در آیه ۵۶ سوره ذاریات، غرض الهی از آفرینش بشر و اعطای دو

۱- همان، ص ۱۴.

نیروی عقل و اختیار به او، تربیت و به کمال رسیدن وی است. از این رو خداوند برای تحقق این هدف، برنامه کلان تربیتی خود را از ابتدای آفرینش تا به حال، از طریق هدایت تکوینی و هدایت تشریعی اجرا کرده است. هر چند با وجود تلاشها و مجاهدت فراوان پیامبران و اولیا، تکاپوی خالصانه آنها در عصر خودشان به نتیجه نرسید، ولی تلاش آنان برای آخرین حلقه تربیتی الهی از این زنجیره بههمپیوسته و برای روز موعود ذخیره شده است؛ ضمن آنکه خود آنها از ابتدا مبلغ روز موعود بودهاند و در کتابهای مقدس و قرآن کریم، بشارت آمدن منجی و روز موعود آمده است.

به هر ترتیب، طراحی برنامه کلان تربیتی الهی و سیر آن، به گونهای است که به دنبال خود شرایط ظهور را فراهم خواهد آورد و پس از آن، آخرین و بزرگترین نتیجه، یعنی ظهور منجی موعود و به تعبیر شیعی ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف محقق خواهد شد که هدف آن، تربیت انسانهای متعالی و سامان مدینه فاضله است. دست یابی به این مقصود تربیتی، وابسته به شرایطی است که عبارتند از:

۱. وجود طرح و برنامهای کامل و عدالتمحور که بشر آن را از سوی خداوند دریافت میدارد و قانون فراگیر برای جامعه بشری میگردد؛

۲. وجود پیشوایانی که برای اجرای این طرح و برنامه از ابتدای زندگی بشر تلاش کردند تا در نهایت، پیشوای نهایی این برنامه و قانون را در روز موعود به طور کامل اجرا کند؛

۳. وجود شماری کافی از مؤمنان مخلص که پیشوایان و به طور اخص، پیشوای نهایی را در اجرای مطلوب مأموریتش یاری دهند.

در شرط نخست، برنامه خداوند آن است که برای تحقق غرض خود از آفرینش انسان، قوانینی بنیان گذارده و بشر را به مدد آن و در امتداد کاروان انبیا و اولیا در طول تاریخ، پرورش دهد تا سرانجام، اجرای کامل این برنامه در قالب مکتب اسلام با موفقیت صورت پذیرد. (۱)

در شرط دوم، خداوند پیشوای نهایی را امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار داده تا در مقام رهبری

۱- تاریخ ما بعد الظهور، ص ۳۷ و ۳۸.

نمونه، قانون و برنامه کامل را اجرا کند.

در شرط سوم، همه امتها میتوانند طبق اصول و برنامه دینی خود تربیت شوند و به عنوان یاور موعود مطرح باشند؛ چرا که پذیرش پیامبر خاتم و اجرای فرمانهای او جزء اصول مسلم ادیان گذشته بوده است.

امت اسلامی میتواند بر اساس قانون و برنامه کامل دین اسلام، دستورات الهی، فرمایشات و سنت رسولخدا صلی الله علیه و آله و سلم و اهلبیت علیهم السلام و برنامه های تربیتی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در طول غیبت، هم از لحاظ درک مفاهیم و هم از نظر پیروی علمی از آن، تحت تربیت قرار گیرند و باید مسیر طولانی تربیت را در شرایط ویژهای چون امتحان و پالایش روح و روان طی کنند که این خود، در دو ساحت تربیت عقلی و ایمانی به سامان خواهد رسید.

در تربیت عقلانی، امت اسلامی (و به طور غیر مستقیم، همه بشریت) از رهگذر آموزه های دینی و تلاش عالمان و متفکران و نائبان خاص و عام حضرت و نازکاندیشیهای آنان درباره معارف اسلام تربیت میشوند تا به سطحی از عقلانیت برسند که توان درک اندیشه و قوانین جدید روز موعود را کسب کنند.

تربیت ایمانی آنگاه حاصل و کامل میشود که امت اسلامی، دوران دشوار ظلم و بیداد انحرافات را بگذرانند و برگزیدگان صالح امت، آنچنان اخلاص و ایمان و ارادهای داشته باشند که واکنش آنها در برابر کژیها و زشتیها، در راستای اجرای قانون و برنامه کامل الهی و به عبارتی دیگر پیروی تام و کامل از فرامین الهی باشد.

به همین ترتیب، اگر این تربیت نسل به نسل استمرار یابد، در طی این فرایند، شمار مخلصان به حدّ کفایت خواهد رسید و با وجود شرط یک و دو و با حاصل شدن شرط سوم، وعده الهی محقق خواهد شد. (۱) عدهای که به این مرحله نرسند نیز طبق مراتب خود در زمان پس از ظهور، تحت تربیت مستقیم حضرت قرار خواهند گرفت.

در اینجا، میزان ارتباط مهدویت و اعتقاد به آن و روز موعود، با برنامه کلی تربیتی الهی روشن است؛ چرا که در حقیقت آن روز است که عبودیت و پرستش واقعی پروردگار که

۱- همان، ص ۳۸ و ۳۹.

هدف اصلی آفرینش است، تحقق پیدا خواهد کرد.

در این صورت چنانکه روشن شد، روز ظهور نه رویدادی غیرمنتظره و تصادفی است و نه پدیدهای موقت و زوالپذیر؛ بلکه نتیجه طبیعی و تدریجی برنامه کلان تربیتی الهی و هدف مورد نظر خداوند از آفرینش بشر است.

ب) مهدویت و مراد از آن در عرصه تربیتی

همانطور که بیان شد، یک اعتقاد بنیادین باید توانایی تفسیر مجموعهای از مسائل، توانایی بهبود وضعیت فرد و جامعه و نیز توانایی ارائه راهکارهای راهبردی را داشته باشد، انسان را در زمینه های تربیتی یاری کند و از منظر انسانشناسی و جامعهشناسی به ساختن انسان ایدهآل کمک کند.

همه مکتبهای انسانشناسی لازم میبینند که به خواسته ها، علایق، محدودیتها و اهداف انسانی و نیازهای او مثل آرامش، امید، رضایت، عزت، شکوفایی و کمال پاسخ دهند. حتی برخی از آیینها، نگاه انسانشناسانه به مشکلات انسان دارند؛ مثل آیین بودا که با روشهایی چون تمرکز و مراقبه، میخواهد انسان را از توهمات ذهنی و تردیدهای روحی نجات بخشد و به آرامش برساند. (۱) از این روست که پرداختن به مباحث دینی و عقیدتی و توجه به تأثیرات آن در عرصه تربیتی، برای پرداختن به این نیازها ضرورت مییابد.

بنابراین مراد ما از موضوع مهدویت و طرح آن در عرصه تربیتی، این است که بدانیم آیا مهدویت و اعتقاد به آن به عنوان یک نظریه اعتقادی - کلامی، میتواند راهکارهای راهبردی برای تربیت انسان و جامعه ارائه دهد؟

به عبارتی در اعتقادات اسلامی و به طور خاص اعتقاد به مهدویت، آیا راهکاری برای حل مسائل انسان و رشد و تربیت او و جامعه او وجود دارد؟ و اگر پاسخ مثبت است، چگونگی آن را در حدّ امکان بررسی کنیم.

۱- دکترین مهدویت، ص ۶۵ و ۶۹.

گفتار چهارم: شاخصهای تربیتی اعتقاد به مهدویت

اشاره

در قسمت مفاهیم، مفهوم تربیت و مهدویت را بررسی کردیم. یکی دیگر از مفاهیمی که در عنوان این اثر وجود ندارد، ولی افزون بر جایگاه مهم و مؤثر آن در بحث عقیده به مهدویت، در تعیین شاخصهای تربیتی این عقیده نیز نقش بسزایی ایفا میکند، مفهوم «انتظار» است.

انتظار در لغت، به معنای چشمداشت و چشم به راه بودن آمده است؛ (۱) چشمداشت یک تحول و رویداد خوب، گشایش آینده مطلوب و چشم به راه یک منجی. (۲) مراد از انتظار در این تحقیق، حالتی است که از ترکیب ایمان و اعتقاد به مبانی دین و ولایت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، از شوق و علاقه به ظهور و حکومت عدل و همراهی با اهلبیت علیهم السلام و تنفر از وضع موجود (غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و نقص و فساد و تباهی عالم) سرچشمه گرفته است و انواع دگرگونیها را در حالت قلبی، اندیشه و آمال انسانی، رفتار فردی و تلاش اجتماعی انسان ایجاد میکند. (۳)

در اصل انتظار، آمادگی برای پذیرش ظهور، در فکر آن بودن، تلاش کردن برای آن و امیدوار بودن است. مرحله خودسازی و اصلاح نفس در صورتی به اوج و تکامل میرسد که انسان در انتظار و آرزوی پاکسازی سراسر جهان باشد و تنها به تهذیب نفس خود فکر نکند. در نتیجه کسی که انتظار حقیقی را شناخته باشد، دغدغه پاکسازی نفس و جامعه را دارد. در خور توجه است که انتظار ظهور با اعتقاد به ظهور تفاوت دارد؛ کسی که منتظر است، افزون بر اعتقاد، امید و انتظار درک زمانِ موعود را دارد. از این رو بر اساس انتظار و امید عمل میکند و این مسئله در حیات و تحول تربیتی انسان بسیار مهم است. (۴)

به عبارت دیگر، انتظار نیز به عنوان عنصر کلیدی عقیده به مهدویت، همراه با ویژگیهای روانشناختی و شاخصهای تربیتی خود، موجب ارتباطی همراه با آگاهی و بینش و

۱- علی اکبر دهخدا، لغتنامه، ص ۲۹۴.

۲- ابراهیم شفیعی سروستانی، انتظار، باید و نبایدها، ص ۹.

۳- لطف الله صافی گلپایگانی، امامت و مهدویت، ج ۱، ص ۳۵۳.

۴- سید مرتضی مجتهدی سیستانی، صحفیه مهدویه، ص ۱۰۱.

اعمالی پویا و متکامل درباره خدا، خود، انسانهای دیگر و طبیعت میشود و زمینه های آرامش و سلامت روان را فراهم میسازد؛ ضمن آنکه از ابتلاـ به بیماریهـای روانی، افسردگیها و خمودگیهـا و خسـتگیها جلوگیری میکنـد و زمینهسـاز رشـد و ارتقـای توانمنـدیهای فرد در ایفـای نقشـهای فردی و اجتمـاعی است. بر این اساس، خصوصـیات و شاخصـهای تربیتی انتظار، در چهار محور: ویژگیهـای شـناختی، عاطفی، رفتاری و جنبشـی (۱) سامـان مییابـد و زمینهسـاز ارتقـای روانی فرد میشود؛ یعنی در ابعاد شناختی، عاطفی، رفتاری و جنبشی، توانمندیهای وی را بالا میبرد و از این جهت بر سلامت روان او تأثیر میگذارد؛ به خصوص که این انتظار، متعلق به یک معصوم پاکسرشت است که فراگیری رحمت و عدالت در جهان، رهآورد ظهور اوست. (۲)

بـدین ترتیب روشن شد که انتظار به عنوان رکن سازنده مهدویت و نسـخه جامع تربیتی در این بحث مطرح است و از آنجا که موضوع این اثر، «آثار تربیتی اعتقاد به مهـدویت» است، میباید برای ارزیابی و شـناسایی این آثار، شاخصـهای تربیتی را در این موضوع به دست آوریم. از اینرو، بر اساس محورهای اشاره شده در شاخص تربیتی انتظار، با مطالعه در منابع روایی و عقیدتی، ارکان مباحث مهدویت و آموزه های آن شـناسایی شد؛ سپس با غور در منابع تربیتی و بررسی ارکان و آثار تربیتی و در ادامه، تطبیق آن با مهـدویت و تنظیم ساختار آثار تربیتی در موضوع عقیـده به مهدویت، شاخصـهای تربیتی عقیده به مهدویت شـکل گرفت و بـا توجه به نقش ویژه انتظـار، یکی از ارکـان ثـابت در این چهـار محور، «انتظـار» معرفی شـده است. در نـتیجه از این شاخصـها، برای ارزیابی آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت در جوامع و بررسـی شواهد تاریخی مربوط به عصـرهای پیش از غیبت، غیبت صغری و غیبت کبری استفاده میکنیم.

۱- محور جنبشـی را نگارنده با توجه به مجموع مطالعات خود، به ویژه کتاب انقلاب اسـلامی و فرهنگ انتظار، و چهارده قرن تلاش شیعه برای ماندن، به محورها افزوده است.

۲- مسعود آذربایجانی، «رابطه انتظار و بهداشت روان»، خلاصه مقالات چهارمین گفتمان مهدویت، ص ۶.

الف) محور شناختی (انتظار، معرفت و نگرش امیدوارانه)

این محور، شامل معرفت و آگاهی افراد درباره موعود عادل و حکومت و جامعه زمان اوست و به تناسب این معرفت و شناخت، بینش و نگرش امیدوارانه ذهنی (تفکر مثبت) آنان به جامعه آینده و تأثیر آن را در زمان حال، در نظر دارد؛ از این محور، با عنوان «انتظار، معرفت و نگرش امیدوارانه» (۱) یاد میشود.

تأثیر نگرش امیدوارانه: امید و آرزو، از ویژگیهای فطری انسان هستند؛ چرا که هر دو، نگاه به آینده دارند و نمایانگر خواسته های بشر و نشان سعادت انسان هستند. امید، با عقل بشر و خواسته های خردمندانه و امکانپذیر همراه است؛ مثل بیمار که امید به بهبودی دارد، اما آرزو گاه با عقل هماهنگی دارد و گاه ندارد؛ مثل پیرمردی که آرزوی جوانی دارد. آرزومند، انتظار رسیدن به آرزویش را دارد، ولی به سوی مقصود خود قدم برنمیدارد؛ در حالی که امیدوار در پی امید میرود و تلاش میکند.

امید، امری خردمندانه است و با افزایش آن، هدف و آرمان که اموری عقلانی است به دنبال خواهد آمد و هر دو همگام با هم برای ایجاد انگیزه و عمل در فرد پیش میروند.

به عبارت دیگر زمانی که امید در یک مبحث اجتماعی افزایش یابد، هدف اجتماعی با آرمان بشری همجهت میگردد و بشر برای رسیدن به آن امید و آرمان اجتماعی باید تلاش کند و در سختی و رنج، مقاومت نشان دهد. از جمله موارد، تلاش انبیا و اولیا برای هدایت انسانها به امید سعادت آنان است؛ چنانکه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «اگر خورشید را در

۱- مفهوم امیدواری دارای دو بعد ذهنی و عینی است. منظور از امیدواری در بعد ذهنی، مجموعه تفکرات، تمایلات، انگیزه ها و عادات مثبت فکر است که شخص امیدوار، در حیطه ذهن خود از آن بهره مند است. منظور از امیدواری در بعد عینی، مجموعه اعمال، رفتار، کنش ها و واکنش هایی است که شخص امیدوار، به صورت مثبت، جهت دار و فعال، در مواقع گوناگون از خود نشان می دهد. در بخش ذهنی، دارای دو مؤلفه هستیم: ۱. تفکر مثبت که شامل تأکید بر موارد مثبت، رویارویی واقعی با مشکلات، تفکر خلاق و خستگی ناپذیری است؛ ۲. هدفمندی شامل وجود اهداف کوتاه مدت، بلند مدت، پرهیز از پوچی و تفکر در مورد آینده است. مؤلفه های بخش عینی عبارت اند از: ۱. برنامه ریزی برای اهداف کوتاه مدت و بلند مدت؛ ۲. تلاش در زمینه های مختلف. (مهری مقصودی، تحقیق میدانی بررسی رابطه بین انتظار ظهور و امید و افسردگی، ص۴ و۶).

دست راست و ماه را در دست چپ من بگذارید، از تلاش برای سعادت بشر دست برنمی دارم». (۱) نمونه دیگر، امید بشر به تحقق ظهور و تشکیل حکومت عدل و رحمت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و مدینه فاضله و قرار گرفتن در زمره یاران حضرت است. (۲)

با توجه به کارکردها و آثار خاص مهدویت، یکی از فرضیه های تقویت سلامت روان، تقویت نگرش امیدوارانه از طریق عنصر مهدویت و عقیده به آن در نظر گرفته شده است. در یک تحقیق میدانی، روشن گردید که یکی از راه های تقویت سلامت روان، تقویت عنصر مهدویت و اتصال به منبع الهی از طریق امید و نیکی، به منظور تعالی هرچه بیشتر است. (۳)

از دیدگاه اسلامی، انسانی که خودآگاهانه ارتباطی زنده و پویا و متکامل با تمام هستی دارد، دارای روان سالم است. عالیترین الگوهای انسانهای سالم نیز انبیا و اولیا هستند؛ چراکه خودآگاهانهترین، پویاترین و متکاملترین رابطه را با کل هستی دارند. دیگر انسانها نیز به میزان نزدیکیشان به ملاکهای امید و سلامت روانی که آن بزرگواران در توصیه های دینی خود مشخص کردهاند، از امید و در نتیجه سلامت روان بهرهمند هستند. (۴) با این توضیح، عقیده به مهدویت و به کار بستن راهکارها، توصیه ها و آموزه های مهدوی، موجب ارتباطی آگاهانه، امیدوارانه، پویا و فعال و کامل با خدا، خود، انسانهای دیگر و طبیعت و به عبارتی کل هستی میشود.

بر این اساس، شاخصهای تربیتی این محور که برای سنجش آثار تربیتی عقیده به مهدویت در نظر گرفته می شود، عبارتاند از:

– تقویت و استحکام اعتقاد نظری و در پی آن، اعتقاد عملی به توحید و عدل؛

– شناخت و معرفت درباره خدا و برنامه های تربیتی او و نیز شناخت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و اقدامات ایشان؛

۱– بحارالأنوار، ج ۹، ص ۱۴۳.

۲– سید رضا صدر، راه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۲۴–۲۰.

۳– مریم مرتضایی، اندیشه مهدویت و نقش آن در سلامت روان، چکیده.

۴– همان، ص ۹۹.

– بینش صحیح درباره انسان و زندگی و وظایف او در دنیا و عمل کردن بر اساس آن؛

– داشتن تفکر و روحیه ظلمستیزی و عدالتخواهی؛

– داشتن تفکر مثبت و امیدوارانه در رویارویی با مشکلات و سختیهای دوران غیبت؛

– داشتن فکری خلاق و جستوجوگر برای یافتن راه های حل مشکلات آن زمان؛ به عنوان مثال قرار دادن نماد برای انتظار و امید به منظور تکرار و یادآوری آن؛

– توجه به امام زنده و حاضر، و اعتقاد و امید به هدایت و تربیت و یاری ایشان در زمینه های مختلف علمی و معنوی زندگی؛

– توجه به مصالح و فواید غیبت در تربیت افراد؛

– توجه به توصیه و راهکارهای حضرت در زمان غیبت صغری و کبری، از جمله توجه به سیره و سنت ائمه پیشین علیهم السلام، اطاعت از نواب عام، استفاده از سخنان و توقیعات حضرت و... ؛

– تفکر در مورد آینده، اهداف و تکالیف؛

– امیدواری ذهنی و تفکر مثبت درباره آینده و تحقق حکومت عدل جهانی و مدینه فاضله؛

– تفکر و نظمبخشی به اهداف کوتاهمدت و بلندمدت برای رسیدن به مرتبه عالی انسانیت و کسب رضایت حضرت.

ب) محور عاطفی (انتظار، محبت و شوق)

این محور، میزان شوق و محبت افراد به مولا و مربی کامل زمان، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و به تناسب آن، آثار پدید آمده از این محبّت و عاطفه را در نظر میگیرد که از آن با عنوان «انتظار، محبت و شوق» تعبیر میشود.

از جمله آثار انتظار، عشق و محبت به آن چیزی یا کسی است که مورد انتظار است و در طولانی شدن این انتظار، صبر همراه با یاد او لازم به نظر میرسد. هرچه این محبت شدیدتر باشد، انسان منتظر کمتر از یاد و خواسته های محبوب خود غافل میگردد. بنابراین اهل ایمان در زمان غیبت، هر چه از محبت خدا و ولی خدا، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف لبریز باشند، کمتر دچار غفلت میشوند. در حقیقت همین مودّت و ارتباطهای روحی و معنوی است که راه سیر به سوی خدا را فراهم میکند و سلوک انسان را در راستای اراده حق

شکـل میدهـد. بـا محبت امـام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف است که زمینه های اطاعت از او فراهم میشود و با اطاعت از اوست که راه کمال به سوی خدا هموار میگردد (البته محبت حقیقی نه ادعای محبت). (۱)

امام رضا علیه السلام به نقل از امام علی علیه السلام میفرماید:

هر کس دوست دارد خـدا را ملاقات کنـد در حالی که دارای ایمان و اسـلام نیکو باشـد، محبت منتظَر - صاحبالزمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف - را پیشه خود قرار دهـد که او و دیگر پیشوایان، چراغهای روشن در تاریکیهای زندگی و امامان هدایت و نشـانه هـای تقواینـد. من برای هر کس که آنان را دوست بـدارد و ولایتشان را داشـته باشـد، از سوی خـدای تعالی بهشت را ضمانت میکنم. (۲)

در انتظـار موعـود آخرالزمـان، شور و طلب محبت متعلق به حضـرت مهـدی عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف است؛ امـا نکته پر اهمیت آن است که این اشتیاق و محبت به حضـرت، بدون امید و اصلاح نفس و آمادگی معنا پیدا نمیکند. در اصل، محبت و شوق واقعی به حضرت زمانی است که منتظر با کسب ویژگیها و صفات منتظران حقیقی و انجام وظایف و تکالیف خود، عشق و شور خود را افزون بر زبان، به صورت قلبی و در عمل نیز به محبوب و مربی خود ابراز کنـد. این موضوع یک رابطه دو طرفه است که محبت، شور اطاعت میآورد و اطاعت، عشق و محبت را زیاد میکنـد و این امر نشان میدهد که در بعد عاطفی نیز آثار انتظار، معطوف به تربیت، اصلاح و تکامل و تعادل اخلاقی، از طریق صبر بر رذایل و کسب فضایل است.

بدین ترتیب، شاخصهای تربیتی این محور، به این شرح در نظر گرفته میشود:

- توجه به حضرت در هر زمان، از شوق و محبت؛

- احساس حضور مولا و مربی، و مراقبت دائمی و همیشگی بر اعمال و رفتار به جهت نظارت دائمی ایشان؛

- داشتن شور و نشاط و سرزندگی به واسطه این اعتقاد و دوری از افسردگی و ناامیدی؛

- اطاعت از فرمانهای حضرت به دلیل محبت حقیقی به ایشان؛

۱- رابطه انتظار و بهداشت روان، ص ۷.

۲- بحارالأنوار، ج ۳۶، ص ۲۹۶، ح ۱۲۵.

- از جانگذشتگی و ایثار، به دلیل عشق و علاقه به مولا و اهداف ایشان؛

- وحدت و اتحاد مردم برای یاری دادن حضرت، به دلیل علاقه به ایشان و اهداف عالی آن حضرت؛

- پیوند روحی و قلبی با امام و مربی کامل عالم؛

- توجه و عُلقه به مکانهای منتسب به حضرت و ادعیه منتسب به ایشان؛

- انجام دادن مستحبات و هدیه دادن ثواب اعمال، مثل صدقه و حج از طرف ایشان.

ج) محور رفتاری (انتظار، آمادگی و خودسازی)

در این محور، با توجه به نگرش امیدوارانه ذهنی و قلب و روح مملو از محبت، میزان امیدواری عینی و آمادگی و زمینهسازی افراد متربی برای کسب رضایت مولاـ و مربی در نظر گرفته میشود که از آن به عنوان «انتظار، آمادگی و خودسازی» تعبیر میکنیم.

انتظار و ویژگی عدلبرانگیز آن، بهگونهای است که انسان را به حرکت در مسیر متناسب با اهداف و عقاید صحیح برمیانگیزد و از گرایش به جهتهای نامتناسب و ناسازگار باز میدارد. نقش و اثر حیاتی انتظار در انسانها، تحریک آنهاست. به عبارتی انتظار، عامل حرکت و زمینهساز تحول در درون انسان است؛ چرا که منتظر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مثل میزبان منتظر که پاکیزه و آماده، شاد و چشم به راه است، با علم به نظارت و مراقبت خدا و حضرت و با هدف منتظر واقعی بودن و از یاران حضرتش به شمار رفتن، با کوشش برای پاکی درون و تهذیب نفس و ایجاد آمادگی روحی، برای ایجاد ارتباط روحی و عاطفی و همسنخ شدن با امام خود، در انتظار منتظر، شاد و چشم به راه است.

تهذیب نفس و ایجاد تحول درونی در رفتار و کردار و اعمال، فکر کسانی است که به امام عادل و جامعه ایدهآل میاندیشند و با صبر و طمأنینه، امیدوار به ظهور و آمدن او هستند. اخلاق را باید اصلاح کرد؛ چرا که منتظر در فرهنگ مهدوی با قطعی و نزدیک دانستن ظهور، هر لحظه احتمال ظهور موعود عادل خود را میدهد. از این رو، در امر اصلاح و مهذب شدن خود سهلانگاری نمیکند (۱) و با صبر در برابر گناه و هوا و هوس و

۱- دکترین مهدویت، ص ۷۷-۷۹.

کسب فضایل اخلاقی در آمادگی خود میکوشد.

انسان منتظر افزون بر تحول درون و نفس خویش، برای احیای حقوق از دست رفته و اقامه عدل نیز تلاش میکند؛ چرا که انتظار، تعهدهای انسانی را در قبال خود و انسانهای دیگر قوت میبخشد. انسان منتظر با مشاهده در اوضاع جامعه، از خود میپرسد: چرا در جامعه، درگیری، ناعدالتی و نافهمی است؟ چرا برخلاف مبانی تربیتی و عقلی عمل می شود؟!

چنین انسان صبور و خواهان عدل که منتظر روزی است که شرایط آن بهگونهای باشد که اقتضای آفرینش است، به خودسازی و جامعهسازی میاندیشد و برای آن تلاش می کند.

بدین ترتیب، آثار تربیتی انتظار در محور رفتاری، در دو بعد فردی (۱) و اجتماعی (۲) طرح می شود و برای ارزیابی این آثار در دوره های مختلف، شاخصهای آن بدین شکل سامان می یابد:

- تلاش برای مهذب شدن و کسب فضایل اخلاقی؛

- صبر در برابر گناه و هوا و هوس؛

- صبر در برابر برخورد نامطلوب برادران و خواهران دینی؛

- صبر در برابر سختی ظلم و ستم، به امید بهبود شرایط و فرا رسیدن روزگار صلح و راحتی؛

- صبر در برابر غیبت امام و مولا؛

- تلاش عملی برای منتظر واقعی و یار حضرت بودن در زمان ظهور؛

- تکاپو و تلاش برای اصلاح اعمال، به دلیل نظارت و آگاهی حضرت؛

- زمینهسازی و مقدمهسازی فردی و اجتماعی برای تعجیل فرج؛

- عادل بودن در عمل به تکلیف و برخورد با دیگران؛

- تقویت جنبه عبادی به وسیله ارتباط معنوی با حضرت و احساس حضور دائم ایشان؛

۱- رابطه انتظار و بهداشت روان، ص۷؛ ناصر مکارم شیرازی، حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۱۰۵ و ۱۰۹؛ جمعی از نویسندگان، نگاهی تحلیلی به زندگانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص۵۴، ۶۰و ۶۱.

۲- حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۸۲ و ۱۰۸؛ علی اصغر رضوانی، موعودشناسی، ص ۸۷.

- تلاش برای احیای حقوق از دست رفته و اقامه عدل و کمک به دیگران؛

- امر به معروف و نهی از منکر برای اصلاح جامعه؛

- خستگیناپذیری در برابر امتحانات و دشواریهای عصر غیبت و دلداری دادن به دیگر شیعیان؛

- برنامهریزی به منظور تحقق اهداف مورد نظر در راستای رسیدن به مقام منتظر حقیقی.

د) محور جنبشی (انتظار، قیام و اصلاح)

این محور، میزان ایستادگی و پایداری در برابر ستم و سازش نکردن با ستمکاران و قیام به موقع افراد را برای اصلاح جامعه در نظر دارد که از آن با عنوان «انتظار، قیام و اصلاح» یاد میشود.

شیعه علت اساسی غیبت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را حاکمیت ستم میداند و همیشه با امید پیروزی حق بر باطل، با صبر و عدالتخواهی، خود را در برابر حاکمیت باطل و برای نابودی آن آماده میبیند.

امامان شیعه انتظار فرج را واجب اعلام کردهاند و این انتظار هیچگاه به معنای خودسپاری به قضا و قدر نیست؛ بلکه منظورشان از انتظار، آمادگی دائم و شبانهروزی برای جنگیدن در رکاب مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. امام صادق علیه السلام میفرماید: «هر یک از شما شیعیان باید [خود را] برای قیام قائم، آماده کند، هرچند با یک تیر باشد». (۱) به شیعه توصیه شده است که هر روز با خواندن دعای عهد، با حضرت بیعت کند و خود را برای قیام آماده سازد؛ آنجا که میگوید: «... مرا از شهیدان رکابش قرار بده». (۲)

بدین گونه، انتظار شیعه برای ایجاد حکومتی عادلانه او را آرمانگرا کرده است. این آرمانگرایی، روحیهای انقلابی به شیعه بخشیده؛ به گونهای که در طول تاریخ غیبت، پرچمداری انقلاب را همواره بر عهده گرفته است؛ به بیانی دیگر: «نظریهای تاریخی وجود

۱- النعمانی، الغیبه، ص ۳۲۰، ح ۱۰؛ بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۶۶، ح .۱۴۶
۲- مفاتیح الجنان، دعای عهد امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف.

دارد که به طور بالقوه زمینهساز فرضیه انقلاب میتوانـد باشد... بر این اساس که امام دوازدهم، حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در سال ۸۹۳ م ناپدید شد و در نهایت، جهت ایجاد عدالت در دنیا ظاهر میشود. به طور اصولی شیعه متوجه شده است که بین این دو تاریخ، عدالت واقعی در دنیا وجود ندارد که به طور بالقوه نظریه انقلابی است». (۱)

بر این اساس، شـیعیان با صبر و تحمل در برابر دشواریهای راه و داشـتن روحیه عدالتخواهی، با پیروی از رهبران شـیعی و حفظ وحدت و همدلی، با حضور در صـحنه های پیکار نظری و عملی و با همکاری انسانهای خداجو و عدالتخواه، آماده قیام شده و به قیامهای زمینهساز انقلاب جهانی اقـدام کردهانـد. (۲) همراهی برخی مردم بـا مـدعیان دروغین مهـدویت نیز بر اساس همین آرمانخواهی بوده که متأسفانه این کاذبان، برای رسیدن به اهدافشان از آن بهرهبرداری کردهاند.

در اهمیت و آثـار انتظـار شـیعه، همین بس که دشـمنان در جلسـات خود آن را مانع تسـلط بر مسـلمانان میشـمارند؛ چنانکه در کنفرانس تلآویو، مایکل امجی گفته است: شیعیان با نام امام حسین علیه السلام قیام میکنند و با اسم امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قیامشان را حفظ میکنند. (۳)

در این محور نیز شاخصـهایی برای سـنجش آثار تربیتی عقیـده به مهـدویت در دوره های مختلف تعیین شده است که عبارتاند از:

- داشتن روحیه تعهد و مسئولیتپذیری؛

- ایثار و از خودگذشتگی برای استقرار عدالت و حکومت حضرت؛

- نپذیرفتن حکومت ظالم و ایستادگی در برابر آن؛

- تلاش برای اصلاح و تحول در جامعه و ایجاد عدالت به منظور زمینهسازی برای قیام و اصلاحات حضرت؛

- داشتن روحیه شهادتطلبی و در رکاب حضرت بودن؛

- داشتن وحدت و اتحاد برای یاری دادن حضرت یا حکومت اسلامی در زمان غیبت، از

۱- روح الله حسینیان، چهارده قرن تلاش شیعه برای ماندن، ص ۱۱۵ و ۱۱۶.

۲- نگاهی تحلیلی به زندگانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۶۹.

۳- موعودشناسی، ص ۹۹.

طریق جنبشهای مردمی.

در هر چهار محور تبلور آثار تربیتی، دو صفت مشترک صبر و عدل، به معنای داشتن روحیه صبر و روحیه عدالتخواهی و تعادل وجود دارد؛ چرا که یکی از ابعاد تربیتی مکتب اسلام، صبر است و توصیه عام معصوم علیه السلام درباره آن فراوان است. همچنین توصیه خاص به صبر در آخرالزمان نیز در کلام آنان آمده و بسیار ستایش شده است. امام رضا علیه السلام در باب صبر در مشکلات عصر غیبت، میفرماید: «چه نیکوست صبر و انتظار فرج» (۱) و به فرموده پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «انتظار فرج همراه با صبر، عبادت است». (۲)

هدف اصلی انتظار، حفظ روح امید و نشاط، احساس تعهد و آمادگی و عمل به تکلیف و محبت حقیقی و پیوند روحی با امام عجل الله تعالی فرجه الشریف و تلاش برای اصلاح خود و جامعه است که تحقق این موارد، بدون صبر امکان ندارد. (۳)

از سوی دیگر، مفهوم عدل، تعهدپذیری و رعایت حقوق دیگران و روابط اجتماعی نیکو و رعایت کمال اخلاق است. پیامبران که از حقیقت جامعه و انسان و سعادت او باخبر بودند، خوب میدانستند که همه احکام الهی در پرتو بهبود روابط انسانی و امنیت و عدالت اجتماعی تحقق مییابد و زمینه عینیت یافتن احکام، بدین ترتیب آماده میگردد. در جامعه عادل است که انسان، به درستی تربیت میشود؛ با آسایش و امنیت، تن به تکلیف میدهد؛ به مقررات و حقوق همگان احترام میگذارد و در پرتو چنین تعهدشناسی، به سعادت و معنویت و خدا دست مییابد.

از ابعاد مهم و زیربنایی در ساختن جامعه عدالتمحور، راهیابی و نفوذ عدالت در روح افراد و برقراری تعادل اخلاقی در میان مردم است. حقجویی و عدالتخواهی، در پرتو تربیت صحیح و اصلاح اخلاق و برقراری عدل و تعادل باطنی نفوذ میکند و محور گزینش اهل عدل میشود. در زمینه عدالت اخلاقی و تربیتی و تعادل باطنی، افزون بر هدایتهای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، ائمه علیهم السلام هم زمینهسازی کردهاند که احادیث تربیتی و اخلاقی

۱- بحارالأنوار، ج۱۲، ص ۳۷۹.

۲- همان، ج ۵۲، ص ۱۴۵، ح ۶۵.

۳- خورشید مغرب، ص ۲۹۰؛ رابطه انتظار و بهداشت روان، ص ۷.

آنان و توصیهشان به راستگویی، (۱) خوشبینی، (۲) مهرورزی، (۳) دیگران را از خود دانستن (۴) و... راه گشا خواهد بود.

ارتباط مباحث سیاسی و جامعهشناسی عصر غیبت با آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت

شاید این نکته در ذهن آید که تحولات اجتماعی صدر اسلام و مقاومت شیعیان در برابر خلفای ستمگر، شکلگیری جنبشهای مردمی، شکلگیری مدعیان مهدویت - چه به قصد خیر و تحول و چه برای رسیدن به قدرت - در تقسیمات سیاسی و جامعهشناسی مهدوی جای میگیرد و طرح آن در آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت، در محور جنبشی لازم به نظر نمیرسد.

پاسخ این است که قرار گرفتن این مباحث در تقسیمات سیاسی و جامعهشناسی مهدوی کاملاً درست است؛ اما ریشه ها و بناهای شکلگیری این جنبشها و ادعاها، الگوگیری این گروه ها از آغاز تا سرانجام، همه و همه به آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت در افراد و جامعه باز میگردد؛ ضمن آنکه اگر آموزه های مهدوی و تعلیمات ائمه علیهم السلام در این باب و آثار تربیتی این پذیرش در میان مردم وجود نداشت، حتی فکر تشکیل جنبش یا ادعای مهدویت در ذهن این گروه ها شکل نمیگرفت.

در حقیقت میتوان ادعا کرد که حتی تشکیلات سیاسی و شکلگیری جنبشها و ادعاها در عصر پیش از غیبت و پس از آن، بر اساس آموزه های مهدوی و از آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت است؛ حتی مدعیان دروغین و افراد سودجو نیز با اطلاع از آثار تربیتی این اعتقاد و جایگاه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و مهدویت در بین مردم، و با الهام و الگوگیری از قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از این موضوع برای رسیدن به مقاصد سوء خود بهره برده و تشکیلات خود را برپا کردهاند.

به بیانی دیگر، شیعه با اعتقاد به مهدویت و بهکارگیری آثار تربیتی آن چون انتظار، ظلم

۱- الکافی، ج۲، ص۴۲، ح۱ و ص۷۴، ح۳.

۲- بحارالأنوار، ج۷۲، ص۱۹۶، ح۱۲.

۳- الکافی، ج۲، ص۶۴۳، ح۴.

۴- بحارالأنوار، ج۷۳، ص۲۰، ح۳ و ج۷۵، ص۳۴۷، ح۴.

ستیزی و عدالتخواهی، مشروع ندانستن حاکمان سیاسی، نصب عام فقیهان به نیابت از امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، امید به اصلاح و تعالی جامعه و نابودی مظاهر ظلم و فساد، یا محرومیت جامعه از فیض حضور امام، زمینهسازی برای تعجیل فرج و... موضوع انتظار را به طور مستقیم یا غیرمستقیم، محور فکری خود قرار داده و در قیامها و جنبشهای خود از آن بهره برده است.

چنین عقایدی در شیعه درباره احیای مردم و جامعه و رستگاری در آینده نزدیک، یک نوع موعودباوری همراه با محبت را به او ارزانی داشته است و چشمانداز تحقق رستگاری و ایجاد مدینه فاضله در زمان حضرت، باعث قوت و توانمندی این مذهب شده است. هنگامی که چنین عقیده دینی و آثار تربیتی آن، در برابر یک هدف سیاسی برگرفته از آن آثار آماده به کار میشود، موجب یک تعهد و ایثارگری قوی خواهد شد.

در نوشته های «اندرو وهی وود»، درباره اعتقاد به مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ظهور و انتظار آمده است: آثار تربیتی این اعتقاد در سیاست، میشود تعهد و ایثارگری و... . بدین ترتیب، موضوع مهم و اساسی غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و امید به تشکیل حکومت صالح، به طور مستقیم و غیر مستقیم بر رفتارهای سیاسی شیعیان اثر دارد و در بعد تربیتی، آنان را به شهادتطلبی، مقاومت، مبارزه با رژیم فاسد و... سوق داده است. (۱)

بدین ترتیب، شاخصهای تربیتی عقیده به مهدویت برای سنجش آثار و شواهد تربیتی دلالتکننده بر این عقیده، در چهار محور: شناختی (امید به آینده)، رفتاری (آمادگی و اصلاح نفس)، عاطفی (شوق و محبت) و جنبشی (قیام و اصلاح) با وجه مشترک انتظار، طبقهبندی شد. برای بررسی محورهای یاد شده، عنصر صبر و حقجویی و عدالتخواهی نیز مورد توجه خواهد بود.

۱- رحیم کارگر، «انقلاب اسلامی و فرهنگ انتظار»، فصلنامه انتظار، ش ۲، سال اول، ۱۳۸۰، ص ۵۰.

فصل دوم: آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت در دوره پیش از غیبت

اشاره

بـا عنایت به تقسیم دوره ها به پیش از ظهور و بعـد از ظهور به منظور بررسـی آثار تربیتی اعتقاد به مهـدویت، بر دوره پیش از ظهور متمرکز میشویم و راهکارهـا و ساختارهای تربیت مهـدوی و شواهـد تاریخیِ مربوط به آثار تربیتی را که در پی اعتقاد به مهدویت، در سه دوره پیش از غیبت، غیبت صغری و غیبت کبری بروز یافته، در قالب سه فصل مجزا بررسی میکنیم. این فصل به دوره پیش از غیبت اختصاص دارد.

همانطور که در بخش مهـدویت و برنامه کلان تربیتی الهی اشاره شد، زمینهسازی تربیت مهدوی از دوران پیش از غیبت مورد توجه بوده است. از جمله اقدامات و راهکارهایی که برای زمینهسازی این امر صورت گرفته است، عبارتاند از:

– بیان نشانه ها و شرایط ظهور؛

– زمینه سازی خداوند درکتابهای آسمانی و اقدامات انبیا؛

– اقدامات اساسی ائمه علیهم السلام در راستای تربیت مهدوی.

در این فصل، به بررسی هر یک از این امور و آثار آن خواهیم پرداخت.

گفتار اول: راهکار بیان شرایط و نشانه های ظهور و آثار آن

شرایط ظهور و نشـانه هـای ظهور، از جمله مبـاحث مهـدویت است که معمولاًـ در عصـر ظهور مطرح میشود. بـا توجه به آنکه شرایـط و نشانه ها در کلام معصومان علیهم السـلام، پیش از غیبت بیان شـده و آگاهی از آن دارای آثار تربیتی است، انـدکی درباره آن توضیح میدهیم.

مهمترین تفـاوت بین شـرایط ظهور و نشـانه هـای آن، این است که «شـرایط» عبارت از برخی ویژگیهاست که در پیـدایش روز موعـود و تحقـق وعـده حکومت جهـانی، تـأثیری واقعی دارد و در صورت محقق نشـدن شـرایط، حکومت جهـانی تحقق پیـدا نخواهد کرد؛ در حالی که «نشانه های ظهور» ارتباطی به تشکیل دولت جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف ندارد و آن

نشانه ها چه جلوهگر شود و چه نشود، روز موعود خواهد آمد. این نشانه ها، مطالبی است که خداوند توسط پیشوایان دین به آگاهی مردم رسانده است. نشانه ها دو نوع است: نشانه های نزدیک که نزدیک بودن زمان ظهور را میرساند و نشانه های دور که بر اصل حادثه ظهور دلالت دارد.

مهم آن است که با وجود این تفاوت، هر دو یعنی هم «شرایط» و هم «نشانه ها» با بحث تربیتی ما مرتبط است. از شرایط ظهور، دو شرط مهم آن تا به حال آنگونه تحقق نیافته است که موجب تحقق وعده الهی شود:

تربیت امت اسلام در ساحت فکر و اندیشه، برای آنکه شایستگی فراگیری، فهم و اجرای قوانین خدا، دین و امام موعود را داشته باشند که آن را تربیت فکری و عقلی میناميم و تربیت در ساحت ایمان، که شماری کافی از افراد مخلص و مؤمن برای اجرای برنامه های عدالتمحور و کامل الهی آماده باشند.

البته روشن است که حدی نسبی از تربیت فکر و ایمان در عصر پیش از ظهور انتظار میرود؛ چرا که تحقق کامل آن، پس از ظهور و در زمان حضور حجت حق اتفاق خواهد افتاد.

تربیت فکری و ایمانی پیش از ظهور، به تدریج و در نتیجه یک برنامه تربیتی درازمدت محقق خواهد شد. روشن است که در این موارد، قابلیت ارتقا وجود دارد و امت میتوانند از جهت عقلی و ایمانی، از راه های پرورش عقل و ایمان، همواره در حال پیشرفت و ترقی باشند. تا زمانی که برنامه کلان الهی در باب تربیت امت اسلامی نتیجه نداده و امت به سطحی مطلوب از مسئولیتپذیری و رشد نرسیده است، باید گفت که روز موعود فرا نخواهد رسید؛ چرا که حدود و مقدمات، بالاتر از سطح فکری و فرهنگی و ایمانی مردم خواهد بود.

امام موسی کاظم علیه السلام فرمود:

ای پسرم! عقلهای شما برای فهم این امر ضعیف است و خردهایتان برای حملِ آن

سست؛ ولی اگر در آن زمان (زمان ظهور) زندگی کنید، آن را درک خواهید کرد. (۱)

مراد از «عقول» در این روایت، همان سطح فکری و فرهنگی و مراد از «احلام»، اخلاص و ایمان و نیروی اراده و مسئولیتپذیری است. طبق فرمایشات حضرت، درک و فهم این امر منوط به زندگی در آن زمان (ظهور) است و زندگی در زمان ظهور، منوط به تحقق شرایط و رسیدن روز موعود است. تا امت اسلامی به درجهای نسبی از رشد و تربیتیافتگی در عرصه عقل و ایمان نرسند، روز موعودی نخواهد آمد که تعقل و ایمانشان کامل شود و امور مورد نظر را درک کنند. (۲)

با این اوصاف همانطور که ادعا شد، هم نشانه ها و هم شرایط، دارای فواید تربیتی خاص خود خواهند بود. هر چند نشانه ها رابطه سببی با روز ظهور ندارند، خداوند آنها را مایه بیداری و آگاهی امت قرار داده تا نزدیک شدن زمان ظهور را دریابند و با تلاش و تکاپو، آمادگی کامل روحی و فکری برای استقبال از امام و رهبرشان و پذیرش مسئولیت ها را داشته باشند.

در مورد شرایط نیز در صورت حاصل شدن دو شرط تربیت عقلی - فکری و تربیت ایمانی، جدا از حرکت و پیشرفت تربیتی در همین سیر، شرایط دیگر نیز برای ظهور محقق خواهد شد. در نتیجه، آن طرح و ایده کامل اسلام در میان بشریت پدیدار خواهد شد و امت هم که به مدد آموزه های تربیتی مکتب اسلام و به طور خاص، آموزه های اعتقادی - تربیتی مهدوی، به شایستگی تربیت شدهاند، قابلیت آن را پیدا خواهند کرد که در زمان ظهور حضرت، از حکومت عدل جهانی ایشان حمایت کنند؛ چرا که درک عقلی و ایمانی مطلوب را یافتهاند. (۳)

ما در اینجا به دنبال سیر تربیتی برای رشد عقلی - فکری و ایمانی مردم در زمان پیش از ظهور و تا حدودی پس از ظهور هستیم؛ اینکه در برنامه کلان الهی و برنامهریزی تربیتی آن، در آخرین حلقه از زنجیره تربیتی که تربیت مهدوی است، مراحل چگونه و با

۱- الکافی، ج ۱، ص۳۳۶، ح ۱؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۶۰، باب .۳۴

۲- تاریخ ما بعد الظهور، ص۵۴، ۵۶ و .۵۷

۳- همان، ص۵۴ و ۵۸.

چه اهدافی چیده شده‌اند تا ما، به سرانجام اعتقاد مهدوی و آثار تربیتی آن دست یابیم.

این توضیح لازم است که هر چند در نگاه کلان، تربیت را در دو ساحت عقلانی و ایمانی در نظر میگیریم، در بررسی سیر تربیتی در دوره های پیش از ظهور، مباحث خود را در قالب این دو قسم مطرح نمیکنیم؛ اما پس از بررسی، روشن خواهد شد که نتایج مباحث عرضه شده، در تجلی و رشد عقلانی و ایمانی امت مؤثر بوده، هست و خواهد بود.

گفتار دوم: زمینه سازی خدا و انبیا علیهم السلام در تربیت مهدوی و آثار آن

نخستین زمینهسازی برای بروز و ظهور آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت، در خطاب خداوند به پیامبران و اولیا و دیگر افراد بشر، در قرآن و کتابهای مقدس صورت گرفته است.

قرآن طبق سبک و اسلوب خود، به ترسیم طرح کلی از آینده جهان و بشارت عصر رهایی پرداخته و در برخی نشانه های ظهور به اجمال اکتفا کرده و بیان جزئیات و حسب و نسب و مختصات یاران را به احادیث اهلبیت علیهم السلام و تبیین آنان سپرده است؛ از جمله: آیات ۵ و ۶ سوره قصص، ۵۵ سوره نور، ۱۰۵ سوره انعام، ۳۳ سوره توبه، ۲۸ سوره فتح، ۹ سوره صف، ۸۱ سوره اسراء، ۶۱ سوره زخرف و... . (۱)

قصد ما پرداختن به این آیات نیست؛ بلکه نتایج آن در بعد تربیتی مورد نظر ماست، اما به عنوان شاهد مثال در روایتی از امام باقر علیه السلام ذیل آیه ۱۰۵ سوره انبیاء، در تفسیر عبارت «عبادی الصالحون» مصداق آن، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و اصحاب ایشان معرفی شده‌اند (۲) یا در تمثل و استشهاد ائمه علیهم السلام در مورد حیات و ممات زمین، حیات زمین به عدالت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، بعد از موت زمین به واسطه ظلم و جور (۳) و به عنوان حیات طیبه تعبیر شده است. (۴)

۱- عبدالرحیم مبارک، فی رحاب الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص۱۶؛ السید علی الحسینی الصدر، الامام المنتظر من ولادته الی دولته، ص۱۷،۲۴، ۲۸،۳۰ و ۳۳.

۲- علی بن ابراهیم قمی، تفسیر القمی، ج۲، ص ۷۷.

۳- بحارالأنوار، ج۵۱، ص۵۴، ح۳۷؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۶۶۸، ح ۱۳.

۴- علی کورانی ، المعجم الموضوعی لاحادیث الامام المهدی، ص ۹۵۲.

از مجموع آیات که به طور مستقیم یا غیرمستقیم به موضوع مهدویت اشاره دارد، چنین بر میآید که خداوند به گروهی از مسلمانان که دارای دو صفت ایمان و عمل صالح هستند، سه نوید داده است: استخلاف و حکومت در زمین (آیه ۵ سوره قصص و آیه ۵۵ سوره نور)؛ نشر آیین حق به طور اساسی در همه جا (آیه ۲۸ سوره فتح و آیه ۳۳ سوره توبه)؛ از میان رفتن تمام اسباب خوف و ناامنی (آیه ۵۵ سوره نور).

این موارد، نمایانگر بشارت خداوند به هنگام حضور مصلح جهانی در میان مردم است. مقدمه حضور مصلح، اصلاح و تربیت مردم است که محوریت آیات قرآنی در موضوعات مختلف، اصلاحات فردی (۱) و اصلاحات اجتماعی (۲) است و به زمینهسازی برای آمادگی عقلی و ایمانی بشر کمک میکند. در کنار آن، خداوند با بشارت آمدن منجی و توصیف روزگار نهایی و دعوت به صبر و انتظار، بر اهمیت موضوع مهدویت تأکید میکند.

به عبارت دیگر، قرآن کریم روشی ویژه و منحصر به فرد برای مطرح کردن موضوع مهدویت به کار گرفته و تمام اصول خود را در این الگو نهادینه کرده است و با توجه به سنتهای تخلفناپذیر الهی، تحقق این آرمان بزرگ الهی را به بشریت نوید داده و به منتظران راستین امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، بینشی روشن و مسیری صحیح و انگیزهای متعالی بخشیده است، و آنان را به سوی سازندگی همه جانبه در دوران انتظار فراخوانده و شاخص ها و ویژگیهای منتظران را نیز ترسیم فرموده است. (۳)

پیامبران و امامان نیز معلمانی از جانب خدا برای اصلاح و تربیت بشر هستند. البته معلم جهانی و مصلح نهایی در آیات قرآن، حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف است (۴) که برای اصلاح و

۱- سید محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج۱۸، ص ۲۴۱ و ۲۴۲.

۲- از جمله: مائده)۵(: آیه۱۵؛ حجرات(۴۹): آیه ۱۳؛ لقمان(۳۱): آیات ۲۰ و ۲۱ و...؛ ر.ک: المیزان فی تفسیر القرآن، ج۱۸، ص۳۵۰ و۳۵۱؛ عبدالله اخلاقی، اصلاحات در حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۳۷، ۳۹، ۴۰، ۴۱ و ۵۰.

۳- سید منذر حکیم، «جایگاه دکترین مهدویت در اسلام از منظر قرآن کریم»، فصلنامه انتظار، ش۱۶، سال پنجم، ۱۳۸۴، ص ۲۱۱.

۴- قصص(۲۸): آیه۵؛ نور(۲۴): آیه۵۵؛ توبه(۹): آیه ۳۳؛ صف(۶۱): آیه ۹؛ فتح(۴۸): آیه ۲۸؛ هود(۱۱): آیه ۸۶.

تربیت جامع و کامل بشر ظهور خواهد کرد.

در دیگر کتب مقدس در بشارتهای عهدین قدیم و جدید و زبور، اشاراتی است که در مورد ظهور یک منتظر بشارت میدهد و کیفیت حکم او و شیوه ارتباط او با خدا را بیان میکند که در این اشارات، با سخنان پیامبر و اهلبیت علیهم السلام تشابهات فراوانی یافت میشود.

از جمله این موارد، در سفر اشعیا ۱۱: ۲، ۳، ۴، ۶، ۸، ۹ و ۱۰ است که در مورد صفات موعود منتظر بیان شده است:

... حلول میکند بر او روح رب و روح کلمه و فهم و روح مشورت و قوه و روح معرفت و ترس خدا... حکم میکند به انصاف و عدل... آن روزی که بالا خواهد گرفت "قائم" پرچم را برای امتهایی که طلب میکنند او را و انتظار میکشند او را.

و عبارات آن، با صفات بیان شده در روایات اسلامی که مهدی منتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف با حکم و فهم میآید و به عدل و عدالت برای ساکنان زمین و با حکم داود علیه السلام قضاوت میکند و...، (۱) مشابه است.

در مورد زمینهسازی انبیا با توجه به آنکه برنامه همه ادیان و راهبرد همه انبیا علیهم السلام احیا و تربیت انسان بوده است، در اعتقاد اسلامی، حکومت و تربیت مهدوی، تجلی آخرین فرصت ادیان (بقیه الله) در این جهت تلقی شده است؛ چنانکه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در ابتدای ظهور، در سخنرانی خود می فرماید: «من باقیمانده آدم، بهترین فرزند نوح، برگزیده نسل ابراهیم علیه السلام و برگزیدهترین]از خاندان[محمد صلی الله علیه و آله و سلم هستم». (۲) در واقع، نهالی که حضرت آدم علیه السلام کاشت و یکصد و بیست و چهار هزار پیامبر آن را آبیاری کردند، در حکومت مهدوی به بار مینشیند. در سخن پیشوایان دین آمده است:

خوشا به حال آنان که این زمان را درک کنند و اگر ما هم آن زمان را درک میکردیم، در یاری امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف میکوشیدیم. (۳)

۱- شیخ مفید، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ج۲، ص۳۸۶؛ فی رحاب الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۲۲.

۲- النعمانی، الغیبه، ص۲۸۱، ح۶۷؛ بحارالأنوار، ج۵۲، ص۲۳۸، ح ۱۰۵.

۳- النعمانی، الغیبه، ص۲۷۳، ح ۵۰؛ بحارالأنوار، ج۵۲، ص۲۴۳، ح ۱۱۶.

در حقیقت این رغبت و شوق پیشوایـان دین، بـدین دلیـل بوده که چشـمانداز آرمـانی همه انبیا و امامان، در حکومت مهـدوی تحقق مییابـد و از این دوره است که تکامـل بشـری شـتاب مییابـد؛ هر چنـد در زمانهـای قبـل زمینهسازی تربیتی صورت گرفته است، ولی افراد بر خلاف عصـر پیش از ظهور، از زمان تحقق این دوره تا انتهای تاریـخ میتوانند با کمترین کوشـش و هزینه به رشد و کمال دست یابند. بنابراین بدیهی است که تمامی ادیان و رسولان و امامان، احساس خوبی به این عصـر و این حکومت داشته باشند و از آن به نیکی یاد کنند.

موارد مطرح شـده در مورد منجی در کتب مقـدس و تبلیغ و ترویج آن از طرف پیامبران الهی، آمادهسازی ذهنی افراد بشـر در تمام ادیان درباره وجود و ظهور منجی در آخرالزمان، توصـیه به کسب آمادگی و اصلاح خویش و جامعه و در انتظار او بودن و بیـان توصـیفات و خصوصـیات او، از جمله زمینهسازیهـایی است که انبیـا برای ایجاد درک و فهم در آینـدگان درباره منجی آخرالزمـان و اهمیت این مسـئله برای آنهـا انجـام دادهانـد. «روز موعود» نتیجه تلاشـهای انبیا از آغاز پیـدایش است که همگی بسترسازان تحقق آن روز هستند. (۱)

بدین ترتیب، بهترین روش برای هدایت و تربیت انسان، جهت بخشیدن به حیات اوست. قرآن، بهترین و عالیترین روش هدایتی را داراست و آیه ۹ سوره اسراء بر این مطلب اشاره دارد؛ چرا که قرآن، روح انسانی را با بهترین روش رشد میدهد؛ به گونهای که انسان هم قادر است مسائل سودمند و حکیمانه را درک، و هم راه عملی را به خوبی طی کند. (۲)

این روش، در بحث تربیت کلی الهی و نیز در بحث زمینهسازی اعتقادی مهـدویت در کلام خـدا جلوهگر است و در کنار آن، رهنمودهـای رهـبران دینی نیز مکمـل ایـن روش تربیـتی اسـت. همچنین بزرگـواران دینی مـا نیز در جهت تفهیم و ایجـاد بـاور درست درباره مهدویت (غیبت، انتظار و ظهور) گام برداشتهاند که پس از کسب معرفت و بصیرت درباره

۱- مطالب قسمت انبیا برگرفته از: تاریخ ما بعد الظهور، ص۱۹۷؛ دکترین مهدویت، ص ۸۱ و۸۲.

۲- عبدالله جوادی آملی، هدایت در قرآن، ص۷۴؛ مرتضی مطهری، احیای تفکر اسلامی، ص ۲۰.

آن، باید بر اساس آن عمل کنیم.

به فرموده امام علی علیه السلام:

علم و عمل، پیوندی نزدیک دارند و کسی که دانست، باید عمل کند؛ چرا که علم، عمل را فرا خواند؛ اگر آن (عمل) را یافت، میماند و گرنه کوچ میکند. (۱)

گفتار سوم: اقدامات اساسی ائمه علیهم السلام در راستای تربیت مهدوی و آثار آن

اشاره

نقطه عطفِ زمینهسازی برای موضوع مهدویت، از زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آغاز شد و طبق نقلهایی (۲) گویی شناخت سیره حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم ، شناخت سیره و سلوک امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. (۳)

به طور کلی امامان معصوم علیهم السلام در مسیر ایجاد آمادگی علمی، ذهنی و روحی مردم، طبق برنامه و دستور الهی و به ترتیب منطقی قدم برداشتهاند. این هادیان در عرصه های مختلف و با بیانهای متفاوت، موضوعات مهمی را در زمینه مهدویت تبیین کرده و سبب ایجاد آمادگی برای عصر غیبت و ظهور شدهاند. با بررسی دقیق روایات و دستهبندی و عنوانگذاری آنها، به دو اقدام اساسی ائمه علیهم السلام در جهت آمادهسازی برای موضوع مهدویت و عصر غیبت و انتظار و ظهور پیمیبریم: اول، سیره تربیتی معصومان علیهم السلام در آمادهسازی جامعه برای عصر غیبت و انتظار و ظهور؛ و دوم شیوه های ترویج فرهنگ مهدویت و جامعهپذیرسازی آن، که با توجه به اهمیت آنها هر یک را در قسمی جداگانه توضیح می دهیم.

الف) سیره معصومان علیهم السلام در آمادهسازی جامعه برای عصر غیبت، انتظار و ظهور

ایجاد معرفت و آگاهی درباره اصل مسئله غیبت، انتظار و ظهور و معرفی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

۱. نوید آمدن مصلح جهانی و معرفی ایشان: (۴) در گام اول، ائمه علیهم السلام از طریق بشارت به

۱- نهج البلاغه، حکمت .۳۶۶

۲- بحارالأنوار، ج۳۶، ص۳۰۹، ح۱۴۸؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج۱، باب ۲۳، ص .۲۵۰

۳- الامام المنتظر من ولادته الی دولته، ص .۳۸

۴- ر.ک: بحارالأنوار، ج۵۴، ص ۲۱۴و ج۳۶، ص۲۹۱، ح۱۱۴؛ خزّاز قمی، کفایه الأثر، ص .۲۹

آمدن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و معرفی ایشان، در مسلمانان آمادگی علمی و روحی ایجاد کردهاند.

۲. توصیف عصر غیبت و دوران انتظار: درباره دوران انتظار، سازنده بودن انتظار و معرفی آن به عنوان برترین عبادت، توصیف عصر غیبت و شرایط و اسرار آن، روایات متعددی بیان شده؛ از جمله موضوعات مهم آن، امتحانات عصر غیبت و جدا کردن مؤمنان حقیقی از افراد سست ایمان است (۱) که به منظور آمادهسازی مسلمانان برای این امتحان، بر آن تأکید فراوانی شده است.

۳. توصیف عصر ظهور و عدلورزی و اصلاحات حضرت: (۲) تأکید ویژه و توصیف ویژگیهای جسمانی، روحانی و معنوی و اخلاقی حضرت، توصیف عصر غیبت و اوضاع آن، تبیین انتظار و معرفی صفات منتظران حقیقی، تبیین سیره و روش حکومتی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر ظهور، بیان شرایط اقتصادی، رفاهی، قضایی و فرهنگی در زمان حکومت حضرت، شرح صفات یاران و کارگزاران او، سخنرانی حضرت در زمان ظهور و حتی پیماننامه اخلاقی (۳) حضرت پیش از تشکیل حکومت جهانی خود و عهد و پیمانی که از یاران و کارگزاران خود میگیرد و... همه از مواردی است که چهارده معصوم علیهم السلام در روایات برای معرفت و آگاهی امت اسلامی بیان فرمودهاند.

حال این سؤال مطرح است که این همه تأکید و توصیه در زمان پیش از غیبت برای چه بوده و چه فواید و آثاری داشته است؟ این چه سخنرانی و پیماننامهای است که زودتر از موعد بیان شده است؟! حکمت آن چیست؟ بیان این سخنرانی و پیماننامه، دلالت بر آن دارد که حرکت، رفتار و گفتار، روش و اسلوب، برنامه و عملکرد حضرت، طبق یک برنامه حکیمانه از قبل مشخص است.

قصد ما پرداختن به این روایات نیست؛ مهم آن است که شناخت حضرت و معرفت یافتن به ایشان، آشنایی امت با توقعات و انتظارات او، آگاهی بر خواسته ها و پیمان او،

۱- ر.ک: النعمانی، الغیبه، ص۲۰۲؛ امامت و مهدویت، ج۲، ص .۳۵۱

۲- ر.ک: کمال الدین و تمام النعمه، ج۱، باب ۲۳، ص ۲۵۱.

۳- النعمانی، الغیبه، ص .۶۳۲

انگیزه و تلاش برای کسب آمادگی، الگوگیری از صفات منتظران و یاران حقیقی، ایجاد شوق و امید، و درک اهمیت مسئله به دلیل پرداختن همه ائمه علیهم السلام به این موضوع و...، از آثار تربیتی بیان این روایتهاست.

راهکار تربیتی ائمه علیهم السلام به منظور ایجاد آمادگی در امت برای عصر غیبت، انتظار و ظهور

۱. دعوت به ثابت قدم بودن امت در زمان طولانی شدن غیبت و بیان پاداش انتظار، به منظور ایجاد انگیزه و رغبت: توصیه به پایداری در دین در زمان غیبت و بیان پاداش آن، که دوستی حضرت فاطمه علیهم السلام‌است؛ (۱) توصیه به ثابت قدم بودن در اجرای امر ائمه علیهم السلام در زمان غیبت که پاداش آن، همرتبه بودن با امیرالمؤمنین علیه السلام در روز قیامت است؛ (۲) توصیه به ثابتقدم بودن در راه ائمه علیهم السلام و بشارت به ثواب آن از جانب خدا؛ (۳) و برای ایجاد انگیزه قویتر بشارتدادن به این نکته که منتظران ظهور و معتقدان به امامت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، شیعیان خالص و راستین ائمه علیهم السلام (۴) هستند.

در این قسمت، محور سخنان معصومان علیهم السلام، درک مشکلات و سختیهای امت در عصر غیبت و دلداری به ایشان و دعوت آنان به امیدواری و ثابت قدم بودن است. معصومان علیهم السلام با کلام خود، انسانها را آگاه و آماده میسازند و از لحاظ تربیتی و روانی، زمینه شوق به انتظار و صبر در برابر سختیهای عصر غیبت را ایجاد میکنند. همچنین در راهکار تربیتی دیگری، با بشارت به پاداشهای ثابت قدم بودن، امت را به پذیرش و عمل فرا میخوانند.

۲. اشاره به فضل مؤمنان منتظر و توصیه به انتظار حقیقی: در کلام ائمه علیهم السلام ایمان و عمل صالح و به جا آوردن مراتب بندگی، از خصوصیات منتظران حقیقی معرفی شده است. (۵) همچنین بر مأیوس نشدن در دوران انتظار و باقی بودن بر ایمان (۶) تأکید، و اخلاص،

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ص .۳۱۱

۲- بحارالأنوار، ج۵۱، ص۱۰۹، ح .۱

۳- همان، ج ۵۲، ص۱۴۵، ح .۶۶

۴- همان، ج۳۶، ص۳۸۷، ح۱.

۵- همان، ج۲۴، ص۲۱۴، ح۱؛ کمال الدین و تمام النعمه، ص۶۵۶، ح .۱

۶- بحارالأنوار، ج۵۲، ص۱۲۳، ح .۷

یقین و ایمان، از جمله صفات منتظران حقیقی شمرده شده است؛ (۱) و نیز بر تقوای الهی برای حفظ دین در دوران غیبت، (۲) و انتظار همراه با خلق نیکو و پرهیزکاری که از خصوصیات اصحاب قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف (۳) است، تأکید شده است.

بیانات ائمه علیهم السلام به گونهای است که توصیه ها و تلاش آنان را در جهت آموزش انتظار حقیقی به منتظران، جلوهگر میسازد؛ چه نکات دقیق و مهمی را در عبارات خود، برای الگوگیری امت اسلامی بیان میدارند و میکوشند از همان ابتدا و در دوران پیش از غیبت، شاخصه ها و ملاکهای منتظران حقیقی را در میان مردم نهادینه کنند.

ایمان، عمل صالح، به جا آوردن مراتب بندگی، مأیوس نشدن و امیدواری، اخلاص، یقین، تقوا و خلق نیکو، از جمله صفاتی است که معصومان علیهم السلام ما را به آنها توصیه کردهاند. گویی دل انسان میلرزد و متوجه این هشدار میشود که مبادا من، امید خود را در این غیبت طولانی از دست دهم و به دنبال آن، ایمان و یقین من سست گردد! با این تنبه، انگیزهای حاصل میشود که به دنبال کسب شناخت صحیح برخیزد و با خالص کردن خود و تقویت روحیه امید، در تقویت ایمان و یقین بکوشد. اینگونه تأثیر کلام و نوع تربیت ائمه علیهم السلام، پیش از غیبت، بروز و ظهور میکند و آثار آن نه فقط در زمان حضور آنان، بلکه تا این زمان جاری است.

۳. تدابیر ائمه علیهم السلام برای زمینهسازی عمل در زمان غیبت و ارائه الگوی عملی به منتظران: با توجه به اهمیت موارد این قسم در بحث عملی، تعدادی از متن روایات را به عنوان شاهد مثال ذکر میکنیم:

- اطاعت از خدا و تمسک به امر ائمه علیهم السلام در زمان غیبت؛ یعنی اقتدا به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف:

امامان معصوم علیهم السلام با عنایت به غیبت امام معصوم و ظاهر نبودن او در میان مردم، در

۱- همان، ج۵۱، ص ۱۱۰، ح۲؛ کمال الدین و تمام النعمه، ص ۳۰۴، ح ۱۶.

۲- اثبات الهداه بالنصوص و المعجزات من الامام الثانی عشر، ص۴۴۲، ح ۱۴.

۳- بحارالأنوار، ج۵۲، ص ۱۴۰، ح ۵۰.

نسخه عملی برای عملکرد امت اسلامی، بیان میدارند که میباید اطاعت از خدا و ائمه علیهم السلام و حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف و مودت آنها را در کنار هم داشته باشید و به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف اقتدا کنید. (۱)

به فرموده امام صادق علیه السلام:

خوشا به حال کسی که در زمان غیبت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف به امر ما تمسک کند که قلب او بعد از این هدایت گمراه نمیشود. (۲)

آن حضرت در کلامی دیگر میفرماید:

در چه حالی به سر خواهید برد در روزگاری که امامتان را نشناسید؟ به آن حضرت عرض شد: اگر چنین شد، چه باید کرد؟ فرمود: از دستورات امام سابق پیروی کنید تا وقتی خداوند او را ظاهر کند. (۳)

- حاضر و ناظر دانستن خدا و ائمه علیهم السلام:

اگر اعتقاد به این انتظار، حقیقی باشد و باور کنیم که همه در محضر خدا و امام زمان خود حاضریم، چقدر از مسائل و آداب را رعایت خواهیم کرد؟ در روایتی از امام باقر علیه السلام آمده است: «آیا معتقدید برای ما نسبت به شما، چشمانی نظارهگر و گوشهایی شنوا وجود ندارد؟ به خدا قسم، هیچ چیزی از اعمال شما از ما پنهان نیست. پس همه، ما را حاضر در نزد خود بدانید و نفسهای خود را به کارهای پسندیده عادت دهید و اهل کارهای نیک شوید تا این حقیقت را بشناسید. من، فرزندان و شیعیان خود را به آنچه گفتم، امر می کنم». (۴)

حضرت در کلام خود، این نسخه تربیتی را برای آمادهسازی و تنبه صادر میفرماید. وقتی به صراحت بیان میکند که ما شما را میبینیم و نظارهگر شما هستیم، این کنترل از راه دور در نفس اثر میگذارد. بدیهی است که باور این قضیه و یقین به آن، نقش تربیتی

۱- همان، ج۳۶، ص۳۸۶، ح۱؛ اعلام الوری باعلام الهدی، ص ۴۰۷.
۲- بحارالأنوار، ج۵۲، ص۱۲۳، ح۶؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۳۵۸، ح ۵۵.
۳- اثبات الهداه بالنصوص و المعجزات من الامام الثانی عشر، ص۴۷۴، ح ۱۵۷.
۴- بحارالأنوار، ج۴۶، ص ۲۴۳، ح ۳۱.

زیادی در کنترل نفس دارد و موجب تحولی بزرگ در رفتار و کردار انسان میشود.

- دعوت به دعا و نیایش و داشتن حالت انتظار:

یکی از یاران امام هادی علیه السلام از آن حضرت، درباره برنامه عملی و وظیفه عموم شیعیان در زمان غیبت حضرت سؤال کرد: در زمان غیبت، شیعیان شما چه کاری انجام دهند؟ امام فرمود: «بر شما باد دعا و نیایش و داشتن حالت انتظار». (۱)

درباره توصیه به خواندن دعای غریق در زمان غیبت، نقل شده است که امام صادق علیه السلام فرمود:

شبه های دامنتان را خواهد گرفت و به حیرتی دچار خواهید شد؛ [ولی] نشانه هدایت و امام راهبرتان دیده نخواهد شد. در زمان غیبت او، انسان با ایمان را سزاست که خدای را با دعای غریق بخواند. (۲)

عناصر کلیدی و شاخص در دعای غریق، در توصیه امام صادق علیه السلام عبارت است از: طلب ثبوت و استواری قلب بر دین، درخواست شناخت خدا که زمینهساز شناخت پیامآور خداست، و درخواست شناخت پیامآور خدا، که موجب شناخت حجت خداست. در انتهای این دعا آمده است: «اگر حجت خویش را به من نشناسانده بودی، از دین و دینداری راستین گمراه بودم (۳) ». (۴)

این موارد، تدابیر ائمه علیهم السلام در ارائه الگو و دعوت به پیروی از سنت و سیره رسولخدا صلی الله علیه و آله و سلم در زمان غیبت، و توصیه به دعا و نیایش و ارتباط با خدا از طریق ادعیه، به ویژه دعای غریق بود که ما را در داشتن حالت انتظار واقعی کمک میرساند.

۱- همان، ج۹۲، ص۳۳۶، ح ۶.

۲- اعلام الوری باعلام الهدی، ص ۴۳۲.

۳- بحارالأنوار، ج۵۳، ص۱۸۷، ح۱۸؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۵۱۲، ح ۴۳.

۴- در این قسمت برای یافتن احادیث جهت تنظیم و طبقه بندی، از این منابع بهره برده ایم: موعودشناسی، ص۳۳۰-۳۴۰؛ سید محمد کاظم قزوینی، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از ولادت تا ظهور، ص۱۱۸ ، ۱۱۹،۱۳۳ و ۴۶۸؛ لطف الله صافی گلپایگانی، منتخب الأثر فی الامام الثانی عشر، ص۶۳۵ و ۶۳۷؛ علی سعادت پور، الحشوش المضیئه، ص ۱۰۰، ۱۰۲ و ۱۰۳؛ صحیفه مهدیه، ص۹۹، ۱۰۱ و ۱۰۷؛ المعجم الموضوعی الأحادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص۴۱۸-۴۲۰.

به بیانی دیگر، رهنمودهای کلامی و توصیه ها را در سه عرصه میتوان تقسیم کرد:

- رهنمودهایی که وظیفه منتظران حقیقی را در کسب دانش و آگاهی و معرفت صحیح بیان میکند؛ از جمله: آگاهی و معرفت به توحید و عدالت (توانایی او، تحقق وعده های او، نصرت دادن مؤمنان از طرف او و...)؛ (۱) آگاهی و معرفت بر مقام امامت و ولایت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و شناخت حضرت؛ (۲) آگاهی به نقش دین، (۳) نقش انسان در زندگی و وظایف او در دنیا. (۴)

- توصیه هایی به منظور ایجاد تفکر و بینش صحیح ابراز شده است که در نتیجه کسب آگاهی و معرفت، بینش صحیح درباره این موارد حاصل میشود و درک درستی به وجود میآید؛ از جمله بینش درباره حضور دائم حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و نظارت خدا و ائمه علیهم السلام و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بر اعمال و رفتار و کردار ما؛ بینش درست درباره ایام غیبت و در معرض امتحان و ابتلای الهی قرار داشتن به منظور گزینش صالحان؛ بینش صحیح درباره انتظار و محورهای امیدواری، آمادگی، محبت همراه با عمل، اصلاح و قیام؛ داشتن درک درست از فواید صبر و حقجویی و عدالتخواهی، در همه این محورها (۵) قابل ذکرند.

- نکاتی که برای عملی کردن علم و بصیرت، با تأکید بیان شده است؛ از جمله: فرمانبرداری و اطاعت کامل از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در مقام عمل، پرهیزکاری و تقوا، داشتن اخلاق نیک و اخلاص و خیرخواهی، ادای حقوق الهی، دعای زیاد برای فرج و...، (۶) که با عمل به این توصیه ها و کسب معرفت و بصیرت و عمل بر اساس آن، منتظران حقیقی تربیت میشوند.

۱- آل عمران(۳): آیات ۱۲۵، ۱۲۶ و ۱۳۹.

۲- الکافی، ج۱، ص ۳۷۱، ح۵؛ النعمانی، الغیبه، ص ۱۲۹، ح۶؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۴۰۹، ح۹.

۳- بقره(۲): آیه ۱۹۳.

۴- همان: آیه ۱۴۳.

۵- روایت های مربوط به این مطالب در مباحث قبل در همین کتاب موجود است.

۶- روایت های مربوط به این مطالب در مباحث قبل در همین کتاب موجود است.

ب) شیوههای امامان علیهم السلام برای ترویج فرهنگ مهدویت و جامعه پذیرسازی آن

بـا تـوجه بـه بحران غیبـت و وجـود مشـکلات ایـن دوره و بروز سـر گردانی در ایـن عصـر، امامـان معصـوم علیهم السـلام برای پیشـگیری از ایـن بحران و بهبـود مشـکلات، طبـق برنـامه الهی و آگاهیهـای غیـبی خـود، قـدمهایی برداشـتند کـه زمینـه هـای خوداتکایی و آمادگی امت اسلامی را در پذیرش غیبت و گذراندن آن دوران پدید آورند.

مرجعیت عالمان

امامت شیعه توانسته بود از ابتدا نوعی از رهبریِ جانشینی را در امت شیعی به وجود آورد. عالمان شیعی به اذن امامان، نوعی از مرجعیت را پیـدا کرده بودنـد که امت در هنگـام ناتوانی یا دسترسـی نداشـتن به امام، به آنان مراجعه کننـد و مسائل خود را از آنان بپرسـند. امام صادق علیه السـلامبا یک برنامهریزی بسیار عالمانه، مرجعیت قضاوت را به اهل نظر؛ یعنی همان عالمانی که بعدها به عنوان مرجع در فرهنگ تشیع معروف شدند، واگذار کرد. این عمل افزون بر استقلال از حاکمیت اکثریت، به عالمان شیعی مشروعیت بخشید و همین مشروعیت، موجب پذیرش عالمان در میان شیعیان شد.

امامـان معصوم علیهم السـلام حتی در زمـان خودشان به بعضـی از شاگردانشان اجازه اجتهاد میدادنـد تا پاسـخگوی مشـکلات دینی مردم باشند. این موارد، تمرین خوبی برای خوداتکایی امت به شمار میرفت تا در زمان غیبت، برای حل مشکلات دینی به عالمان واجد شرایط خود رجوع کنند.

معصومـان علیهم السـلام ضـمن لطف و احترام به عالمـان شـیعه و اهـدای صـله به آنـان، تلاش کردنـد آنها را از وابسـتگی به حکومت یا گرایش به دنیا حفظ کنند و با بیان احادیث، منزلت آنان را بالا ببرند؛ به ویژه امام عسـکری علیه السلامکه در مورد عظمت علمـا، بسـیار زمینهسـازی کرد، از جمله مسـئله تقلیـد از فقهای شـیعه را مطرح فرمودنـد. (۱) بدینگونه، ریشـهدار شدن عالمان در بین شیعیان، یکی از عوامل مهم عبور شیعه از بحران غیبت و از شیوه های امامان علیهم السلام

۱- بحارالأنوار، ج۲، ص۸۶-۸۸ ، ح۱۲؛ تفسیر الامام العسکری علیه السلام، ص۲۲۹ و ۳۰۰.

برای جامعهپذیرسازی فرهنگ مهدویت بوده است. (۱)

غیبتهای کوتاه و احتجاب تدریجی، نظام وکلا و نظام مراسله

همه ائمه علیهم السلام برای ایجاد آمادگی روحی و روانی و عملی در افراد و جامعهپذیرسازی غیبت و فرهنگ مهدویت، زمینهسازی کردهاند؛ به ویژه امام هادی و امام عسکری۸ که با بهکارگیری شیوه هایی چون غیبت کوتاه و احتجاب تدریجی، نظام وکلا و نظام مراسله، برای آمادهسازی مردم اقدام کردهاند. این دو امام، به ویژه امام عسکری علیه السلام از پشت پرده با اصحاب خود سخن میگفتند و برخی از کارهای مردم را از طریق وکیلان پیگیری میکردند و مردم را به آنان ارجاع میدادند؛ (۲) یا با نامهنگاری، نکات و توصیه های خود را بیان میفرمودند (۳) تا زمینهای برای تشکیلات غیبت صغری باشد. (۴) جایگاه عالمان شیعی و اصالت یافتن آنان در مقام کفیلان و نائبان عام ائمه علیهم السلام در اواخر امامت معصومان، کارکرد صحبت از پشت پرده و نظام وکلا و مراسله، به اضافه تلاش برای ایجاد اعتقاد به مهدویت از زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که تحت عنوان سیره تربیتی معصومان علیهم السلام و آمادهسازی جامعه عصر غیبت به آن پرداختیم، از جمله شیوه های تمرین جدایی از امام در ایام غیبت و جامعهپذیرسازی فرهنگ مهدویت است که موجب شد شیعه با بحران غیبت طولانی مواجه نشود و با آمادگی، در وادی غیبت و جدایی از رهبری معصوم قدم بگذارد.

شاگردان ائمه علیهم السلام و تأثیر آنان در گسترش فرهنگ مهدوی

ائمه علیهم السلام با تربیت شاگردان توانمند، زمینه را برای ترویج فرهنگ مهدوی آماده کردند. شاگردان و دوستداران ائمه علیهم السلام در راستای دستیابی به آثار تربیتی در بین مردم، از طریق ایجاد شور و رغبت در میان آنها و به قصد ایجاد تحول اجتماعی و اعلام انزجار از

۱- چهارده قرن تلاش شیعه برای ماندن و توسعه، ص۱۰۹ - ۱۰۷.

۲- الطوسی، الغیبه، ص ۲۱۵-۲۰۹.

۳- مناقب آل ابی طالب، ج۴، ص ۴۶۲ و ۴۶۶.

۴- فی رحاب الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۷۴ و ۷۵.

حکومتهای ظالم، جنبشهای مردمی را تشکیل میدادند و با رهبری این جنبشها و ایجاد وحدت در میان مردم (در منابع تاریخی در مورد موافقت ائمه علیهم السلام یا مخالفت آنان با برخی رهبران این گروه ها، اختلافنظر است)، در ترویج و گسترش فرهنگ مهدوی نقش مؤثری داشتند. اقدامات کیسانیه، ابومسلمیه، واقفیه، اسماعیلیه و... در بین مردم، نشان از آن دارد که اعتقاد به مهدویت در میان مسلمانان و شیعیان، امری کاملاً شناخته شده و شایع بوده است که در جای خود به برخی از این موارد اشاره خواهیم کرد.

از سوی دیگر، برخی شاگردان و دوستداران ائمه علیهم السلام از طریق تألیف کتاب در ترویج فرهنگ مهدوی مؤثر بودهاند و با تألیف و تصنیف کتابهایی در موضوع غیبت، حتی دوران پیش از غیبت و در زمان حضور ائمه علیهم السلام، در این امر پیشقدم شدهاند. بدین ترتیب، هم مردم آموختند که مصدر رجوع آنان فقیهان و عالمان دین هستند و هم عالمان دانستند که باید مصادر و مراجع علمی مورد نیاز را به گونهای متقن و ثابت در دسترس مردم قرار دهند.

واقفیان از پیشگامان تألیف کتاب بودند؛ ابراهیمبنصالح انماطی، علیبنحسن طاهری و ابنسماعه، از سران واقفیه و صاحب کتاب در موضوع مهدویت هستند. در امامیه نیز علیبنمهزیار اهوازی با کتاب الملاحم و کتاب القائم، (۱) حسنبنمحبوب سراء با کتاب المشیخه (۲) در موضوع غیبت و فضلبنشاذان نیشابوری با کتاب اثبات الرجعه و القائم، (۳) در امر گسترش فرهنگ مهدوی خوش درخشیدند. (۴)

۱- النجاشی، رجال، ص۲۵۳، ش .۶۶۴

۲- الطوسی، الفهرست، ص۴۱، ش .۱۵۱

۳- النجاشی، رجال، ص۳۰۶، ش .۸۴۰

۴- حسن حسین زاده شانه چی، «غیبت صغری و وضعیت علمی - فرهنگی شیعه (۱)»، مجله موعود، ش ۲۷، سال ششم، ص .۸۰

گفتار چهارم: آثار تربیتی آموزه های مهدوی در این عصر به همراه نقل برخی شواهد تاریخی

از جمله آثار آموزه های مهدوی و تعلیم اعتقاد صحیح به مهدویت که خداوند، انبیا و اولیا علیهم السلام و شاگردان ائمه علیهم السلام مسئول تعلیم آن بوده اند، عبارتاند از:

- شناخت و پذیرش قلبی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان منجی آخرالزمان؛

- انتظار واقعی برای او بر اساس آموزه های قرآن و معصومان علیهم السلام؛

- فهم سختیها و مشکلات خاص زمان غیبت و صبر و تحمل در برابر آن؛

- تعلیم مقاومت در مواجهه با ابتلا و آزمایش برای انتخاب مؤمنان و منتظران حقیقی در دوران غیبت؛

- مراقبت همیشگی درباره گفتار و رفتار و اعمال، به دلیل اعتقاد به نظارت دائمی خدا و ائمه علیهم السلام بر احوال امت؛

- شوق و انگیزه کافی برای کسب صفات منتظر حقیقی و آمادگی برای یاری حضرت؛

- الگوگیری از صفات منتظران حقیقی، حتی در زمان حضور ائمه علیهم السلام؛

- نا امید نشدن از آمدن حضرت و امیدوار بودن به حضور در مدینه فاضله؛

- پذیرش و آمادگی ارتباط با امام از پشت حجاب، یا از طریق نظام وکلا و مراسله و پذیرش عالمان دین به عنوان نائبان امام و...

اما مبنای آثار تربیتی اشاره شده، به این اقسام تقسیم میشود:

امیدواری برای تحول و بهبود شرایط جامعه و ظهور حضرت: پس از شهادت امام علی علیه السلامبا افزایش تعصبات نژادی و اشرافیت ایرانی و رومی، فاصله گرفتن از شعائر اسلامی، رفتن عدالت اجتماعی و بازگشت تبعیضها و...، همه مصلحان به دنبال رهایی از این وضع بودند.

در این میان، شیعیان به دلیل اعتقاد به ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که از نسل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و منجی دین و آیین اوست، این آرمان را واقعی و دوران سیاه ظلم و شقاوت ستمگران را ناپایدار و زودگذر میدانستند؛ به گونهای که پس از شهادت امام حسین علیه السلام همواره مترصد ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بودند و با امید و آرزوی ظهور آن امام و پیروزی وی بر ظالمان و

انتقام مظلومیت خود و همنوعانشان، آلام خود را تسکین میدادند. (۱)

شواهد تاریخی که در این قسم بیان میشود، برگرفته از کلام معصومان علیهم السلام و ویژگی های شیعیانی است که پیش از غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، از طریق راهکارها و آموزه هایی که ذکر شد، منتظر تربیت شدهاند؛ شیعیانی که پس از شهادت امام حسین علیه السلام همواره مترصد ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بودند و با امیدواری، انتظار او را میکشیدند. از امام هادی علیه السلامدرباره زمان فرج و پیروزی اهلبیت علیهم السلام پرسیدند، حضرت در پاسخ فرمود: «بعد از غیبت امامتان از جامعه ستمگران، منتظر فرج باشید». (۲)

این روایت، بیانگر آن است که آنان در اوج امیدواری به پیروزی اهلبیت علیهم السلام، منتظر زمان فرج بودند و از امام زمان خود، چنین سؤالی پرسیدند.

همچنین روایتی از امام رضا علیه السلام خطاب به معمّربنخلاد، با عبارت «انتظار شیعیان برای مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف» آغاز شده است که نشان از وجود روح امید و انتظار در میان شیعیان دارد و در ادامه، حضرت به آنان گوشزد میکند که این امید و انتظار، پس از خالص شدن و کسب آمادگیهای لازم از طرف شما محقق خواهد شد. (۳)

کلامی دیگر که از گریه امام صادق علیه السلام و درد دل ایشان با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف حکایت دارد، نشان میدهد شخص امام معصوم نیز به امید ظهور منجی، رنجها و مصائب را تحمل میفرمودند. (۴)

انتظار با صبر: شیعیان بر اساس آموزه های دینی و آموزه های مهدوی، انتظار همراه با صبر را آموخته بودند؛ در عین حال ایستادگی و مقاومت در برابر ظالمان، نپذیرفتن بیعدالتی و ستم، ایثار و جهاد در راه خدا و...، نیز از جمله آموزه های دین و ائمه علیهم السلام و بهویژه رهاورد قیام امام حسین علیه السلام و از اوصاف قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بوده است.

۱- محمد حسن رجبی، «مدعیان دروغین در نهضت های سیاسی - اجتماعی»، مجله موعود، ش۲۲، سال پنجم، ص ۷۸؛ چهارده قرن تلاش شیعه برای ماندن و توسعه، ص ۱۰۷.

۲- بحارالأنوار، ج ۵۱، ص۱۵۹، ح۲؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص ۳۸۰، ح ۳.

۳- النعمانی، الغیبه، ص ۲۰۲.

۴- الطوسی، الغیبه، ص۱۶۷ و ۱۶۸.

بنابراین انتظار در تاریخ شیعه و اسلام، جلوه های گوناگونی داشته که یکی از آنها، انتظار همراه با صبر بوده است. اثر آموزه های مهدویت در تحولات اجتماعی صدر اسلام و مقاومت شیعیان در برابر خلفای اموی و عباسی، در گروی صبر و انتظار و در عین حال مقاومت بوده است؛ اما مقاومت آنان با توجه به شرایط و اقتضائات زمان و مکان، از طریق تلاش و تکاپو برای افشاگری ظلم و ستم حاکمان، ارشاد مردم و دلداری و امیدواری دادن به آنها، تلاش برای همراهی با امام زمان عصر و اطاعت از او صورت میگرفته است.

از جمله شواهد تاریخی که بر وجود این اثر دلالت دارد، عبارتاند از: برخورد قاطع (البته غیرمسلحانه) تعدادی از شیعیان علوی در مقابل عملکرد بنیامیه و بنیعباس و رسوا کردن حکومت ظالمانه آنها و شهادت این مسلمانان به دست عمال جور، رشد اصل تقیه در نتیجه پدیده های کمدوام سیاسی و سرکوب معترضان حکومت، هدایت شیعیان به سمت رشد فقهی و فرهنگی در زمان امام صادق علیه السلام، تبلیغ مذهب با در نظر گرفتن مصالح سیاسی و تدابیر فرهنگی و مذهبی، همگام با ترویج و گسترش فرهنگ مهدوی و اصل انتظار برای ایجاد امید به تحول و بهبود وضع جامعه در زمان بیشتر امامان علیهم السلام، پرورش شیعیان و افزایش نفوذ آنان در عرصه های اجتماعی و سیاسی از سال ۳۳۰ هجری قمری، و ایجاد تحول مذهبی و سیاسی در دوران حکومتهایی مثل آلبویه. (۱)

تأثیر اعتقاد به مهدویت در شکلگیری جنبشهای مردمی با رویّه ایثار: شیعه بنا بر اعتقادات خود، علت اساسی غیبت حضرت را حاکمیت ظلم میداند. از این رو خداوند، آخرین امام را برای برقراری عدالت جهانی حفظ کرده و او را بقیهالله خوانده است. با این تفکر، شیعه هیچگاه در زندگی سیاسی خود نا امید و سرخورده نمیشود و بر اساس آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت، همواره به امید پیروزی حق بر باطل، برای مبارزه با حاکمیت باطل و نابودی آن آماده است. این بینش در طول تاریخ همراه با سختیهایش، به او

۱- «مدعیان دروغین در نهضت های سیاسی - اجتماعی»، مجله موعود، ش ۲۲، سال پنجم، ص ۷۹؛ بهروزلک، «مباحث فلسفه سیاسی مهدویت و منجی گرایی»، باشگاه اندیشه مهدویت، ۱۳۸۶، www.mahdifroum.com.

نشاط و شور داده است. (۱)

بنـابراین گروهی بـا الهـام از آموزه هایی چون ایثار، مقاومت و جهاد در راه خـدا، با هـدف ایسـتادگی در برابر ظالمان وقت و ایجـاد تحـول در وضـع موجـود، جنبشـهای مردمی را برای از بیـن بردن ظلـم و بیعـدالتی تشـکیل میدادنـد و از اعتقـاد مردم به مهـدویت و روحیه انتظـار و امیـد و تحولخواهی آنان، به دلیل تنگ آمـدن از سـتم موجود بهره میبردنـد، ولی ادعایی در زمینه مهدویت نداشتند. البته تعداد این گروه ها بسیار اندک است.

مهمترین شاهد تاریخی در اینباره بابک، قهرمان مبارزه با عباسیان و ظالمان در آذربایجان است که در مورد نسب و مذهب او اختلاف است؛ ولی به نظر میرسد که از فرزندان مطهّر، پسر فاطمه، دختر ابومسلم خراسانی بوده است و این فاطمه، همان است که فاطمیان خرّمی به او منسوب هسـتند (۲) و دسـتگاه تبلیغاتی خلافت کوشـیده تا بابک را هرچه بیشتر ناخوشایند جلوه دهد. (۳)

یـاقوت حموی در معجم البلـدان با معرفی منطقه «بـذ» اظهار میـدارد که بابک خرّمی، قیام خود را از آنجا آغاز کرد؛ سـپس به سخن مسـعر شاعر اشاره میکنـد: «در اردبیل، قلعهای به نام "بـذ" وجود دارد که طایفه خرّمیه در آن اجتماع نمودنـد و با بابک بیعت کردنـد و بابـک از آنجا خروج نمود. از آن پس، مردم در این محل، انتظار حضـرت صاحبالامر را میکشـند». (۴) در بین مردم شایع بود که حضرت از این محل ظهور میکند و این محل، سنبل و نماد انتظار آنان برای ظهور حضرت شده بود. در زیر این قلعه، نهر عظیمی است که مردم معتقد بودند هرکس دچار تب و مرضی باشد و خود را در رود آن قلعه بشوید، شفا مییابد.

منظور در اینجا درست یا نادرست بودن اعتقادات این مردم نیست؛ بلکه مراد اصـلی، تأثیرِ این اعتقاد در مردم آن عصر است تا آنجـا که بـا دیـدن این قلعه، به صاحبالاـمر و ظهور او فکر میکردنـد و آن را سـنبل و نماد انتظار خود قرار داده بودنـد و در هر بیماری، به

۱- چهارده قرن تلاش شیعه برای ماندن و توسعه، ص .۱۱۵

۲- الدینوری، اخبار الطوال، ص ۴۴۴؛ الطبری، تاریخ ، ج۷، ص۵۵۶.

۳- عبدالحسین زرین کوب، دو قرن سکوت، ص ۲۱۵ و .۲۱۷

۴- الحموی، معجم البلدان، ج ۱، ص .۳۶۱

شفـای بیمار خود از این رودِ قلعه، دل میبستهاند. اگرچه انحرافی بودن این مسئله، خود نکتهای است، ولی اثر تربیتی اعتقاد به مهدویت و رسوخ آن در روح و جان مردم آن منطقه، مطلب دیگری است که محل بحث و اشاره ماست.

گفته شده که منتظران مهدی کسانی هستند که پرچم سرخ برپا میکنند، و این نیز شاید سنبل و نماد دیگری از انتظار و منتظران آن دوره بوده است؛ چرا که آنـان به سـرخجامگان مشـهور بودنـد. آنـان به ظهور مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف معتقد بودند و مهدویت، راسخترین اصل اعتقادی آنان بود؛ به حدّی که پس از سقوط شهر بذ و نهضت بذ و قتلعام ساکنان آن، بقیه مردم هم در عقاید خود باقی ماندند. گفتنی است که نهضت بذ، یکی از پنج فرقه شیعیان امامیه در آن عصر بوده است. (۱)

از مهدیباوری تا شکلگیری مدعیان مهدویت (۲) (زمینه های تربیتی مثبت؛ اما کاربرد نامناسب): موضوع مهـدویت و اعتقاد به آن در طول تاریخ شـیعه، بروزهای مختلفی داشته است. در تاریخ شیعه، قیامهای متعددی صورت گرفته که عنصر مهدویت در آنهـا به چشم میخورد و تاریـخ شیعه به خوبی نمایـانگر این است که باور مهـدویت، بر خلاف دیـدگاهی که آن را با سـکون همراه میداند، همواره عامل حرکت، قیام و مبارزه، همراه با ایثار و جهاد بوده است.

نخستین بروز مهدویت، بعد از شـهادت امام علی علیه السلام و ادعای برخی شیعیان در مورد زنده بودن حضرت و مهدی بودن ایشان بود؛ اما پس از آن، ادعای جدیتر مهدویت، در مورد محمد حنفیه و اعتقادات کیسانیه درباره وی پدید آمد. (۳)

۱- منصـور تـورک اوغلـو، «بابـک، قهرمـان مبـارزه بـا اشـغالگران»، سـایت اردبیـل، ۱۵/۶/۱۳۸۵ ، www.Ardabil information.htm؛ (این مقـاله خلاصه ای از کتاب «بابک و نقـد تاریـخ نگاری» تألیف رسول رضوی است که انتشارات نشر امین تبریز در سال ۱۳۸۰ چاپ کرده است).

۲- مراد مـا از طرح این بحث در آثـار و شواهـد تـاریخی تربیتی هر فصـل، توجه به زمینه های تربیتیِ مثبتی است که به واسـطه مهدی باوری در بین مردم وجود داشته؛ ولی متأسفانه مدعیان مهدویت از این زمینه های مثبت، سوءاستفاده کرده اند.

۳- سید علی موسوی نژاد، نشست «بررسی نقش اعتقاد به مهدویت در نخستین جنبش های شیعی»، آرشیو اندیشه، سایت آینده روشن، ۱۳/۱۰/۱۳۸۴، www.bfnews.ir.

با توجه به این توضیحات، دو گروه با استفاده از ادعای مهدویت، جنبشهای مردمی ایجاد کردهاند:

۱. گروهی از آگاهان، با توجه به نارضایتی عمومی و اعتقاد عموم شیعیان به ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و انتظار آمدن او و نیز اطلاع از آثار تربیتی این اعتقاد، همچون امید به بهبود وضع، تحولخواهی، مدینه فاضله و آمادگی مردم برای کمک رساندن به مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و اطاعت از او، ادعای مهدویت میکردند تا به این واسطه با بسیج عمومی و غلیان احساسات پیروان خود، بساط ظلم و ستم را برچینند. نیت این گروه خیر بوده و به قصد تحول اقدام میکردند؛ ولی به هر حال از طریق ادعای مهدویت، حرکت خود را آغاز مینمودند.

قیامهای مختار ثقفی، زیدبنعلیبنحسین، یحییبنزیاد، محمدبنجعفر، ابنطباطبای علوی و یحییبن عمربن یحییبن حسینبنزید را میتوان شواهد تاریخی این بحث، ذکر کرد. (۱)

۲. عدهای نیز با استفاده از آثار اعتقاد به مهدویت در بین مردم؛ از جمله روحیه ایثار و از

۱- برای مطالعه بیشتر، ر.ک: قیام مختار: تاریخ الطبری، ج۵، ص ۵۶۰ و ج۶، ص۷۱؛ ابن اعثم کوفی، الفتوح، ج۶، ص۲۲۸؛ سید حسین محمد جعفری، تشیع در مسیر تاریخ، ترجمه: سیّدمحمّدتقی آیت اللهی، ص ۳۰۵ و ۳۱۲-۳۰۷؛ مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۸، ص۱۷۱؛ غلامحسین محرمی، تاریخ تشیع از آغاز تا غیبت صغری، ص۲۰۴؛ الاخبار الطوال، ص ۲۸۸. قیام زید: چهارده قرن تلاش شیعه برای ماندن و توسعه، ص۶۸-۶۶؛ تاریخ تشیع از آغاز تا پایان غیبت صغری، ص۱۴۸؛ «بررسی نقش اعتقاد به مهدویت در نخستین جنبش های شیعی»، آرشیو اندیشه، سایت آینده روشن، ۱۳/۱۰/۱۳۸۴؛ ابن واضح، تاریخ الیعقوبی، ج۲، ص ۳۲۶؛ «مدعیان دروغین در نهضت های سیاسی - اجتماعی»، مجله موعود، ش۲۲، ص ۸۰؛ «مباحث فلسفه سیاسی مهدویت و منجی گرایی»، باشگاه اندیشه مهدویت، شهریور۱۳۸۶. قیام یحیی بن زید: ابی الفرج الاصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص۱۴۸؛ چهارده قرن تلاش شیعه برای ماندن و توسعه، ص۶۹؛ تاریخ تشیع از آغاز تا پایان غیبت صغری، ص ۱۴۹.قیام محمدبن جعفر: مقاتل الطالبیین، ص۴۳۹؛ چهارده قرن تلاش شیعه برای ماندن و توسعه،ص ۸۴.قیام ابن طباطبای علوی: ابن ابی الکرم، الکامل فی التاریخ، ج ۶، ص.۳۰۲ قیام یحیی: تاریخ الطبری، ج۹، ص۲۶۸؛ چهارده قرن تلاش شیعه برای ماندن و توسعه، ص۹۹؛ «بررسی نقش اعتقاد به مهدویت در نخستین جنبش های شیعی»، آرشیو اندیشه، سایت اندیشه روشن، ۱۳/۱۰/۱۳۸۴.

جانگذشتگی آنها در راه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، وحدت و همدلی مردم برای اجرای فرامین حضرت، صبر و ایستادگی در برابر ظلم، شور و انگیزه برای اصلاح و ایجاد تحول، دفع ظلم و آمادگی برای بسیج نیرو برای حضرت و نجات شیعیان و...، به منظور تحقق اهداف قدرتطلبانه خود با ادعای مهدویت، علیه حکام و ظالمان وقت قیام کردهاند. در واقع، آنها با مناسب دیدن فضا و استفاده از اختناق و فشار حاکم بر مردم به دلیل ظلم و ستم و اطلاع از احساسات پاک و قوی آنها درباره مهدویت، برای پیش بردن اهداف سوء خود و کسب قدرت، از این ادعا بهرهبرداری کردند. (۱)

شاهد تاریخی این نوع قیامها، قیامهای افرادی چون نفس زکیه (۲) و عبداللهبنمعاویه (۳) است که برای پیشبرد اهداف خود، از طریق بازی با احساسات و عقاید مردم در مورد مهدویت، به نفع خود اقدام کردند. (۴)

نکته مهمی که در اینجا ذکر آن لازم به نظر میرسد، آن است که تمام آثار تربیتی مطرح شده در دوره پیش از غیبت، در عصر غیبت صغری و غیبت کبری نیز برقرار بوده و هست؛ بنابراین از ذکر دوباره و مبسوط آن در آثار تربیتی آموزه های مهدوی در غیبت

۱- «مدعیان دروغین در نهضت های سیاسی- اجتماعی»، مجله موعود، ش۲۲، ص ۸۰؛ «مباحث فلسفه سیاسی مهدویت و منجی گرایی»، باشگاه اندیشه مهدویت، شهریور ۱۳۸۶.

۲- مقاتل الطالبیین، ص۲۱۴-۲۱۰؛ سنن ابو داود، ص ۸۷، ح۴۲۸۲ و ص ۸۸، ح۴۲۸۴؛ تشیع در مسیر تاریخ، ص ۳۱۲و ۳۱۳؛ تاریخ تشیع از آغاز تا پایان غیبت صغری، ص۱۵۳.

۳- مقاتل الطالبیین، ص۱۵۶؛ چهارده قرن تلاش شیعه برای ماندن و توسعه، ص ۶۹.

۴- در دوره های بعد نیز شاهد سوء استفاده از آثار اعتقاد به مهدویت هستیم: هم چون دولت فاطمیان در غیبت صغری (یعقوب آژند، «مذهب امامیه در قرن چهارم هجری»، مجله تاریخ اسلام، ش۳، سال هشتم، مهر ۱۳۷۹، ص۱۲۸؛ چهارده قرن تلاش شیعه برای ماندن و توسعه، ص۱۲۰؛ الکامل فی التاریخ، ج ۸، ص ۹۴، ۱۱۴ و ۱۷۹) و دولت مشعشعیان)محمدعلی رنجبر، مشعشعیان (ماهیت فکری - اجتماعی و فرآیند تحولات تاریخی)، مقدمه کتاب و دولت سودانی («مدعیان دروغین در نهضت های سیاسی و اجتماعی»، مجله موعود، ش۲۲، ص ۸۰؛ چهارده قرن تلاش شیعه برای ماندن و توسعه، ص۱۱۷؛ مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۸، ص۱۷۶) و بهائیت و بابیت در غیبت کبری (سید سعید زاهد زاهدانی، «بهائیت، تقابل با اقتدار ملی ایران»، ماهنامه اندیشه و تاریخ سیاسی ایران معاصر (زمانه)، ش۶۱، سال ششم، مهر ۱۳۸۶، ص۶-۹).

صغری و غیبت کبری خودداری میکنیم و به بحث بیشتر درباره آثار تربیتی خاص آن دوره ها میپردازیم.

فصل سوم: آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت در دوره غیبت صغری

اشاره

تا سال ۲۶۰ ه-.ق شیعیان با امامان عصر خود در ارتباط بودند و از هدایت و فیض آنان بهره میبردند؛ اما در دوران غیبت صغری امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ارتباط مستقیم مردم با حضرت و استفاده از هدایت و تربیت ایشان به طور معمول، میسر نبود. از اینرو حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با تشکیل ساختاری نو و استفاده از راهکارهایی در جهت هدایت و تربیت مردم اقدام فرمودند.

با تشکیل سازمان رهبری شیعه در عصر غیبت صغری و امامت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ایشان با ایجاد نهاد وکالت و انتصاب نواب خاص و سفیران، بهرهگیری از وکلای مورد اعتماد، از طریق توقیع و مکاتبه و ملاقات، و از طریق علما و فقهای جامع الشرایط و... در جهت ساماندهی فکری، علمی و اخلاقی شیعیان و هدایت و تربیت آنان تلاش میکردند.

بدین ترتیب، راهکارهای مهدوی در این دوران عبارتاند از:

– سازمان رهبری و نهاد وکالت؛ (۱)

– توقیع، مکاتبه (۲) و ملاقات؛ (۳)

۱– المعجم الموضوعی الاحادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص۸۶۴،۹۹۵ و ۱۰۰۱؛ السید حسن الشیرازی، کلمه الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص .۱۴۵

۲– موعودشناسی، ص ۳۶۳ و ۳۶۵.

۳– ملاقات با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و امکان مشاهده و ارتباط با ایشان، در دوران غیبت صغری، هم امکان داشت و هم برای عده کثیری واقع شده بود و آن ها از وجود امام بهره مند شده اند. مرحوم شیخ مفید و شیخ صدوق، از این ملاقات کنندگان نام برده اند و اختلافی در آن نیست؛ اما در مورد غیبت کبری و امکان ملاقات حضرت، اختلاف نظر است و عده ای معتقدند با وجود تواتر نقل به رؤیت حضرت در زمان غیبت صغری و غیبت کبری و صفحاتِ تدوین شده و حکایات نقل شده از ناقلان ثقه و معروف به صداقت و امانت و تقوا در این باب، علم قطعی به وجود چنین مسئله ای حاصل می شود و بیانات و استدلالات علامه مجلسی نیز در این زمینه در خور توجه است. از جمله افراد با اخلاص و درستکاری که امام خود را ملاقات کرده اند و در کتاب های مربوطه، فصلی جدا به آنان اختصاص داده شده است، می توان به علمای بزرگی؛ چون علی بن مهزیار، شیخ انصاری، سید بحرالعلوم، محقق اردبیلی، علامه حلی و... اشاره کرد. اگر این تشرفات و مکاشفات را بپذیریم، در آن ها نکات تربیتی تأمل برانگیزی وجود خواهد داشت. بحارالأنوار، ج ۵۲، باب ۱۸ و ۱۹، ص ۹۰–۱ و ج ۵۳، ص ۱۹۹–۵۹ و ص ۳۲۵–۳۱۸ (۳۱۲ حکایت)؛ الزام الناصب فی اثبات الحجّه الغائب، ج ۲، ص ۴۱–۱ (۸۳ حکایت)؛ علی اکبر نهاوندی ، حکایات عبقری الحسان فی أحوال مولانا صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف (کل کتاب)؛ صحیفه مهدیه، ص۴۵۴–۴۱۳؛ الامام المنتظر من ولادته الی دولته، ص۸۱؛ جمعی از نویسندگان حوزه، چشم به راه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص۳۳.

- تربیت علما. (۱)

در ادامه به بررسی آثار تربیتی هر یک میپردازیم.

گفتار اول: آثار تربیتی سازمان رهبری و نهاد وکالت در تربیت افراد

اشاره

نقش حضرت و آثار تربیتی سازمان رهبری ایشان، از طریق بررسی نواب و وکلای حضرت و نیز نقش آنان در زمان غیبت، از طریق توقیعات و نامه های حضرت و فرمایشات و توصیه های اخلاقی و تربیتی حضرت، از طریق ملاقاتهای حضرت در دوران غیبت و توصیه های ایشان به افراد که در مباحث بعدی بیان میشود، روشن خواهد شد. ضمن آنکه تبیین میشود چگونه ایشان هدایت مردم را به طور مستقیم و غیر مستقیم در اختیار داشتهاند و در زمینه حفظ ارزشها و فرهنگ دینی و تربیت نسل مهدوی، اقدامات مؤثری انجام دادهاند.

الف) سازمان رهبری

شیوه رهبری امام در ایام غیبت کبری به منظور انجام رسالت تربیت و هدایت امت، و با هدف بهرهمندی متربیان آن دوره بوده است؛ از جمله مهمترین آثار تربیتی سازمان رهبری حضرت، میتوان به موارد ذیل اشاره کرد:

نجات شیعیان از گمراهی از طریق عنایت حضرت

- پس از فوت ابامحمد، نائب دوم حضرت، میان ابن ابیغانم القزوینی و جماعتی از شیعه در مورد خلف و جانشین حضرت اختلاف افتاد و مشاجره در گرفت که ایشان با پاسخ به نامه شیعیان، شک و تردید را برطرف کردند. (۲)

۱- چهارده قرن تلاش شیعه برای ماندن و توسعه، ص ۱۲۲.

۲- المعجم الموضوعی الأحادیث الإمام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص۸۶۷؛ الطوسی، الغیبه، ص۲۸۵؛ طبرسی، الاحتجاج، ج۲، ص ۴۶۷.

پاسخ حضرت، نشانهای است بر اینکه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، مردم زمان خویش را رها نکردهاند و بر همه امور نظارت دارند و از حیث روانی و تربیتی، با دلیل و توجیه فکری و عقلانی، مردم را قانع میسازند و از گمراهی میرهانند.

- توقیع حضرت به آخرین نائب خود در اواخر غیبت صغری و عبارت «فَقَدْ وَقَعَتِ الغَیْبَهُ التّامّه...» که آغاز غیبت کبری و نشانه های آن و علائم ظهور را بیان فرمودهانـد، (۱) نشان میدهد که حضـرت، مردم را در سرگردانی و ناآگاهی رها نکردهاند و با اعلام غیبت کبری و نشانه های آن، اظهار داشتند که منتظر باشند و بکوشند که حق را بشناسند تا گمراه نشوند.

- در ابتـدای غیبت صـغری، گروهی از شـیعیان قم، مثل همیشه برای دیدار با امام حسن عسـکری علیه السـلام و تقدیم هدیه و وجوهات شـرعی خود، به سامرا رفتند و در آنجا متوجه شـهادت حضـرت شده، با ادعای جعفر کذاب مواجه گردیدند. پس از نیـافتن امـام بعـدی، بـا حیرت و سـردرگمی راهی قم شدنـد که در بیرون شـهر سـامرا، پیـک امام مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آنان را نزد حضرت برد. حضرت به شیعیان قم فرمودند: «نماینده خود را با نام عثمانبنسعید عمری در بغداد میگذارم تا در مواقع لزوم به او مراجعه کنید». (۲)

بدین طریق حضرت، شیعیان قم را با اقدامی به موقع، در راهیابی درست و شناخت ولیّ زمانشان و خارج شدن از حیرت، یاری فرمودنـد. به این ترتیب مردم در هنگـام ناامیـدی و سـختی و در مشـکلات علمی، مـادی یا خانوادگی و... از طریق نائب با امام خود ارتباط برقرار میکردنـد. البته شـناسایی این نائبان نیز با امـدادهای غیبی ناحیه مقـدسه صورت میگرفت. افزون بر این ماجرا که به «وفد قمیین» معروف است، میتوان به ماجرای حسنبننضـر قمی، (۳) محمدبنابراهیمبنمهزیار اهوازی (۴) و ابوالعباس احمد دینوری اشاره کرد (۵) که به

۱- المعجم الموضوعی لاحادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۱۰۰۱.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص ۴۷۶، ح ۲۶.

۳- همان، ص۴۴۳، ح ۱۶.

۴- همان، ص۴۸۶، ح ۸.

۵- محمدرضا جباری، «سازمان رهبری شیعه در عصر غیبت صغری»، مجله انتظار، ش۱، سال اول، پاییز ۱۳۸۰، ص۳.

توضیح یکی از این موارد میپردازیم:

در مواردی برای نجات مردم از ادعاهای دروغین و هدایت آنها به مسیر اصلی، به امداد غیبی حضرت نیاز بود. امام برای مقابله بـا این مـدعیان، روشـهای منـاسب و شـیوه های خاصـی داشـتند؛ از جمله تعلیم مقایسه ظاهر مـدعیان دروغین با سـفیر راستین، چنـانکه احمـد دینوری پس از ورود به بغـداد و مواجه شـدن بـا ادعـای نیـابت سه نفر، با بررسـی وضـعیت ظاهری و خانه آنها توانست به صحت ادعای ابوجعفر عمری پی ببرد. (۱)

آماده شدن نواب برای حل مسائل مردم و راهنمایی شیعیان از طریق آموزشهای حضرت: از جمله روشهای امام و سفیران ایشان جهت هـدایت مردم، حضور سـفیر راستین در محفـل مـدعی سـفارت و پیروان او بود که به شـیوهای از وی درباره دروغ بودن ادعـایش اقرار میگرفتنـد. ماننـد ادعـای ابوطـاهر محمـدبنعلیبنبلال که ابوجعفر عمری بـا راهنمایی امام، در محفل او و پیروانش حاضـر شـد و خطـاب به او گفت: «آیـا صاحبالزمـان به تو امر نکرد که اموال را به من تحویـل دهی؟» و او در حـالی که رنگ بـاخته بـود، چارهـای جز اقرار ندیـد و همیـن مسئله، مـوجب بـازگشت برخی پیروانش شـد. (۲) ایـن چنین، حضـرت و سـفیر راستینشان، نقش هدایتی و تربیتی خود را ایفا کردند.

تربیت و اصـلاح افراد از طریق هـدایت باطنی و نفوذ روحانی حضـرت مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف: حضـرت مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف از طریق هـدایت باطنی و نفوذ روحانی نیز به تربیت و اصـلاح پیروان خویش میپردازنـد؛ چنانکه در کلاـم امـام علی علیه السـلام آمـده است: «خداونـدا ! جز این نیست که بایـد حجتی از سوی تو در زمین باشـد تـا خلق را به سـوی آیین تـو رهنمـون گردد و اگر وجود ظـاهری او از مردم پنهـان است، ولی بیشـک تعـالیم و آداب او در دلهـای مؤمنـان پراکنده است و آنها بر اساس آن عمل میکنند». (۳)

۱- بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۳۰۰، ح ۱۹.

۲- الطوسی، الغیبه، ص ۴۰۰ و ۴۰۱.

۳- اثبات الهداه بالنصوص والمعجزات من الامام الثانی عشر، ص ۴۶۳، ح ۱۱۲.

مسلم است کسانی همچون شیخ مفید که شایستگی لازم را داشتهاند، تحت تربیت ویژه حضرت قرار گرفتهاند. (۱)

از دیگر آثار تربیتی سازمان رهبری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در میان مردم، حفظ سیره و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهلبیت علیهم السلام است. این امر با اقدامات عملی و توصیه های کلامی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، رفع نیازهای مؤمنان و اصلاح مشکلات آنان، کشف انحرافات عقیدتی و افشای به موقع کذابان، امیدبخشی و ایجاد آمادگی و همدلی در شیعیان، حل مشکلات علمی و فکری آنان و... صورت میگیرد که هر یک به مقتضای بحث خود، در مبحث نهاد وکالت، توقیعات و ملاقات بررسی خواهد شد.

ب) نهاد وکالت

یکی از مهمترین ارکان سازمان رهبری حضرت در دوره غیبت صغری، انتخاب نواب خاص از سوی حضرت و استفاده از آنان برای پیشبرد اهداف تربیتی بوده است. از کارکردهای نهاد وکالت و آثار تربیتی آن در میان مردم، میتوان به این موارد اشاره کرد:

هدایت شیعیان به مسیر اصلی امامت و رهایی بخشیدن از سردرگمیها و انحرافها: ارشاد شیعیان و تلاش برای راهیابی درست آنان و رهایی از سردرگمیها، در غوغای شیطنتهای فرمانروایان عباسی و ادعای مدعیان دروغین نیابت و خیانت برخی نایبان امامان پیشین، از جمله کارکردهای نهاد وکالت بود. مانند ابوجعفر عمری و نقش هدایتی او در اقرار گرفتن از ابوطاهر محمدبنعلیبنبلال درباره ادعای دروغش، که در گذشته مطرح شد. همچنین نواب خاص برای جلوگیری از انحرافها، بر روایات و احادیث و تألیف کتب دینی و اموری از این قبیل نظارت داشتند. (۲)

جلب اعتماد مردم از طریق خرق عادت، با عنایت حضرت: برای مثال، ابوجعفر عمری

۱- الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۹۷.

۲- «سازمان رهبری شیعه در عصر غیبت صغری»، مجله انتظار، ش ۱، ص ۷؛ «غیبت صغری و وضعیت فرهنگی شیعه (۳)»، مجله موعود، ش ۳۰، سال ششم، اسفند ۱۳۸۰، ص ۸۱.

در یک ماجرا با خرق عادت، از محل پارچه گمشده‌ای به یکی از شیعیان خبر میدهد؛ (۱) یا حسین‌بن‌روح نوبختی به نامهای نانوشته که صفحه‌ای سفید بیش نبود و پرسش فقط در ذهن صاحب نامه بود، پاسخ داد؛ (۲) یا اینکه علی‌بن‌محمد سمری در بغداد از وفات علی‌بن‌بابویه قمی در قم در همان تاریخ خبر داد. (۳)

جلوگیری از تفرقه شیعیان: از جمله فعالیتهای سفیران این بود که با اثبات امامت پسر امام حسن عسکری علیه السلام، جماعت امامیه را از انشعابهای بیشتر مصون دارند. در این راستا، آنان با نقل سخنانی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام که بر ختم دوازده امام به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و غیبت ایشان دلالت داشت، توانستند انشعابها در مکتب تشیع را کاهش دهند و در نهایت از بین ببرند. (۴)

پاسخگویی به پرسشهای فقهی و علمی و عقیدتی مردم و مناظره با مخالفان: نائبان، مرجع مراجعات مردم در مسائل و مشکلات علمی و اخلاقی، معتبرترین سند علمی و تربیتی و تعیین‌کننده حقانیت در شبهه های کلامی و عقیدتی بودند؛ چنانکه از نائب دوم حضرت در مورد مفوّضه و عقایدشان و پیروی از آنها سؤال شد، ایشان نظر مفوّضه در نسبت دادن خلق و رزق به ائمه علیهم السلام را تکذیب، و آن را از شئون ذات الهی ذکر کرد. مردم نیز چون میدانستند که نواب با حضرت در ارتباط هستند، سخنان آنان را با اطمینان میپذیرفتند. (۵) در ماجرایی دیگر، حسین‌بن‌روح نوبختی به سؤالی درباره علت تسلط دشمنان بر امام حسین علیه السلام پاسخ مفصل و قانع‌کننده‌ای داد؛ به گونه‌ای که راوی میگوید: تردید کردم که پاسخها از جانب او باشد، ولی چیزی نگفتم که خودش رو کرد به من و گفت:

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۵۰۲، ح ۳۰.

۲- همان، ص ۴۸۸ و۴۸۹، ح۱۱؛ قطب الدین راوندی، الخرائج و الجرائح، ج ۳، ص ۱۱۲۹ و ۱۱۳۰.

۳- کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۵۰۳، ح۳۲؛ رک: محمدرضا جباری، «از سازمان وکالت تا فقاهت»، مجله موعود، ش ۳۸، سال هفتم، خرداد و تیر ۱۳۸۲، ص۴۵.

۴- حسن عبدی پور، نقش اجتماعی انتظار، ص ۷۱.

۵- اثبات الهداه بالنصوص و المعجزات من الامام الثانی عشر، ص ۷۵۷، ح ۴۳.

اینها را از حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف شنیده است. (۱)

به واسطه این کار نائبان، اطمینان و آرامشی پدید میآمد که از شدت بحران نبودِ امام میکاست. نائبان، وکلا را تثبیت میکردند و هر دو در جهت تحکیم و تثبیت فقیهان مرجع اقدام میکردند و مردم را برای طلب سؤالات و مشکلات از فقیه در زمان غیبت کبری، آماده میساختند. (۲)

رساندن نامه ها، پیامها، پرسشها و مشکلات مردم به حضرت و دریافت جواب و ابلاغ به آنان: مانند نامه حضرت به محمدبنجعفر الاسدی که خاص پاسخ به سؤالات و مسائل شرعی و فقهی بوده و از طریق نائبان حضرت به او رسیده است (۳) یا پاسخ به سؤالات فقهی محمدبنعبداللهبنجعفر الحمیری (۴) که نائب حضرت به او ابلاغ کرد. (۵)

گفتار دوم: آثار تربیتی توقیع و مکاتبه

نوشتن توقیع و نامه از طرف حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یا پاسخ به نامه های نگاشته شده برای حضرت، وسیله هدایت خواص و عوام در مسیر حقیقت دین بوده است. مهمترین این آثار عبارتاند از:

اعلان نصب سفرا و وکیلان و آگاهی دادن به مردم درباره آنها: از جمله توقیع حضرت به نائب دوم، فرزند عثمانبنسعید، به مناسبت ارتحال پدرش و همدردی حضرت در این مصیبت و اعلام جانشینی او (۶) یا توقیع حضرت درباره معرفی راویان حدیث که فرمود: «و اما رخدادها و پیشآمدهایی در آینده روی خواهد داد، درباره آنها به راویان حدیث ما رجوع کنید؛ زیرا آنان حجت من بر شمایند و من، حجت خدایم» (۷).

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۵۰۷، ح ۳۷.

۲- «غیبت صغری و وضعیت فرهنگی شیعه (۳)»، مجله موعود، ش۲۹ و ۳۰، سال ششم، ۱۳۸۰، ص۸۱.

۳- الاحتجاج، ج۲، ص ۴۷۹.

۴- همان، ص ۴۸۱.

۵- السید صدرالدین القبانچی، الحرکه الإصلاحیه من الحسین الی المهدی، ص ۸۲.

۶- بحارالأنوار، ج۵۱، ص ۳۴۹.

۷- الاحتجاج، ج۲، ص ۴۷۰؛ بحارالأنوار، ج۷۵، ص ۳۸۰، ح ۱.

حفظ ارزشها و فرهنگ دینی و سنت و سیره نبوی صلی الله علیه و آله و سلم و اهلبیت علیهم السلام از طریق توصیه ها و اندرزها: برای مثال، در مورد نهی از پرسشهای بیهوده، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ضمن توقیعی، ظهور را در اختیار خدا و زمان آن را از علم و اختیارات الهی دانستند و مردم را از پرسشهای بیهوده در حکمت و مصلحت غیبت نهی فرمودند. (۱)

در توقیعی، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در موضوع لزوم محبت فرمود: «هر یک از شما باید کاری کند که وی را به محبت و دوستی ما نزدیک کند و از آنچه ناخوشایند ما و موجب کراهت و خشم ماست دوری گزیند؛ زیرا امر ما ناگهان فرا میرسد، در هنگامی که توبه در آن زمان برای او سودی ندارد و خداوند رشد و هدایت مطلوب را بر شما الهام فرماید و به لطف خویش، شما را به بهرهوری از رحمتهایش توفیق بخشد». (۲) در بیان حضرت آمده است که عمل ما باید مطابق رضایت آنان باشد تا موجب محبت و دوستی حقیقی گردد؛ ضمن آنکه ایشان ما را از تأخیر انداختن در امر توبه و متکی شدن به توبه آن لحظه برحذر می دارند.

در مورد ادای حقوق الهی، در توقیعی که برای شیخ مفید صادر شده و حضرت، ایشان را دوست بااخلاص خود میخوانند، به شیعیان سفارش میکنند: «سفارش میکنیم هر یک از برادران دینی تو را که تقوای الهی پیشه کرده است تا آنچه بر گردن دارد، به مستحقانش برساند؛ در نتیجه از فتنه های ویرانگر و گرفتاریها و آشفتگیهای تاریک و گمراهکننده در امان خواهد بود و آن کس که در دادن نعمتهایی که خداوند به او کرامت کرده، به کسانی که فرمان رسیدگی به آنها را دارد، بخل ورزد، زیانکار دنیا و آخرت خواهد بود». (۳)

در موردی دیگر، درباره حق امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف سفارش شده و حضرت در ضمن توقیعی، با توصیه به شیعیان میفرماید: «پس از خدا بترسید و تسلیم ما شوید و کار را به ما واگذارید و بر ماست که شما را از سرچشمه، سیراب بیرون آوریم... از راه راست منحرف نشوید و به نادرستی نگرایید و بر اساس سنت آشکار الهی به وسیله محبت و دوستی خود، راه و

۱- الحرکه الاصلاحیه من الحسین الی المهدی، ص ۸۲.

۲- الاحتجاج، ج۲، ص ۴۹۸؛ واحد تحقیقات جمکران، فرازهایی از توقیعات حضرت، ص۶۴.

۳- الاحتجاج، ج۲، ص۴۹۹؛ بحارالأنوار، ج۵۳، ص۱۷۷؛ فرازهایی از توقیعات حضرت، ص۶۵.

مقصدتان را به سوی ما ادامه دهید». (۱)

امیدبخشی و همدلی با شیعیان: حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف برای ایجاد آمادگی در شیعیان و اعلام مراقبت از اعمال و رفتار و گفتار آنها، چنین بیان میدارد: «ما به همه اخبار و احوال شما علم داریم و چیزی از اخبار شما از ما دور نمیماند». (۲) این چنین، ضمن اعلام همراهی، شیعیان را متوجه کنترل و نظارت دقیق خود میکنند.

در بیانی دیگر درباره رسیدگی به امور مردم، ضمن امید دادن و همدلی با آنها می فرماید: «ما در رسیدگی و سرپرستی شما کوتاهی نکرده و یاد شما را از خاطر نمیبریم و اگر جز این بود، دشواریها و مصائب بر شما فرود میآمد...». (۳) بیان چنین عبارتی از جانب یک امام و مولا، آثار تربیتی عمیقی در قلب و عمل منتظران حقیقی میتواند داشته باشد.

در بیانی دیگر، حضرت در مورد کیفیت بهرهوری از ایشان، ضمن اعلام امان و امنیت برای اهل زمین، شیعیان را مطمئن میکنند که اگرچه حضور ظاهری ندارند؛ اما همچون خورشید پشت ابر، آثار و برکات خود را ارزانی میدارند: «اما کیفیت بهرهوری از من در دوران غیبتم، همچون بهرهوری از خورشید است؛ هنگامی که ابرها آن را از دیدگان بپوشانند و من برای اهل زمین، موجب امان و امنیت باشم، همچنان که ستارگان برای اهل آسمان موجب امان میباشند. پس از آنچه به شما مربوط نیست، پرسش نکنید... و برای تعجیل فرج بسیار دعا کنید که به راستی همین دعا، فرج شماست». (۴)

حل مسائل و مشکلات علمی و فکری شیعیان و پاسخ به سؤالات شرعی: از این نمونه ها بسیار است؛ برای نمونه، پاسخ حضرت به سؤالات مختلف فقهی - عقیدتی محمدبنعبداللهبنجعفر الحِمْیَری در یکی از توقیعات. (۵)

۱- الاحتجاج، ج۲، ص۴۶۷؛ بحارالأنوار، ج۵۳، ص۱۷۹؛ فرازهایی از توقیعات حضرت، ص۷۱.

۲- الاحتجاج، ج۲، ص ۴۹۷.

۳- همان.

۴- همان، ص ۴۷۱.

۵- همان، ص ۴۸۱.

کشف انحرافات عقیـدتی و افشای دروغگویان و لعن مـدعیان دروغین: مـدعیان دروغین و فرقه های انحرافی، نقش زیادی در گمراه کردن مردم داشـتند که حضـرت بـا اقـدام به موقع و نظـارت و کنترل بر همه امور مسـلمین، آنـان را از انحرافهـا رهـایی میبخشـیدند. آن حضـرت در توقیعی، شیعیان را از همنشینی با گروه گمراه «ابوخطّاب اجدع» برحذر داشتند و در ضمن، توصیه فرمودند که مردم از مال حرام و باطل دوری کنند. (۱)

در اقـدامی دیگر، حضـرت توقیعی در اعلان لعن مـدعی دروغین، «احمـدبنهلال کرخی عبرتائی» وکیل سابق امام هادی و امام عسکری۸ که فردی صوفی مسـلک بود، صادر فرمودند که به دلیل جایگاه ویژه او و استفاده وی از منصب پیشین خود، ناگزیر حضرت دو یا سه بار، ماهیت دروغین و گمراه شدن او را اعلام و وی را لعن کردند.

توقیع حضرت در مورد اعلان لعن شملغانی که از مدعیان دروغین مهدویت بود، (۲) شاهدی دیگر در این زمینه است.

هر یک از این موارد، بیانگر توجه حضـرت به هـدایت مردم و شـناساندن افراد گمراه، نظارت و کنترل بر امور و انجام اقدامات تربیتی - هدایتی برای آنان است که از جمله آثار آن، هدایت مردم به مسـیر اصـلی و سـیره و سـنت معصومان علیهم السـلام و حفظ ارزشـها و فرهنگ دینی است که ضمن آن، به پرسشهای علمی و فکری شیعیان پاسخ داده شده و آنان را منتظر حقیقی و امیدوار و آماده تربیت میکند.

گفتار سوم: آثار تربیتی حضور علما و پرورش شیعیان

از دیگر راهکارهای تربیتی حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برای تقویت عقیده به مهدویت و تربیت مردم، تثبیت و تأیید علما و فقهای بافضـیلت شیعه برای مراجعات مردم بود؛ علمایی همچون شیخ صدوق، شیخ مفید و شریف مرتضی. (۳) در این قسمت، به آثار و برکات حضور علما در میان مردم اشاره میکنیم.

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۵؛ الاحتجاج، ج۲، ص ۴۷۰ و ۴۷۱.

۲- الاحتجاج، ص .۴۷۴

۳- چهارده قرن تلاش شیعه برای ماندن و توسعه، ص .۱۲۲

چنانکه پیشتر بیان شد، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و غیبت او، از حدود دویست سال پیش از غیبت کبری سخن گفته بودند و این سخنان، در اوایل قرن دوم به همت یاران و شاگردان ائمه علیهم السلام، در صحیفه ها و نوشته های متعددی گردآوری شده بود. این نوشته ها که به «اصول مدوّنه» شهرت یافته بودند، اساس کتابهای بعدی علما درباره غیبت صغری و کبری و مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف شدند. (۱)

انگیزه علما از نوشتن کتاب در مبحث مهدویت، این بود که با آغاز غیبت صغری تا نیمه دوم قرن چهارم، مکتب اهلحدیث یا اخباریون، بر مدارس شیعی کاملاً مسلط شدند و موضوع مهدویت از مسائل بسیار مهم و بحث برانگیز آن دوره شد. دشمنان نیز از همین زاویه حمله میکردند و اتهام میزدند. گروهی از متکلمان توانای شیعه از فرصتی که دولت آلبویه ایجاد کرد، برای مبارزه با افکار اخباریان و اتهامات دشمنان در این بحث استفاده کرده، آثاری همچون تصحیح الاعتقاد و مقابس الأنوار فی الردّ علی أهل الأخبار (اثر شیخ مفید) و الردّ علی أصحاب العدد (اثر شریف مرتضی) و... منتشر نمودند که به کاهش قدرت اخباریون و اتهامات دشمنان به شیعه، کمک بسزایی کرد. (۲)

افزون بر تألیف کتاب و فعالیتهای علمی و پرورشی شاگردان، شیعیان در دوران غیبت صغری از طریق تلاش عالمان بزرگ شیعه و پیروی از ولایت و سفرا و وکیلان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف رشد و تعالی می یافتند؛ از جمله:

- از اواخر قرن سه؛ یعنی آغاز غیبت صغری، تشیع امامی در ماوراء النهر (حوالی سمرقند) رواج یافت. عامل اساسی در این امر، وجود برخی عالمان شیعه در این ناحیه بود. محمدبنمسعود سمرقندی عیاشی، مؤلف تفسیر عیاشی، (۳) از برجستهترین عالمان شیعه بود که در سمرقند، مجلس درس داشت و خانه او مرکز علمی و آموزش و تربیت شاگردان

۱- «موعود اسلام»، روزنامه ابتکار، ش۱۲۶۸، سال پنجم، مرداد ۱۳۸۷؛ علیرضا مزروعی، «مسئله موعود، فلسفه ای رو به آینده»، سایت معاونت پژوهشی و آموزشی سازمان تبلیغات اسلامی (پژوه دین)، ۱۳۸۶، www.pajohe.ir.

۲- «موعود اسلام»، همان.

۳- النجاشی، رجال، ص ۳۵۰.

بسیاری بود که از این طریق، مکتب تشیع را در این ناحیه پدید آوردند. به امور شیعیان در این نواحی، وکیلان امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در خراسان رسیدگی میکردند. در مقدمه من لا یحضره الفقیه شیخ صدوق آمده که در عصر غیبت صغری تشیع در ماوراءالنهر رشد بیشتری یافت؛ چنانکه شیخ صدوق به آنجا سفر، و با شیعیان دیدار کرده است. (۱)

– در عصر غیبت صغری، در شهر ری نیز گرایشهای قوی شیعی بروز و ظهور بیشتری یافتند. حضور راویان و محدثان و عالمان برجسته در این شهر در عصر غیبت، از تأثیر کار وکیلان این شهر که ارتباط نزدیک با شیعیان داشتند، حکایت دارد. از نمونه های بارز علما میتوان به محمد بن یعقوب کلینی، نویسنده کتاب الکافی اشاره کرد. (۲)

– شهر قم مرکز شیعیان بود، ولی در عصر غیبت صغری با توجه به شرایط خاص حاکم بر آن، حضرت برای وارد شدن فقها و علما به صحنه، و گسترش و تربیت شیعه تأکید بیشتری کردند. از همینرو به دلیل آنکه متولیان مساجد از اهل سنت بودند، خانه های خود را محل آموزش و پرورش شیعه کردند؛ از جمله علمای بزرگ شهر قم، پدر شیخ صدوق بود که فرزندش با دعای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به دنیا آمد و دیگری، احمدبنمحمدبنخالد برقی که از شخصیتهای شاخص این عصر و صاحب تألیفات بسیاری است. (۳)

بدین ترتیب نائبان و سفرای چهارگانه به رهبری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، با هدایتِ فعالیت های سازمان پرسابقهٔ وکالت، همکاری وکلای برجسته در دوران غیبت صغری و آمادهسازی علما، توانستند راه ارتباطی مطمئن و کارگشایی میان حضرت و شیعیان سرزمین های گوناگون برقرار سازند و از آن برای حفظ سازمان رهبری جهان تشیع در دوران حساس و سرنوشتساز بهره جویند.

با پایان یافتن دوران غیبت صغری و وفات آخرین رهبر نهاد وکالت و صدور آخرین توقیع حضرت، دوران فعالیت سازمان وکالت پس از دو قرن تلاش (با محاسبه از زمان

۱- شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ترجمه: علی اکبر و محمدجواد غفاری، مقدمه محقق، ص۱۱؛ «غیبت صغری و وضعیت فرهنگی شیعه (۲)»، مجله موعود، ش ۲۹، ص۸۲.

۲- «غیبت صغری و وضعیت فرهنگی شیعه (۲)»، همان.

۳- «غیبت صغری و وضعیت فرهنگی شیعه(۳)»، مجله موعود، ش۲۹، ص ۸۰.

امام صادق علیه السلام) و دوران صدور توقیع از طرف حضرت، به پایان رسید و سازمان فقاهت در طول دوران غیبت کبری، ادامه دهنده راه سازمان وکالت تا عصر حاضر گشت. (۱)

با مرور شواهد تاریخی آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت در دوره غیبت صغری، و با عنایت به آثار تربیتی راهکارهای مهدوی و سازمان رهبری (از طریق نهاد وکالت، توقیع، حضور علما و...) بر افراد، و با توجه به مواردی که در بحث دوره قبل از غیبت گذشت، محورهای آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت در میان مردم، عبارت است از: انتظار همراه با صبر در مشکلات و امید به بهبود شرایط، شکلگیری جنبشهای مردمی برای مبارزه با ظلم، ادعاهای مهدویت با نیت خیر و ایجاد تحول یا کسب قدرت که در پایان به طور گذرا به آثار آنها اشاره میکنیم:

- احیای شیعه در جهان اسلام، پس از سه قرن مبارزه و ترک حالت تقیه و حضور در صحنه رقابت؛ (۲)

- رابطه گرم و صمیمانه مرجعیت دینی شیعه و مرجعیت سیاسی و تحقق امید و انتظار شیعیان برای ایجاد تحول؛ (۳)

- برگزاری کرسیهای علمی علما با حمایت حکومت؛ مثل کرسی کلام شیخ مفید، شریف مرتضی و شیخ طوسی؛ (۴)

- پیروزی جنبشهای مردمی و تشکیل دولتهای شیعی آلحمدان (۵) و آلبویه (۶) به نیت مبارزه با ظلم (آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت در دولت آلبویه، با اقداماتی مثل احیای

۱- «سازمان رهبری شیعه در عصر غیبت صغری»، فصلنامه انتظار، ش۱، ص۵.

۲- چهارده قرن تلاش شیعه برای ماندن و توسعه، ص۱۲۰، ۱۲۱ و ۱۲۵.

۳- همان.

۴- همان، ص ۱۳۰ و ۱۳۱.

۵- تاریخ طبری، ج۱۱، ص ۳۴۲.

۶- همان، ص۱۲۲؛ الکامل فی التاریخ، ج ۸، ص.۲۶۴

فرهنگ شیعی، بزرگداشت ائمه علیهم السلام،(۱) برگزاری مجالس پاسخ به شبهات دینی (۲) و مهدویت، و تألیف کتاب در مورد مهدویت (۳) جلوه‌های دیگر یافت).

۱- چهارده قرن تلاش شیعه برای ماندن و توسعه، ص۱۲۶ و .۱۲۷

۲- همان، ص ۱۲۸؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج۱، ص .۸۷

۳- چهارده قرن تلاش شیعه برای ماندن و توسعه، ص۱۳۰ و ۱۳۱.

فصل چهارم: آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت در دوره غیبت کبری

اشاره

تا به حال دو گام از این مراتب تربیتی را در دوره پیش از غیبت و غیبت صغری طی کردیم؛ اکنون برآنیم که در گام سوم، به چگونگی تربیت امت توسط حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و آثار تربیتی اعتقاد به ایشان و اجرایی شدن راهکارهایشان در دوره غیبت کبری بپردازیم.

برخی اقدامات و راهکارهایی که در قالب یک ساختار تربیتی هماهنگ برای این دوره در نظر گرفته شده، عبارت است از:

- توصیه برای تمسک به سیره و سنت اهلبیت علیهم السلام و سخنان خودِ حضرت برای عمل در دوران غیبت ایشان؛

- جایگزینی فقها و علما و نواب عام؛

- ملاقات با برخی خواص و نقشآفرینی حضرت در حل مشکلات؛

- راهنمایی و کمک به برخی عوامِ خاص.

پیش از ورود در بحث اصلی، فایده امام غائب و چگونگی بهرهمندی از او را توضیح میدهیم.

گفتار اول: فایده امام غائب و چگونگی بهره مندی از او

با توجه به شرایط خاص دوران غیبت کبری، اینگونه به ذهن میرسد که فایده امام غائب چه میتواند باشد؟ امام غائب، چگونه میتواند وظایف امامت و ولایت خویش را انجام دهد، در حالی که در میان مردم حضور ندارد؟ آیا غیبت با وظیفه هدایت و تربیت امام، سازگار است؟

برای پاسخ به این پرسشها، ابتدا امامت را از قول علامه طباطبایی تعریف میکنیم:

امامت حقیقی، ورای مقام اطاعت یا ریاست دین و دنیا یا وصایت و خلافت در زمین، به

معنای حکومت در بین مردم است. (۱)

امام غائب، روش هدایت و تربیتی خاصی دارد که با روش پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و دیگر معصومان علیهم السلام متفاوت است. در کیفیت بهرهمندی از حضرت در زمان غیبت، در کلام خود ایشان آمده است: «کیفیت نفع بردن من در زمان غیبتم، مانند نفع بردن به واسطه خورشید است، هنگامی که ابرها او را از دیدگان مستور نماید». (۲)

نکته قابل توجه این است که این سؤال پیش از تولد حضرت نیز مطرح بوده؛ و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیز پاسخی مشابه کلام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف (بهرهمندی از خورشید در پشت ابر) بیان فرمودهاند. (۳)

توصیف بیان شده حاکی از آن است که اصل قضیه غیبت نه تنها مانع تربیتی نیست، بلکه دارای آثار و فواید تربیتی برای بندگان خداست؛ از جمله:

امتحان بندگان از طریق غیبت حضرت و گزینش صالحان: اولین نکته دارای اهمیت در این بحث، امتحان بندگان از طریق غیبت حضرت و ایام غیبت است؛ زیرا به واسطه غیبت، به ویژه اگر سرّ آن نامعلوم باشد، مرتبه ایمان و تسلیم افراد در برابر تقدیر الهی، ظاهر میشود و قوت تدین و تصدیق آنان آشکار میگردد. همچنین در زمان غیبت، به واسطه حوادث و فتنه هایی که روی میدهد، شدیدترین امتحانات از مردم گرفته میشود.

امتحان، یکی از سنن الهی در گزینش صالحان است. زندگی و مرگ، داشتن و نداشتن، مقام، بیماری و... همه وسایل تخلیص و تربیت، امتحان برای ظهور کمالات و فعلیت یافتن استعدادها و نمایش شخصیت، ایمان، صبر، استقامت، میزان درجه حضور و تسلیم افراد در برابر خداست. (۴)

از آنجا که دوران غیبت، طولانی میشود، افراد به شک میافتند و جز مخلصان و افراد بامعرفت و آزموده و معتقد حقیقی، باقی نمیمانند. ایمان به بقا و حیات حضرت، انتظار

۱- المیزان فی تفسیر القرآن، ج۱، ص .۲۷۱

۲- الاحتجاج، ج ۲، ص۴۷۱؛ بحارالأنوار، ج ۵۳، ص .۱۸۱

۳- بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۹۲، ح .۶

۴- امامت و مهدویت، ج۲، ص .۳۳۹

ظهور در دوران بسیار طولانی غیبت توسط منتظران و نیز ایمان به غیب، استواری عقیده و اعتماد به خبرهای غیبی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اولیا، نشانه ایمان به قدرت الهی آنان و علامت قوت تسلیم و تمکین این منتظران در برابر برنامه دین است. (۱)

آمادگی بشر برای ظهور و حرکت به سمت اصلاح و تکامل: یکی از مصالح و فواید غیبت، انتظار و تکامل بشر و آمادگی فکری او برای ظهور آن حضرت است. از جمله این اسرار، آن است که افراد بشر به تدریج برای ظهور آن مصلح حقیقی و ساماندهنده وضع بشر، آمادگی علمی و اخلاقی و عملی پیدا کنند؛ زیرا روش آن حضرت، مانند انبیا و اولیای گذشته نیست که مبتنی بر اسباب و علل عادی و ظاهری باشد؛ بلکه بر اساس حکم به باطن است. سیره ایشان در رهبری جهانیان، مبنی بر حقایق و حکم به واقعیات، مسامحه نکردن در امور دینی، احقاق حقوق در رد مظالم، بازخواست دستنشاندگان و ارباب قدرت و رسیدگی به کار آنان است که تحقق این امور، در گرو تکامل علوم و معارف، و ترقی و رشد فکری و ایمانی بشر است؛ به طوری که زمینه عالمگیر شدن آموزه های اسلام و جهانی شدن حکومت احکام قرآن فراهم باشد. (۲)

در زمان حضور ائمه علیهم السلام و با وجود تلاشهای آنان در راه تربیت و اصلاح همه انسانها، به دلیل فقدان فهم و درک مناسب عامه مردم، تنها خواص در پرتو تربیت ائمه علیهم السلام رشد میکردند.

شاید بتوان ادعا کرد که دوران حضور ائمه علیهم السلام، برای رشد و بالندگی خواص مناسب بوده است. غیبت آخرین ولیّ خدا، با توجه به شرایط خاص این دوران و سیر حکومتها و ناعدالتیها در جهان، احساس نیاز به یک مظهر عدل جهانی و منجی را در دوران غیبت برمیانگیزد؛ به گونهای که ندای فطرت مردم را زنده میکند. در زمان دیگر ائمه علیهم السلام، آنان حضور داشتهاند و بیشتر مردم از حضور آنان استفاده نکردهاند؛ اما حال رویکرد به سمتی است که معصوم، حاضر نیست و به تدریج احساس نیاز مردم به حجت زمان و

۱- همان، ص ۳۵۱.

۲- همان، ص ۳۳۹ و ۳۵۴.

ضرورت تربیت از طریق او بیشتر برانگیخته میشود و آنها با تشنگی و ولع بیشتر به دنبال تکامل و اصلاح هستند.

بنابراین یکی دیگر از حکمتها و فواید غیبت را میتوان آمادگی جهانی برای ظهور خاتمالأوصیاء عجل الله تعالی فرجه الشریف بیان کرد که باید زمینهٔ پذیرش در سطح کلی و عمومی آماده باشد.

سرّ تربیتی غیبت آنگونه است که با غیبت معصوم علیه السلامو اوضاع نامطلوب و تاریک جامعه، مردم طلب نور میکنند و در یک کلام، فلسفه این غیبت طولانی و فایده آن، تربیت و تکامل و ایجاد آمادگی برای ظهور در عموم مردم است. (۱)

حضرت در پشت پرده های غیبت، دلهای آماده را تحت جذبه مخصوص خود قرار میدهد و از طریق هدایت باطنی و با در نظر گرفتن راهکارهایی، به تربیت و تکامل بشر میپردازد. در ادامه به بررسی راهکارهای تربیت مهدوی در دوران غیبت کبری و آثار تربیتی آن میپردازیم.

گفتار دوم: آثار تربیتی توصیه برای تمسک به سیره و سنت اهلبیت علیهم السلام و سخنان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

هر چند غیبت ظاهری مربی، برخی محرومیتها را در پی دارد؛ اما این غیبت، بر اساس حکمتها و شرایطی بوده است و در ضمن آن، امکاناتی هم در نظر گرفته شده که دارای آثار هدایتی و تربیتی است.

در زمان غیبت کبری، کتاب خدا و سنت رسول صلی الله علیه و آله و سلم ، احادیث و آموزه های یازده معصوم علیهم السلام و سیره عملی ایشان در ابعاد گوناگون، دوران هفتاد ساله غیبت صغری و مجموعه ارشادها و آموزه ها در این دوره که از طریق نائبان و وکلای حضرت منتقل شده است و وجود جمعی از عالمان و بزرگان شیعه که با واسطه های کم، دوره های تربیتی امامان علیهم السلام را درک کردهاند، (۲) از راهکارهای عملی تربیت متربیان و منتظران است.

ابونصر فارابی و برخی دیگر از فیلسوفان میگویند:

۱- حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص .۲۵۱

۲- ذبیح الله محسنی کبیر، مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آخرین سفیر انقلاب، ج ۱، ص .۲۷

هنگامی که رئیس [مدینه فاضله] غایب بود، باید به سنن و قوانین پیشینیان او عمل کرد؛ علمای بزرگ تشیع نیز همین سیره را عملی کردهاند. (۱)

در کلامی از خود حضرت نیز چنین آمده است: «بکوشید در صراط مستقیم باشید و به چپ و راست نروید؛ ما را با شناخت و حجت قبلی، الگوی خود قرار دهید». (۲)

این است که با وجود میراث هدایتی و تربیتی ائمه پیشین علیهم السلام که در ابعاد گوناگون به جای مانده است و با وجود توصیه ها و سخنان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران غیبت صغری، درمییابیم که آثار وجودی حجت در دوران غیبت، به طور کلی منتفی نیست.

مهمترین آثار این راهکار تربیتی که با عمل به سنت و سخنان چهارده معصوم علیهم السلام حاصل میشود، عبارتاند از:

اعتقاد به واسطه فیض بودن حضرت: به واسطه اخبار مستفیضه قطعیه، ثابت شده که ذات ائمه علیهم السلام، علت غایی ایجاد مخلوقات عالم است. از این رو، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز واسطه فیض الهی و علت غایی مخلوقات هستند و بدون ایشان، زمین و اهل زمین مضطرباند؛ چرا که حضرت، واسطهای تکوینی است و چنانکه پیشتر گفته شد، از انظار عموم، غائب؛ ولی درباره نفوس شایسته، هدایت باطنی دارند و آنان را به حق و حقیقت و به سوی هدایت و سعادت، هدایت خواهند کرد. (۳)

شیعیان معتقدند آنچه از مادیات و معنویات به آنان میرسد، همگی به برکت وجود حضرت و فیض پر برکت ایشان است و اینجاست که آثار تربیتی این اعتقاد، بروز و ظهور میکند و مردم به امید حضرت و هدایت و تربیت توسط ایشان، برنامه سعادتبخش خود را دنبال میکنند.

در کلامی از زیارت جامعه کبیره (۴) که ائمه علیهم السلام به آن گواهی دادهاند، آمده است که افاضه فیض بدون واسطه حضرت، امکانپذیر نیست. اعتقاد به اینکه امام، واسطه فیض

۱- خورشید مغرب، ص ۱۸۵.

۲- الاحتجاج، ج۲، ص ۴۶۷.

۳- موعودشناسی، ص ۲۸۲.

۴- مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره: «بِکُمْ فَتَحَ اللهُ وَبِکُمْ یخْتِمُ وَبِکُمْ ینَزِّلُ الغَیثَ وَبِکُمْ یمْسِکُ السّماءَ».

است و به مؤمن کمک میکند، موجب ثبات و صلابت مؤمن در عقیدهاش میشود و در رویارویی با طاغوت و ظلمت، به او قوت قلب میبخشد. (۱)

احساس وجود و حضور امام و نظارت ایشان: بنا بر فرموده شخص حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که در بخش توقیعات ذکر شد، حضرت از احوال همه انسانها و اوضاع آنان آگاهی دارند و مراقبتها و کنترلهای حضرت و رسیدگی و سرپرستی ایشان دائمی است. (۲)

اگر چه حضرت، حکومت ظاهری ندارند؛ اما شئون امامت و رهبری را در حدّ امکان بر عهده دارند و وظایف خود را به بهترین شکل انجام میدهند. هدایت اشخاص، یاری مؤمنان بر مخالفان، حل مسائل مشکل علمی، موعظه افراد و تعلیم معارف، رفع گرفتاریها و دفع انواع عذاب و یاری دادن به علما در استنباط احکام دین و...، از جمله اقدامات حضرت است.

فرمایش حضرت به شیخ مفید که فرمود: «شیخ، تو فتوا بده، ما اصلاح میکنیم»، (۳) یا سخنان دیگر که در بخش توقیعات بیان شده است، بر آگاهی حضرت و مراقبت ایشان بر احوال امت دلالت دارد.

حال، آگاهی مردم بر چنین مواردی و ایمان آنان به امام غائب؛ اما زنده و دارای حضور مفید و مؤثر، منشأ حیات و نشاط مذهب است؛ چنانکه هانری کربن به علامه طباطبایی گفته است: مذهب شیعه باقی است، به دلیل اینکه اعتقاداتش بر اساس رجوع به امام زنده شکل میگیرد و همه شیعیان حقیقی، به این رهبر و پیشوای کامل اقتدا و از سیرت او پیروی میکنند. (۴) این احساس حضور امام و نظارت ایشان، افزون بر آثاری؛ همچون اطمینان به حضور یک مربی و یقین به تربیت و هدایت او، شور و نشاط و دلگرمی به داشتن پناهگاه و یاریگر و...، حس مراقبت افراد بر رفتار و گفتار و کردارشان را به دلیل نظارت حضرت تقویت میکند.

۱- فی رحاب الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۱۸۲.
۲- کلمه الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۱۸۸.
۳- همان، ص ۵۷۵.
۴- فی رحاب الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۱۸۳.

به فرموده حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف: «ما تربیتیافته های پروردگارمان هستیم و مخلوقات دیگر از ما و تحت تربیت ما هستند». (۱)

احساس وجود و حضور حضـرت کمـک میکنـد که انسـان با بهرهگیری از هـدایت و تربیت این امام و نظارت کامل بر اعمال خود، از متربیان خوب آن مربی باشد.

گفتار سوم: آثار تربیتی جایگزینی فقها، علما و نواب عام

بر اسـاس روایات، مقام نیابت عامه به حکم خود ائمه علیهم السـلام، به ویژه امام مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف، به فقیه واجـد شـرایط تفویض شـده است. دو سـند مرتبط با این بحث، مقبوله عمربنحنظله (۲) و نیز توقیع حضـرت در پاسـخ به سؤال اسحاقبنیعقوب است که در مورد شیوه رجوع مردم در حوادث در ایام غیبت کبری صادر شده است؛ حضرت فرموده است:

اما آنچه سؤال کردی، خداونـد تو را هـدایت کنـد و ثابتقـدم دارد؛ اما در حوادثی که پیش میآیـد، به راویان حـدیث ما (فقها) مراجعه کنید؛ زیرا آنان حجت و نمایندگان من هستند بر شما و من، حجت خدا بر شما هستم. (۳)

از این توقیع، به خوبی معلوم میشود که فقهای عادل، نماینده و نواب عام حضـرت هسـتند و خود ایشان، مردم را به آنان ارجاع دادهانـد. بنابراین فقیهی که نگهدارنـده نفس خود، محافظ دین و مطیع امر مولاست، بر عوام واجب است که از او تقلید کنند. این مطلب گواه آن است که مسلمانان در ایام غیبت، بدون پناهگاه رها نشدهاند. (۴)

در روایتی دیگر، نواب عام و فقیهان واجـد شـرایط، سـرپرست یتیمانی معرفی شدهانـد که آن یتیمان، افراد دورمانـده از امام و مولای خویش هسـتند. (۵) در مثـالی دیگر، امـام رضـا علیه السلامعلیبنمسـیّب را برای آمـوزش علوم دینی، به زکریابنآدم قمی ارجاع دادند و

۱- الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۶۷؛ الطوسی، الغیبه، ص ۲۸۵؛ بحارالأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۸.

۲- الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۵۶.

۳- همان، ص ۴۶۹.

۴- السید صدرالدین الصدر، المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۲۴۴.

۵- تفسیر الامام العسکری علیه السلام، ص ۳۴۴، ح ۲۲۴؛ الاحتجاج، ج ۱، ص ۱۷.

فرمودند: «علوم دینت را از او بیاموز». (۱)

بـدین ترتیب، مهمترین وظـایف فقها و نواب عام در هـدایت و تربیت امت، عبارتنـد از: الگوگیری از آرمانها و سـیره حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف، (۲) حراست از معارف حقیقی اسـلامی (۳) و نیابت. (۴) اکنون با روشن شـدن جایگاه خاصِ نواب عام و توان آنان در تأثیرگذاری، آثار تربیتی این راهکار مهم را توضیح میدهیم.

اثر غیبت بر تربیتِ خودِ علمـا: دوران غیبت و مسـئله انتظـار مهـدی موعود عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف، زمینه تربیت علمای دینی را در بخشـهای مختلف فراهم کرد و علما را برای ایفای نقشـها و مسـئولیتهایی که در فقـدان معصوم بر عهده داشـتند، به تلاش مسـتمر و سازمانیافته واداشت. از همین رو، علما نقش مشخص و جدیتری در جامعه عهدهدار شدند و سازمان روحانیت و علما، جایگزین نهاد وکالت گردید و حوزه های علمیه در این راستا شکل گرفتند.

فقهـا و علمـای اسـلام، شـاخصترین قشـری بودنـد که در هـدایت و ارشاد و تعلیم و تربیت مردم و دفاع از عقایـد اسـلام، همت گماردند و در هر عصـری، با اسـتفاده از جایگاه وعظ و خطابه، نوشـتن کتاب، برگزاری کلاسـها و حوزه های علمی و درسی، بحث و مناظره با مخالفان و ملحدان و... ایفای نقش کردند. (۵)

رشد و ترقی حاصلشده در زمینه های مختلف کلامی و نوشتاری، از آثار دوران غیبت و ایام انتظار است.

اقـدام علما به هدایت مردم برای عمل به سـیره و سـنت، و تربیت آنان بر این محور: علما و نواب عام، ضـمن رشد و بالندگی و تربیت خود در مسائـل گونـاگون علمی و عملی، بر اسـاس وظـایف خویش که در مبـاحث قبـل اشـاره کردیم، با الگوگیری از آرمانهای مهدی

۱- بحارالأنوار، ج۲، ص۲۵۱، ح ۶۸.

۲- نقش اجتماعی انتظار، ص ۹۰.

۳- الکافی، ج۱، ص۳۴، ح۱؛ نقش اجتماعی انتظار، ص ۹۲.

۴- نقش اجتماعی انتظار، ص ۹۵.

۵- همان، ص ۸۷ و ۸۸.

موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و سیره آن حضرت، به منظور حراست از معارف اسلامی و روح عدالتخواهی و ستمستیزی، سرپرستی امت اسلامی را بر عهده گرفتند و مردم را بر اساس سیره و سنت چهارده معصوم علیهم السلام و احکام الهی هدایت کردند. همچنین به تربیت عقلی و ایمانی آنان، از طریق تقویت معرفت و بصیرت دینی و نشان دادن محاسن معارف اسلامی و... اقدام نمودند.

همچنانکه مردم در زمان غیبت، معتقدند تنها مرجعی که میتوانند دین را از آنان فراگیرند، علمای دینی هستند؛ امید است علمای این عصر نیز، همچون علمای عصرهای گذشته، بتوانند در غیاب معصوم، پاسخگوی نیازهای مردم باشند.

گفتار چهارم: آثار تربیتی ملاقات با برخی علما

از دیگر راهکارهای حضرت، بحث ملاقات است. با توجه به موارد مطرح شده در قسمت ملاقاتها در عصر غیبت صغری و بنا بر پذیرش اصل ملاقات، حضرت در مواقع و شرایط خاصی با برقراری ارتباط با برخی علمای واجد شرایط و رفع مشکلات علمی و مالی آنان یا آگاه ساختن آنان بر اموری و یا ارتباط با برخی عوام پاکسرشت و راهنمایی و کمک به آنان در مسائل مختلف، راه ارتباطی دیگری را برای هدایت و تربیت افراد برگزیدهاند. آثار تربیتی این راهکار حضرت در زمان غیبت کبری، عبارتاند از:

ایجاد انگیزه و مواظبت عملی برای کسب این توفیق: با نگاهی گذرا به شرح حال کسانی که در طول غیبت کبری حضرت را زیارت کردهاند، روشن میشود که توجه قلبی، مواظبت عملی، رعایت تقوا و استمرار عبادت و بندگی خدا و اطاعت از اولیایش، زمینه های ایجاد این توفیق الهی بوده است. علم و معرفت به این مسئله و چگونگی حاصل شدن توفیق زیارت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و آگاهی بر ملاقاتهای حضرت با افرادی؛ همچون سیدبنطاووس، علامه سید بحرالعلوم، شیخ محمدعلی فشندی، سید علیاکبر آقای قاضی، سید عبدالکریم کفاش، ملاعلی نوریهمدانی و...، موجب ایجاد انگیزه و الگوگیری در افراد دیگر میشود؛ همچنانکه در بررسی موارد مطرح شده در کتب مربوطه و نقل ماجراها،

شاهد تلاش و تکاپو و مواظبت عملی شاگردان آنان برای کسب این توفیق الهی بودهایم. (۱)

ذکر این مطلب در اینجا لازم به نظر میرسد که «شاید بالاترین آرزوی هر شیعه پاک و خالص، زیارت حضرت باشد؛ لکن باید توجه داشت که مهمتر از زیارت حضرت، راضی بودن مولای عالم از ماست و بالاترین مقام، رضایت خدا و رضایت مولای زمان است». (۲)

در بحث ملاقات و زیارت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، اصل مهم، احساس حضور و نظارت ایشان و ملاقات دائمی حضرت، در قلب و روح انسان است. زمانی که هر لحظه و در هر مکان، حضور معنوی حضرت را درک، و در جهت اطاعت از او تلاش کنیم، در راستای تربیت مهدوی گام برداشتهایم.

برکات دیدار با حضرت: دیدار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خود، جزئی از فرج است؛ فرجی که انسان را از رذایل اخلاقی و صفات ناپسندی که قرآن و اهل بیت علیهم السلام نهی فرمودهاند، دور میدارد؛ فرجی که منتسب به حضرت است و از طریق شناخت امام، مقام نورانیت و ولایت الهی حاصل میشود و به همراه آن، کمالات معنوی فراوانی پدیدار میگردد؛ فرجی که موجب توفیق درک محضر امام میشود و پیمودن راه کمالات معنوی نیز آسان میگردد؛ (۳) به فرموده پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «خوشا به حال کسی که امام زمان را ملاقات کند». (۴)

گفتار پنجم: مروری بر شواهد تاریخی آثار تربیتی عقیده به مهدویت

اشاره

در مبحث شواهد تاریخی عقیده به مهدویت در دوران غیبت کبری، با توجه به طولانی بودن این دوران، سعی میشود شواهد تاریخی با سیر منطقی زمانی مطرح گردد؛ هر چند برخی شواهد به طور مشترک در طول غیبت کبری رواج داشته است. در ضمن با توجه به مباحثی که در مبحث تاریخی عصر قبل از غیبت و عصر غیبت صغری مطرح کردیم و مبنا را در شواهد تاریخی، انتظار توأم با صبر و امید به بهبودی شرایط، جنبشهای مردمی

۱- مرتضی آقاتهرانی، «اهل بیت، مشتاق دیدار مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف»، مجله موعود، ش ۶۷، سال دهم، ۱۳۸۵، ص ۲۰.

۲- سید عبدالله فاطمی نیا، فرهنگ انتظار، ص ۳۲-۲۸.

۳- «اهل بیت، مشتاق دیدار مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف»، مجله موعود، ش۶۷، ص۲۲.

۴- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۶۸.

و مدعیان مهدویت قرار دادیم، در عصر غیبت کبری نیز با همین مبنا، ولی متناسب با شرایط و احوالات این عصر و بیان نکات دیگر، بحث خود را دنبال میکنیم.

الف) انتظار همراه با صبر و امید

در طول هزاره اول اسلامی در ایران، از دوران حکومت خلفا، امویان و عباسیان تا زمان مغولان و تیموریان و... و پیش از سلسله صفوی، مذهب رایج، مذهب اهل سنت بوده است. برنامه مذهب شیعه در مقابل ظلم و ستم و بیعدالتی حکام، انتظار و امید به زندگی در بازگشت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بوده است. (۱) عدهای این انتظار را همراه با صبر و قرار دادن نمادی برای انتظار خود، دنبال میکردند که برخی از مصادیق آن عبارتند از:

۱. پس از حملات ویران گر و وحشیانه مغول به ایران و حاکمیت آنان بر جان و مال و ناموس مردم، شیعیان نشانه های ظهور را نزدیک میدیدند. یاقوت حموی، مورخ معروف قرن هفتم، مینویسد: «در سالهای نخست حمله مغول، در شهر کاشان که کانون تشیع بود، مردم شهر هر روز هنگام سپیدهدم، از دروازه شهر خارج میشدند و اسب زین کردهای را با خود میبردند تا حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، در صورت ظهور بر آن سوار شوند». (۲)

۲. همچنین در زمان فرمانروایی سربداران، یکی از فرمانروایان سربدار، مسئله مهدویت و انتظار ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را احیا کرد؛ تا آنجا که دستور داد نظیر همین عمل در شهر سبزوار که یکی از مراکز تشیع بود، صورت گیرد و هر صبحگاه و شامگاه، اسب زینکردهای را در ابتدای شهر آماده نگه دارند تا اگر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور کردند، بیمرکب نباشند. (۳) به بیان «میرخواند» در روضه الصفا: «هر بامداد و شب، به انتظار صاحب الزمان، اسب

۱- «امام عصر و جنبش های مردمی»، تبیان، ۱۹/۷/۱۳۸۲، www.tebyan.net.

۲- «مدعیان دروغین در نهضت های سیاسی - اجتماعی»، مجله موعود، ش۲۲، ص ۸۰ (رجوع شد به: ای. پ پطروشفسکی، نهضت سربداران خراسان، ص ۱۵ و ۱۶).

۳- هادی مشگان، «تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی عصر سربداران»، پایگاه تخصصی مقالات مجمع جهانی شیعه شناسی، ۱۳۹۲، www.shiastudies.net؛ «مدعیان دروغین در نهضت های سیاسی - اجتماعی»، مجله موعود، ش ۲۲، ص ۸۱.

کشیدندی». (۱)

درست بودن یا درست نبودن این عمل، محل بحث ما نیست؛ مهم این است که این اسب نزد مردم کاشان و سبزوار، یک نماد انتظار بوده است که مردم با انجام دادن این عمل و در هر روز هنگام سپیدهدم، یا هر صبحگاه و شامگاه، انتظار موعودشان را به یاد میآوردند و با توجه به کوچک بودن شهرها در آن زمان، در هنگام عبور هر عابری از دروازه شهر، با دیدن این صحنه، یاد حضرت و انتظار ایشان تداعی میشده است. طبق نظر صاحبنظران، این حرکت نمادینی است تا به مردم بفهمانند صبح و شام به فکر امام زمان خود باشند و این آمادگی را داشته باشند که در پای رکاب او گام بردارند. (۲)

۳. صدقه دادن به نیت سلامتی حضرت که از اقدامات مهم نزد شیعیان بوده و در سفارش سیدبنطاووس به فرزندش آمده است: «حوائج حضرت را مقدم بر حوائج خودت، و صدقه دادن از سوی آن حضرت را مقدم بر صدقه دادن از طرف خودت قرار بده». (۳)

۴. هدیه دادن اعمال به حضرت؛ مرحوم نوری طبرسی در نجم الثاقب آورده است: «حج کردن به نیابت از آن حضرت، از قدیم میان شیعیان مرسوم بوده است». (۴)

۵. بزرگداشت حضرت و برگزاری مجالس ادعیه و خواندن دعای توسل، ندبه، دعای عهد، دعای فرج و... از نشانه های انتظار همراه با صبر و امید است؛ چرا که در دعای ندبه با بیانهای مختلف، انتظار آمدن حضرت، محبت به او، امید به درک حضور او و صبر و... را هر جمعه ندبه میکنند. (۵)

همچنین شیعه به خواندن دعای عهد توصیه شده است تا هر روز جمعه با مهدی آلمحمد صلی الله علیه و آله و سلم بیعت کند: «خدایا! من در بامداد امروز و نیز تا زمانی که زندگی کنم، با او

۱- محمدبن خاوند (میرخواند)، روضه الصفا فی سیره الانبیاء والملوک و الخلفاء، ج۵، ص۶۲۴.

۲- «تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی عصر سربداران»، همان.

۳- مکیال المکارم، ج۲، ص۳۰۱؛ حسن عبدی پور، «تأثیرهای اجتماعی اعتقاد به مهدویت از دیدگاه جامعه شناسی»، فصلنامه انتظار موعود، ش۵، سال دوم، ۱۳۸۱، ص۲۳۵.

۴- حسین نوری طبرسی، نجم الثاقب، ص ۷۷۴.

۵- مفاتیح الجنان، دعای ندبه.

تجدید پیمان میکنم و بیعت او را بر گردن میگیرم که هرگز از او روی برنگردانم و هرگز از بیعت او دست برندارم. خدایا! مرا از یاران، کمککاران، مداهنین، شتابندگان به سوی او برای برآوردن خواسته هایش و از فرمانبرداران دستورهای او و حامیانش و از پیشیگیرندگان در دوستی او و از شهیدان رکابش قرار بده». (۱)

این ادعیه، میراثی است که علمای ما در عصر غیبت کبری به آن مقید بودهاند که در مجموعه مفاتیح الجنان شیخ عباس قمی نیز گردآوری شده است و تکرار و مداومت بر آن (دعای فرج و دعای عهد)، و تکرار هفتگی آن (دعای ندبه، توسل) موجب یادآوری رکن انتظار و شاخصهای امید، تلاش برای آمادگی و اصلاح نفس و... و رسوخ اعتقاد به مهدویت در دل و جان و روح میشود.

۶. توجه به اماکن خاص منتسب به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از جمله مسجد جمکران که درباره آن سندی از دوره صفوی موجود است. این سند، دستخطی از پسر فیض کاشانی، علم الهدی، (متوفای ۱۰۹۱ه- .ق) است که به همراه پدر به زیارت جمکران رفته است و از قول پدرش بیان کرده که شیخ بهایی و علامه محمدتقی مجلسی هم به زیارت جمکران میآمدهاند. (۲)

در زمان ما نیز شاهد سیل گسترده مردم در شبهای چهارشنبه در مسجد جمکران هستیم. این حضور و حرکت مردم مشتاق پیاده و سواره، و حضور مستمر و هفتگی آنان در این مکان که منتسب به حضرتش است، سنبل و نمادی از انتظار در این روزگار به شمار میرود. پناه بردن به این مکان و ندبه ها و ناله های مردم در هر هفته، نشانی آشناست برای آنان که خود نیز، سنبل و نماد صبر و انتظارشان را حضور در این مکان قرار دادهاند تا به این وسیله، قلب و روحشان آرام گیرد و با کسب انرژی و امیدی دوباره، در روزگار غیبت، ایام انتظار را بگذرانند.

۷. گرامیداشت مقام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و بزرگداشت میلاد ایشان، هدیه دادن اعمال

۱- همان، دعای عهد با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف.

۲- رسول جعفریان، «سندی درباره مسجد جمکران در دوره صفوی»، پایگاه تخصصی مقالات مجمع جهانی شیعه شناسی، ۲۴/۲/۱۳۹۲، www.shiastudies.net.

به پیشگاه حضرت، یاد کردن حضرت در مراسم حج و به جا آوردن حج به نیابت از ایشان، توجه به موضوع نظارت دائمی حضرت بر اعمال شیعیان و رسیدن کارنامه اعمال آنها به دست ایشان در روزهای دوشنبه و پنجشنبه و شبهای قدر و...، میراث مشترک علما و معتقدان به امید و صبر در ایام انتظار است که به دست ما رسیده است و در روزگار ما هر چه میگذرد، بر گستردگی مجالس و اشتیاق مردم به دعای ندبه و زیارت جمکران افزوده میشود. این امر، از اضطرار مردم، تشنگی و ولع آنان و احساس نیاز شدیدشان به ظهور منجی رهاییبخش، و افزایش محبت و معرفت به امام زمانشان حکایت دارد.

این آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت، در قالب نمادهای صبر و انتظار، شور و شوق برای آمدن حضرت، ابراز محبت و دلتنگی برای حضرت، به یاد او و برای سلامتی ایشان صدقه دادن و... بروز مییابد.

ب) نقش انتظار و امید، در شکلگیری جنبشهای مردمی

اعتقاد به بازگشت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، آن که عدالت را در جهان میگسترد و صلح و آرامش را به ارمغان میآورد، شیعه را وامیداشت که باور داشته باشد جهان در غیبت حضرت، ناقص است و انسان که همواره در جستوجوی کمال است، به کمال انسان و جامعه نخواهد رسید، مگر با ظهور قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف. (۱)

از این رو، شیعه با این اهداف و انگیزه که برخاسته از اعتقاد به مهدویت بود، در جهت رفع ظلم و ایجاد تحول و استقرار عدالت، با روحیه ایثار و جهاد میکوشید؛ چنین انگیزهای در تشکیل دولت سربداران (۲) و صفویان (۳) مشاهده میشود.

۱- «امام عصر و جنبش های مردمی»، دین و اندیشه، تبیان، ۱۹/۷/۱۳۸۲.

۲- «تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی عصر سربداران»، پایگاه تخصصی مقالات مجمع جهانی شیعه شناسی، ۱۳۹۲، www.shiastudies.net؛ «اعتقاد به مهدویت در تعابیر و ادبیات جنبش سربداران»، سایت کنگره بین المللی سربداران، ۱۶/۹/۱۳۹۳، www.sarbedaran.hsu.ac.ir؛ «ویژگی های نهضت شیعی سربداران»، سایت نهضت سربداران سبزوار، ۱۳/۴/۱۳۹۲، www.sarbedaranesabzevar.blogfa.com.

۳- الرازی، تجارب الامم، ترجمه: علی نقی منزوی، ج۵، ص ۲۳۴ و ج۶، ص۲۲۹؛ چهارده قرن تلاش شیعه برای ماندن و توسعه، ص ۱۶۷ و ۱۶۸.

با توجه به تأثیرات قیام سربداران خراسان بر مناطق دیگر که در تاریخ نقل شده، می توان احتمال داد مهدیگرایی و اعتقاد به مهدویت که از مباحث مورد توجه سربداران بوده است، در مناطق دیگر نیز بروز و ظهور یافته باشد.

در تاریخ، قیام سربداران کرمان و سمرقند طبرستان، تحت تأثیر سربداران خراسان و قیام مرعشیان مازندران، تحت تأثیر قیام سمرقند ذکر شده است؛ ضمن آنکه مرعشیان مازندران، در حکومت آلکیا در گیلان و دولت صفویان تأثیرگذار بودهاند. (۱)

آنچه ذکر شد، رسوخ اعتقاد به مهدویت و انتظار را در روح و قلب و اعمال مردم نشان میدهد که شاخصه هایی؛ چون ایستادگی در برابر ظلم و ظلمستیزی، تحولخواهی و تلاش برای اصلاح را جلوهگر میسازد؛ اما نقش انتظار و امید، در شکلگیری حرکتهای رهاییبخش در ایران و جهان اسلام که مربوط به دوره معاصر است، از این قرار است:

انقلاب اسلامی ایران و اعتقاد به مهدویت: یک عامل فکری و ایدئولوژیکی مهم در شکلگیری انقلاب ایران که از نگاه تیزبین نظریهپردازان و نویسندگان داخلی و خارجی پنهان نماند، مسئله غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و انتظار ظهور منجی عالم بشری است. به نظر آنان، این باور و اعتقاد، زمینهساز تغییر نگرش و رفتارهای مردم ایران، تقویت بنیانهای فکری و فرهنگی جامعه، گسترش روزافزون اندیشه های اصلاحطلبانه، تلاش و کوشش برای تغییر و تحول، نپذیرفتن حاکمیتهای سیاسی فاسد، داشتن امید و آرزوی پیروزی و در نهایت، قیام علیه بیعدالتیها و زمینهسازی برای انقلاب جهانی مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف بوده است.

نقش و تأثیر انتظار در شکلگیری مبانی فکری و ایدئولوژیکی انقلاب، انکارناپذیر است. با توجه به مؤلفه های ظلمستیزی انتظار، مشروعیت نداشتن حاکمان سیاسی، نصب عام فقیهان به نیابت از امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، امید به اصلاح و تعالی جامعه و نابودی مظاهر ظلم و فساد،

۱- «تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی عصر سربداران»، پایگاه تخصصی مقالات مجمع جهانی شیعه شناسی،۱۳۹۲، www.shiastudies.net.

غصب حق حاکمیت ائمه علیهم السلام، محدودیت جامعه از فیض حضور امام، زمینهسازی برای تعجیل فرج و...، میتوان گفت که مسئله انتظار، به طور مستقیم و گاه غیرمستقیم، محور فکری و رهبری انقلاب اسلامی بوده و نقش عمدهای در شروع و پیروزی آن داشته است.

بعد از مشروطیت در ایران، روشن شد که بیتفاوتی و گوشهنشینی با فلسفه اصل غیبت ناسازگار است. خاستگاه انقلاب و قدرت مذهبی، عمدتاً انتظار ظهور امام غائب و آمادگی شیعیان برای ایثار، جهاد، مبارزه و اصلاحگری و قیام در زمان غیبت بوده است.

خانم تدا اسکاچپل در مقاله خود، نقش امام خمینی; را اینچنین توصیف میکند:

نقش امام خمینی، به عنوان یک کانون مرکزی برای رهبری انقلابی، پروژهای از انتظار مداوم مردمی برای ظهور دوباره امام دوازدهم را در خود داشت؛ امامی که مدتها قبل، از انظار پنهان گشته بود، تا در زمانی که یک اسلام کامل به عنوان مقطع نهایی سیر تاریخ پدید آید، بار دیگر به جهان مرئی بازگردد. (۱)

امام خمینی; با تلفیق چند مقوله مهم، به ویژه با تأکید بر وظیفه شیعیان در عصر غیبت؛ مثل ایستادگی در برابر ظلم، تلاش برای اصلاح و از بین بردن آن، تقویت روحیه تعهد، ایثارگری و اتحاد، پیامآور امید و انتظار ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف بود. ایشان مردم را به پایان دادن به ظلم و ستم پهلوی ترغیب نمود و با تکیه بر آموزه های اسلامی و مهدوی، در جایگاه مرجعیت و نائب امام در ایام غیبت، مردم را رهبری کرد و با اتحاد و همدلی آنان علیه ظالمان وقت به پا خاست و انقلاب اسلامی ایران را در راستای انقلاب مهدی موعود و با امید به ظهور و تحقق حکومت عدل جهانی او به وجود آورد.

دفاع مقدس و اعتقاد به مهدویت: حاکمان ظالم و دینستیز، همواره شیعیان را آزار دادهاند و به حیات دینی و معنوی آنان تعرض کردهاند؛ از جمله پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، بیگانگان و دینستیزان که انقلاب ایران را مخالف اهداف و بیعدالتیهای خود می دیدند، با تحریک و تهدید و فشارهای همهجانبه، کوشیدند این انقلابیون منتظر را از بین ببرند. یکی از راهبردهای آنها برای رسیدن به هدفشان، تحمیل جنگی بیرحمانه علیه ایران بود.

۱- «انقلاب اسلامی و فرهنگ انتظار»، فصلنامه انتظار، ش۲، ص۵۲.

مردم ایران که در سیر تاریخی و عقیدتی خود و به ویژه پس از انقلاب اسلامی، با فرهنگ مهدوی، زندگی و رشد میکردند و اندیشه و تفکرات خود را رشد میدادند، با الهام از فرهنگ زنده مهدویت که آثار تربیتی آن، همچون ایستادگی در برابر ظلم ظالمان، تلاش برای اصلاح گری، تعهد و ایثارگری در برابر دشمنان دین، و شهادتطلبی در راه اعتلای اسلام و فرهنگ مهدوی، در بین آنان جلوهگر بود، به دفاع از کشور اسلامی خود پرداختند.

آنان با ویژگی اعتقاد به دین و عنصر مهم اعتقاد به مهدویت، انتظار و آمادگی مداوم و آگاهانه برای ظهور امام غائبی که به منظور نابودی ظلم و بیدینی و تباهی از جهان قیام و ظهور میکند، برای زمینهسازی قیام او و اعلام آمادگی برای حضور در رکاب او، علیه دشمنان دین شوریدند.

مقاومت حزبالله و اعتقاد به مهدویت: جنبش انقلابی حزبالله، از مشهورترین و مهمترین گروه های اسلامگراست که از بدو تا به حال توفیقات زیادی کسب کرده است.

اعتقاد به مهدویت، اساس و منشأ جنبشها و حرکتهای آزادیبخش و تحولآفرین جوامع شیعی بوده است. جنبش شیعی لبنان هم از این قاعده مستثنا نیست و نشانه های فراوانی از باورداشت مهدویت در شکلگیری و پیروزی این نهضت وجود دارد:

* روحیه عدالتگرایی و ظلمستیزی که در کلام و رفتار آنان کاملاً مشهود است.

* امیدبخشی درباره آینده که الهام از این آموزه مهدوی، روح امید را در میان حزبالله، و ایمان به مبارزه با ظلم را در آنان قویتر میکند:

– سخنان دبیر کل حزبالله، سید حسن نصرالله در مورد دولت عدل و ظهور، معرفی انقلاب ایران به عنوان مقدمه ظهور و تشکیل وطن بزرگ اسلامی در کره زمین با ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، موجب امیدواری در میان مردم است.

– بر پرچم حزبالله، آیه فَإِنَّ حِزْبَ اللهِ هُمُ الغَالِبُونَ نقش بسته که به طور مشخص، امید و باور آنها را به مهدویت اثبات میکند. آنها به پیروزی خویش ایمان دارند و تنها خاستگاه این عقیده، باور آنها به مهدویت و امید به آیندهای روشن است.

– حزبالله در گفتمان خویش با تأسی به آیه وَنُرِیدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَی الَّذِینَ اسْتُضْعِفُوا فِی

الأَرْضِ... و اعتقاد به آینده روشن، حرکت میکند.

* تأکید بر اندیشه حکومت جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف؛ در فرهنگ گفتمان حزبالله، به این موضوع توجه ویژه شده است. آنان تنها در پی آزادی لبنان از تجاوز دشمنان نیستند؛ بلکه در اندیشه پیروز ساختن اسلام بر کفر و فراهم ساختن پایه های حکومت جهانی موعود هستند:

- حسین موسوی (ابوهاشم)، از رهبران تشکیلات حزبالله لبنان، میگوید: ما تلاش داریم که در سرتاسر جهان از مسلمانان دفاع کنیم.

- شیخ صبحی طفیلی، اولین دبیر کل حزبالله، در نامه سرگشاده به حزبالله لبنان که با نگاهی دوراندیشانه و عمیق، برگرفته از آموزه های مهدوی است، میگوید: ما فرزندان حزبالله، خود را بخشی از امت اسلامی در جهان میدانیم... ما یک سازمان حزبی بسته یا تشکیلات تنگ سیاسی در لبنان نیستیم. ما خود را امتی میدانیم که با مسلمانان سراسر جهان، ارتباط عقیدتی استوار در چهارچوب اسلام دارد. ما ضرورت تشکیل جبهه جهانی مستضعفان، متشکل از تمامی جنبشهای رهاییبخش با هدف هماهنگی بیشتر برای آغاز یک حرکت فعال و متمرکز بر ضدّ دشمنان را یادآور میشویم.

* پیوند با ولایت در عصر غیبت و رسالت، حفظ مکتب و ساماندهی آن به همت علما و فضلا، از برکات عقیده به مهدویت است. اعتقاد به ولایت و التزام قلبی و عملی به آن، از مقدمات فکری و عملی حزبالله است:

- در کتابچهای که حزبالله در خصوص تاریخچه خود منتشر کرده، آمده است: ولایت، در ولیفقیه جامعالشرایطی است که عدالت، اعلمیت، کفایت، آگاهی به مسائل روز، مدیریت، تقوا و دیگر صفات لازم در او تجلی یافته است.

- در نامه سرگشاده حزبالله آمده است: تعهد خود را به دستورات رهبری یگانه، حکیمانه، عادلانه، ولیفقیه جامعالشرایطی که در حال حاضر در امام خمینی تجسم یافته، اعلام میداریم.

- اظهارات سید حسن نصرالله و سید ابراهیم الامین، از رهبران تشکیلات حزبالله نیز در این زمینه مهم است.

سیـد حسن نصـرالله در سـالروز میلاد حضـرت مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف پس از تبریک به مردم لبنان، بیان میکنـد: همچنین تبریـک میگـویم به برپادارنـده پرچم و فرمانـده دولتش و زمینهسـاز بزرگ حکـومتش در زمین؛ کسـی که بـا اراده و پرصلابت و ایمان مهدیگونهاش، همه طاغوتهای جهان را به مبارزه میطلبد و در برابر همه طوفانها با عزمی راسخ میایستد؛ یعنی آیتالله خامنهای.

روشن شـد که مهـدویت - به منزله باور مذهبی - و آموزه ها و آثار آن در عرصه های فردی و اجتماعی، در میان حزبالله لبنان جلوهگر، و عامـل موفقیت آنـان است. تأکیـد بر ظلمستیزی و عـدالت، امیـد به آینـده، تحقق حکومت واحـد جهـانی، پیونـد با ولایت و اطاعتپذیری از باورداشت مهدویت است که روح حزبالله را زنده نگاه داشته است. (۱)

ج) شواهد تاریخی تأثیر نواب عام و مرجعیت، در تربیت مهدوی

تأثیر مرجعیت نواب عام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف در تحولات اجتماعی، و بهرهگیری آنها از آثار مهـدویت در میـان مردم برای ایجـاد تحول، دارای اهمیت است. نیـابت فقهـا و علمـای واجـد شـرایط در دوران غیبت از جانب امام، یکی از توصیه ها و راهکارهای مهدوی است که در کلام شیخ مفید، اینچنین بیان شده است:

وجود امـام برای حل منازعات، بیان احکام شـرعی و مصالـح دنیوی، همواره لازم است... و اگر امام به لحاظ تقیه و اضـطرار... غیبت نماید... در حوادث واقعه مورد ابتلا، به فقهای شیعه مراجعه کرده و از طریق آنان به احکام شریعت که نزد آنان به امانت واگذار شده، آگاه شوند. (۲)

از نکـات در خور تأمـل در اقـدامات دولت صـفوی، به ویژه شـاه طهماسب، توجه به جایگاه ولایت فقها و نائبان عام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است؛ بهطوری که شاه طهماسب از محقق ثانی

۱- حبیب زمانی محجوب، «باورداشت مهدویت و آثار آن، در پیروزی مقاومت حزب الله لبنان»، مجموعه آثار سومین همایش بیـن المللی دکـترین مهـدویت (جلـد چهـارم)، پایگـاه اطلاـع رسـانی مؤســسه آینـده روشـن (پژوهشـکده مهـدویت)، ۱۳۹۳، www.brightfuture.ir.

۲- شیخ مفید، الرساله الاولی فی الغیبه، ج ۹، ص۲۸؛ داود فیرحی، قدرت، دانش و مشروعیت در اسلام، ص۲۸۴.

(از مراجع بزرگ شیعی) دعوت کرد تا به ایران بیاید و خطاب به ایشان گفت:

تو به پادشاهی سزاوارتری؛ چون تو نائب امام زمانی، من فقط کارگزار تو هستم و به اوامر و نواهی تو قیام میکنم. (۱)

بیان شد که از جمله راهکارهای تربیتی حضرت در زمان غیبت کبری، جایگزینی علما و فقها و نواب عام بود که شاه طهماسب در برابر آن سر خضوع و تسلیم فرود آورد. میتوان ادعا کرد مهمترین اندیشهای که در میان مردم دوره صفوی رواج یافت، اعتقاد به ولایت فقها بود. شاردن و کمپفر گزارش میدهند که یکی از گفتمانهای مطرح صفویان درباره حکومتِ زمان غیبت، نواب عام و مجتهد عادل بوده است. (۲) طرح این مطالب در آن دوران، از اعتقاد قوی به مهدویت و دغدغه مردم در زمان غیبت برای حفظ دین و دریافت احکام صحیح دین از جانشینان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران غیبت حکایت دارد.

این اعتقاد، در دوره معاصر نیز موجب شده است که مردم در زمان تردید در مصالح و احکام، و هنگام ناامیدی و فشار و اختناق حاصل از ظلم و ستم حاکمان جور، به مرجعیت و نواب عام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف خود رجوع کنند و از آنان برای حل مشکلات و مسائل خود یاری بخواهند. در این باره میتوان به نمونه های تاریخی ذیل اشاره کرد:

۱. پس از شکستن مواد عهدنامه گلستان از طرف روسها در سال ۱۲۴۰ ق و تجاوز آن ها به ایران و انجام اقداماتی چون تجاوز به زنان مسلمان، گرفتن اموال مردم، آزار و اذیت رعایا و غارت دسترنج آنها و...، مردم تحت ستم که از حکومت وقت ناامید شده بودند، دست به دامان علمای نجف شدند و به علمای عظام آقا سید محمد اصفهانی و... از رفتار خشن روسها با مسلمانان شکوه، و درخواست کمک کردند. (۳)

مردم در اوج ناامیدی، در زیر بار ظلم و ستم، پناهگاه خود را نواب عام امام زمانشان میدانستند و به آنان پناه بردند. این امر نشاندهنده تأثیر راهکار تربیتی حضرت و هدف ایشان از این راهکار است که جزئی از اعتقاد ما به مهدویت به شمار میرود و آثار آن در

۱- محمدباقر خوانساری، روضات الجنات، ج۴، ص ۳۶۱.

۲- چهارده قرن تلاش شیعه برای ماندن و توسعه، ص.۱۸۶

۳- همان، ص ۲۱۳ و .۲۱۴

این شواهد تاریخی، بروز و ظهور مییابد.

۲. ایـن نمـونه نیز مشـابه نمـونه قبلی، پس از شـکست ایران از روس و قرارداد ترکمانچـای و ورود الکسانـدر سـر گیویچ گریبایـدوف به ایران رخ داد که مؤلف ناسـخ التواریـخ، او را متکـبر و دارای غلظت و خشونت معرفی میکنـد. در پی فشارهـا، تحقیرهـا و خشونتهای گریبایـدوف در رفتار با مردم و اقـدام آخر او، مبنی بر درخواست دو زن شوهردار و بچهـدار از آصـف الدوله و تسـلیم شدن وی، مردم به تنگ آمدند و ناامید از دولت، از دولتسـرای مجتهد زمان، حاجی میرزا مسـیح، طلب کمک کردند. (۱)

۳. در پی ماجراهای زمان ناصرالدین شاه، پیش از فتوای میرزای شیرازی مبنی بر تحریم تنباکو، مردم باز بر اثر فشار و اختناق و ناامیدی، به مجتهدان رجوع کردند که در پی آن، فرمان میرزای شـیرازی، مجتهد وقت، در جهت تحریم توتون و تنباکو رسـید و به مسلمانان پژمرده، طراوت و تازگی بخشید:

«بسم الله الرحمن الرحیم. از امروز اسـتعمال توتون و تنبـاکو بر هر نحوی، در حکم محـاربه بـا امـام زمـان عجـل الله تعالی فرجه الشریف است» (۲).

دکتر فووریه، پزشک مخصوص ناصرالدین شاه، بازتابهای این فتوا را این چنین بیان میکند:

فتوایی از عتبـات رسـیده؛ به مردم امر شـده است که برای برچیـدن کمپـانی، از اسـتعمال دخانیـات خودداری کننـد. این فتوا با انضـباط تمام رعایت شده، تمام توتونفروشـیها دکانهای خود را بسـته و تمام قلیانها را برچیدهاند و احدی در شـهر، نه در میان نوکران شاه و نه در انـدرون او، لب به اسـتعمال دخانیات نمیزنـد. مردم ایران هر وقت فتوایی از طرف ملایی معتقد یا مجتهدی معتبر برسد، با انضباط تمام، اطاعت آن را گردن مینهند. (۳)

نکته جالب ماجرا، تأثیر حکم میرزا در همه اقشار و طبقات مردم، حتی داشمشتیها و

۱- همان، ص ۲۱۸ و .۲۱۹

۲- همان، ص۲۴۲.

۳- فووریه، سه سال در دربار ایران، ترجمه: عباس اقبال آشتیانی، ص۳۲۳.

اوباشان است که از هیچ گناه و جُرمی رویگردان نبودهاند؛ در کلام آنان آمده است: «من شراب را علانیه و برملا میخورم و از هیچ [گناهی] باکی ندارم؛ ولی چپق را تا آقای میرزا حلال نکند، دم هم نخواهم زد. من عرق را به امید شفاعت صاحبالزمان میخورم، چپق را به چه امید بکشم؟ وقتی میرزا در حکم محاربه با امام زمان میداند». (۱)

اما آثار این ماجرا:

- پناه بردن مردم در اوج ناامیدی و فشار و ظلم، به مجتهد و نائب امام زمان وقت؛

- اطاعتپذیری مردم از حکم میرزا، جدا از مسائل سیاسی؛ چرا که بنا بر اعتقادات خود، او را نائب امام زمانشان و پناه خود میدانند و اطاعت از او را واجب میشمرند؛

- نکته دیگر، علم میرزا به آثار اعتقاد به مهدویت در میان مردم و استفاده از واژه محاربه با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در فتوای خود است که موجب اطاعت تام همه اقشار، حتی اوباش شد؛ چنانکه میگفتند وقتی میرزا، توتون و تنباکو را در حکم محاربه و جنگ با امام زمان می داند، به چه امیدی سراغ آن برویم.

۴. در جریان تشکیل مجلس شورا به دستور شاه وقت، روشنفکران غربزده کوشیدند با تحریک مردم، به ویژه زنان، علما را تحت فشار قرار دهند تا نتوانند درباره تصویب قوانین مورد نظر آنان، اظهارنظر کنند. مرحوم شیخ فضلالله نوری با مشاهده این دسیسه غربگرایان و با علم به اعتقاد مردم به مهدویت و آثار مطلوب آن در فرمانپذیری و اطاعت مردم، و محبت آنها به حضرت ولیعصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و راضی نبودنشان به نارضایتی آن حضرت، اصل پیشنهادی خود را با این مطلع، آغاز فرمود:

این مجلس شورای ملی که به توجه حضرت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و بذل مرحمت شاهنشاه و مراقبت حجج اسلامیه و عامه ملت ایران تأسیس شده، باید در هیچ عصر از اعصار، مواد احکامیه آن مخالفتی با قواعد مقدسه اسلام و قوانین موضوعه حضرت خیر الأنام (مهدی) عجل الله تعالی فرجه الشریف نداشته باشد و معین است که تشخیص مواد موافقت و مخالفت قوانین موضوعه مجلس شورای ملی با قواعد اسلامیه در عهده علمای اعلام بوده و

۱- چهارده قرن تلاش شیعه برای ماندن و توسعه، ص۲۴۳.

هست... . (۱)

سرانجام، کمیسیون نظر شیخ را پذیرفت. روشنفکران غربزده و مخالفان اعلام نظر علما در قوانین نیز چون از آثار اعتقاد مردم به امام زمانشان و تمایل آنان به مخالف نبودن قوانین مجلس با قوانین خدا و قوانین موضوعه امام عصرشان باخبر بودند، سکوت کردند و نظر شیخ را پذیرفتند.

۵. در جریان حضور انگلیسیها در شیراز در سال ۱۳۳۵ ق و اقدامات ظالمانه آنان، از جمله تجاوز به زنان و کودکان یکی از قبایل قشقایی، آیتالله سید عبدالحسین لاری، اعلم مجتهدان فارس، ضمن همدردی با مردم، حکم جهاد را از طریق نماینده خود، به خان قشقایی اعلام میکند:

اعلام فرمان قضا جریان حضرت سبحان و محکمات قرآن و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف... واجب فوری و عینی است مخصوصاً در این زمان امتحان کفر و ایمان، جهاد بر این کفار حربی ابالیس انگلیس و اعوان ایشان... و هر کس تخلف و تقاعد از این جیش مجاهدین و از این جهاد اکبر و نهی از منکر نماید، کأنّ تخلف از جیش اسامه و امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف نموده... . (۲)

سردار عشایر هنگامی که حکم جهاد را خواند، آن را بوسید و گفت: «... اکنون که حضرت آقا نیز تأکید فرمودهاند، این حکم جهاد را برای خویشتن الهامی الهی میدانم...». (۳)

روشن است که آیتالله لاری نیز در مقام نائب عام و با علم بر فرمانپذیری خان و مردم از فرمان او با توجه به اعتقادات شیعه، برای تحریک و تقویت انگیزه آنان، فرمود: تخلفکنندگان جهاد، در حکم تخلفکنندگان از فرمان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هستند.

۶. در پی واکنش آیتالله قمی به کشف حجاب و قانون استفاده بانوان از کلاه فرنگی، نیروهای شاه، ایشان را محاصره کردند. خبر محاصره ایشان به عنوان مرجع تقلید، موجب

۱- همان، ص۲۸۷و۲۸۸.

۲- علی دوانی، نهضت روحانیون ایران، ج۲، ص۳۵۰؛ محمدباقر وثوقی، اسناد و مکاتبات آیهالله سید عبدالحسین لاری، ص۷۳.

۳- نهضت روحانیون ایران، همان؛ چهارده قرن تلاش شیعه برای ماندن و توسعه، ص۳۴۲.

قیام مسجد گوهرشاد شد و علت مقاومت مردم در برابر رضا شاه، مرجعیت آیتالله قمی بود. آقای حاجی هادی محقق، از قول پدرش (شیخ عباسعلی محقق واعظ خراسانی، از روحانیان پرتلاش قیام گوهرشاد) نقل میکند: «بدان این جریان، نه خیال کنی که همه اش یک قضیه سیاسی است و ما هم کشیده شدهایم؛ این قضایا به رهبری حاج آقا حسین قمی بود... او هم نائب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است و خصوصیاتی که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف راجع به نواب عامش میفرماید، در ایشان هست»، (۱) (لذا اطاعت و حمایت از او، واجب است).

با توجه به پیام شیخ واعظ خراسانی، روشن است که این قضایا جدای از مسائل سیاسی، قضیه اعتقادی است و آثار اعتقادی مهدویت و پذیرش نواب عام و مجتهدان، موجب داخل شدن در قضایای سیاسی میشود. بدین ترتیب، نقل ماجراها، جنبشها و قضایای تاریخی - سیاسی در این اثر، از این باب است که ریشه این اقدامات به آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت در میان علما و مردم باز میگردد.

پس از بررسی شواهد تاریخی بر محور مبناهای ذکر شده، نکاتی از آثار ملاقات خواص با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را بیان خواهیم کرد و سپس، از آثار این اعتقاد در میان شعرا سخن خواهیم گفت.

د) شواهدی بر آثار راهکار تربیتی حضرت، مبنی بر ملاقات با خواص

اشاره

در مورد آثار تربیتی اصل ملاقات با حضرت، سخن گفتیم و روشن است کسی که اعتقاد به مهدویت را پذیرفته باشد، هدایت و تربیت، نظارت و مراقبت حضرت بر احوال منتظران را نیز خواهد پذیرفت. شواهدی که بیان میکنیم، افزون بر آثار تربیتی اصل ملاقات، اثر هدایت، تربیت، مراقبت حضرت، کمک به حل مسائل علمی و اصلاح فتاوای مراجع و... را در بر دارد. همچنین نقل شواهد تاریخی از خواص (آنان که توفیق درک حضوری حضرت را داشتهاند)، از اعتقاد عمیق آنان به مهدویت و یقین آنان به آثار تربیتی آن تربیت و مراقبت حضرت و... حکایت دارد که موجب تعمیق و تثبیت اعتقاد به مهدویت و آثار تربیتی آن در ما نیز میشود.

۱- چهارده قرن تلاش شیعه برای ماندن و توسعه، ص ۴۲۴.

اکنون به تعدادی از این ملاقاتها که دارای کثرت نقل است، اشاره میکنیم:

۱. علامه حلی

علامه حلی عازم زیارت کربلا بود. در راه، شخصی عرب همسفر ایشان میشود که به گفته علامه، بسیار فهیم و علامه بوده است. شخص عرب سؤالاتی از علامه حلی می پرسد و در فتوایی با نظر او مخالفت میکند. علامه حلی به عنوان اعتراض میگوید: سند و مدرکی برای این مطلب نداریم. فرد عرب، به تهذیب شیخ طوسی اشاره میکند و میفرماید: در فلان صفحه در کتابی که در دست توست، این روایت آمده است. علامه حلی شک میکند که شاید این آقا، مولا باشد. در ادامه میپرسد: آیا ملاقات با حضرت امکان دارد؟ در این هنگام، تازیانه علامه به زمین میافتد؛ شخص عرب در حالی که تازیانه را به او میدهد، میگوید: چگونه امکان ندارد، در حالی که دست او اکنون در دست توست. (۱)

اصلاح فتوا و خبر از دلیل آن و معرفی روایت مورد نظر، جهت تربیت و هدایت مربیان جامعه که در غیاب حضرت، وظیفه تربیت مردم را دارند، در این شاهد تاریخی روشن است.

۲. مقدس اردبیلی

میرفیض، یکی از شاگردان مقدس اردبیلی، با علم به درجه بالای معنوی استادش، شبی او را در تاریکی دنبال میکند. مقدس اردبیلی به صحن حرم امیرمؤمنان علیه السلام میرود و درهای صحن به روی او گشوده میشود. او رو به ضریح، سلام میدهد و زمزمه هایی می کند، سپس به مسجد کوفه میرود و در محراب با فردی سخن میگوید و دوباره به حرم باز میگردد و... . در پی سوگند شاگردش، مقدس اردبیلی ماجرا را نقل میکند و از او عهد میگیرد که تا زمانی که مقدس زنده است، ماجرا را برای کسی نقل نکند. مقدس اردبیلی میگوید: مسئلهای در دین برایم مشکل شده بود. خدمت حضرت علی علیه السلام رسیدم و مسئله را از آن حضرت پرسیدم. آن حضرت فرمودند: امروز امام زمان تو در این شهر است، به مسجد کوفه برو و از او بپرس. رفتم و در محراب مسجد کوفه، سؤال خود را

۱- محمد تنکابنی، قصص العلماء، ص۲۵۹ و ۳۵۵.

پرسیدم و جواب شنیدم. (۱)

حل مشکلات علمی برای نواب عام که وظیفه هدایت و تربیت مردم را در زمان غیبت بر عهده دارند، از آثار خاص این ملاقات بوده است.

۳. سیدبنطاووس

سیدبنطاووس از جمله علمایی بود که حقوق مولای خود را رعایت کرد و معرفت و محبت به ایشان داشت، در نتیجه به مقامی رسید که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در ملاقات با اسماعیل هرقلی، سید را فرزند خود میخواند و میفرماید: به فرزندم رضی بگو که نامهای به علیبنعرض درباره تو بنویسد و من به او سفارش میکنم که هر چه تو بخواهی، به تو بدهد. یکی از علمای اهل معنا میفرمود: سیدبنطاووس در مقامات معنوی و کمالات، به حدی رسید که بعضی اعمال و ادعیه را بدون واسطه از حضرت میگرفت و نقل میکرد. وی برای تأیید این مطالب، شواهدی ذکر میکند. (۲)

اعتقاد راسخ به مهدویت، موجب تأثیر و تربیت علمایی چون سیدبنطاووس شده و روشن است که پایه های این اعتقاد، منتظر حقیقی بودن و در پی آن، امیدوار بودن به کمک و تربیت حضرت و حضور ایشان، تلاش برای کسب آمادگی و محبت عمیق و واقعی و... است.

همچنین ملاقات علامه بحرالعلوم (۳) و کمک علمی حضرت در حل مسائل و توجه دادن این عالِم به مأمور بودن به ادله حاضر یا تلاش هدایتگونه حضرت در شیعه شدن ملاعلی رشتی (۴) و شفای بیماری علامه میرجهانی و اصلاح تفکر علمی او (۵) ، از دیگر شواهد ما در این موضوع هستند.

۱- مهدی موعود (ترجمه جلد سیزدهم از کتاب بحارالأنوار)، ترجمه: علی دوانی، ص ۹۳۴؛ بحارالأنوار،ج ۵۲، ص۱۷۴ و ۱۷۵.

۲- سید جعفر رفیعی، «سید بن طاووس»، مجله موعود، شماره ۱۲، سال پنجم، ۱۳۷۷، ص۶۵.

۳- روضات الجنات، ج۷، ص۲۰۴؛ قصص العلماء، ص۱۷۳.

۴- «تشرف یافتگان»، دین و اندیشه، تبیان، ۲۹/۶/۱۳۸۴، www.tebyan.net.

۵- محمد شریف رازی، گنجینه دانشمندان، ج ۲، ص۴۱۵-۴۱۰.

ه) شواهد اعتقاد شعرا به مهدویت

از موارد دیگری که در جایگاه بروز و ظهور آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت، میتوان به بررسی آن پرداخت، آثار این اعتقاد در میان شعرا و شعرهای آنهاست. شعرا زمانی شعر میسرایند که طبع لطیفشان تحت تأثیر موضوع یا حادثهای قرار گیرد و در حس، ذهن، قلب و روح آنان دگرگونی و احوالاتی خاص پدید آورد، یا تحت تأثیر نیاز جامعه، احساسات مردم و موضوعات مورد علاقه آنان، اثری از خود خلق میکنند. بنابراین، این دو حالت، برای ارزیابی آثار اعتقاد به مهدویت در میان شعرا و مردم، محک و میزان خوبی به نظر میرسد. حال، شعرهای شعرا در مورد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در هر کدام از این دو مسیر خلق شود، مطلوب و مراد ما از بیان نمونه هایی برگرفته از اعتقاد به مهدویت حاصل میآید و مهمتر از آن، پرداختن آنان به آثار تربیتی این اعتقاد در جامعه است که به غلیان احساسات، عواطف و هیجانات مردم درباره این مسئله کمک میکند؛ آثاری چون، انتظار، امید، منتظر حقیقی بودن، دلتنگی برای حضرت و محبت به ایشان، سختی های زمانه و امید مردم به تحول شرایط و اصلاح جامعه به دست حضرت، ایستادگی و صبر تا زمان ظهور حضرت و... که از نمونه ها و شواهد آن، میتوان به موارد ذیل اشاره کرد:

- در کتاب نجم الثاقب ذکر شده است که حضرت، مکنّی به ابوالقاسم، ابوصالح و... بوده و ابوصالح، کنیه معروف حضرت میان عربهای بادیهنشین است و آنان پیوسته در توسلات و استغاثات خود، آن جناب را به این اسم میخوانند. شعرا نیز ایشان را با همین کنیه، در قصاید و مدایح خود یاد میکنند. (۱)

- جناب میراسرافیلی، از شعرای پیشکسوت حاضر، اشاره دارد که موضوع مهدویت و انتظار در میان شعرای گذشته، دارای اهمیت بوده است؛ برای نمونه زمانی که پادشاهی از جنگ باز میگشته است، شاعران درباری برای شاه، شعر میسرودند و او را به «مهدی موعود» تشبیه میکردند و همچنان افزونی شعر در موضوع مهدویت و انتظار در میان

۱- نجم الثاقب، ص ۶۰.

شاعران معاصر، دلالت بر توجه به این مطلب تا به امروز دارد. (۱)

- شاعری به نام حسامالدین محمدبنحسام کوهستانی که یک روستایی شاعرپیشه بوده و در حدود سال ۸۷۵ ق درگذشته است، منظومهای به نام خورشیدنامه دارد که در مدح امیرمؤمنان علیه السلام و امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است. (۲)

- استاد شهید مطهری نیز از تأثیر اعتقاد به مهدویت در اشعار حافظ سخن گفته و نمونه هایی را به عنوان شاهد مثال ذکر کردهاند؛ از جمله:

کجاست صوفی دجّالچشم ملحدشکل بگو بسوز که مهدی دینپناه رسید

غزل معروف

مژده ای دل که مسیحا نفسی میآید و ز انفاس خوشش بوی کسی میآید... (۳)

با وجود این نمونه ها و صدها نمونه دیگر، روشن است که موضوع مهدویت از دیرباز در شعر مطرح بوده و شعرای فارسیزبان، گاه به صورت کنایی و غیرمستقیم و گاه روشن و آشکار از مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف یاد کردهاند.

- شاعر دکتر غلامرضا کافی، درباره شعر و مهدویت معتقد است که برخی از شاعران، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را وارد حادثه عاشورا میکنند و قیام ایشان را ادامه قیام امام حسین علیه السلام می دانند و از منتقم بودن ایشان یاد میکنند. به گفته وی، اشعار مذهبی، پیش از تشکیل حکومت شیعه، سه نوع و در قالبهای توحیدی، نبوی و علوی بودهاند و بعد از تشکیل حکومت شیعی در دوره صفویان، رویکرد به شعرهای علوی و عاشورایی بیشتر بوده است. در دوره ما، به ویژه پس از انقلاب اسلامی ایران، توجه به شعر مهدوی بیشتر است و با توجه به نیاز جامعه، مضمون اصلی شعر شاعران نسل سوم، مهدویت است. ایشان معتقدند که باید در مقتلها و مرثیه ها از منتقم حسین علیه السلام، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سخن گفته شود و با برگزاری جشنواره های مهدوی، شعرا، نقاشان و دیگر هنرمندان، تصویر زیبا و روشن

۱- حسین اسرافیلی، «آثار اعتقاد به مهدویت بر روی شعرا»، فرهنگ و هنر، آینده روشن، ۱۳۸۵، www.bfnews.ir.

۲- «مدعیان دروغین در نهضت های سیاسی - اجتماعی»، مجله موعود، شماره ۲۲، ص ۸۱.

۳- مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۸، ص ۱۷۷.

آینده را به نمایش بگذارند. (۱)

با عنایت به سخنان استاد کافی، رویکرد به شعر مهدوی، پس از پیروزی انقلاب اسلامی بیشتر بوده است. این رویکرد، با توجه به آنکه انقلاب، حرکتی رهاییبخش و برگرفته از اصل مهـدویت بوده است، منطقی به نظر میرسد و با توجه به رشد و گسترش انـدیشه مهـدوی و اضـطرار و شوق مردم به حضـرت مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف، شاعران نسل سوم انقلاب، بیش از گذشتگان به مهدویت میپردازند که نشان از بارقه های امید و انتظار در شاعران ما دارد.

گفتنی است در سده های آغازین هجری از نام مهدی بیشتر به عنوان یک نماد تاریخی استفاده میشد؛ نمادی که یادآور «صلح و آرامش»، «قسط و عـدل»، «پیروزی» و «جهانشـمولی اسـلام و نابودی کفر جهانی» بوده است. از همین پیشـینه ادبی میتوان به آثار اعتقاد راسخ مسـلمانان به ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از سده های آغازین هجری تا کنون پی برد. (۲)

و) آثار اعتقاد به مهدویت در فرقه نعمت اللّهی

انتخـاب این فرقه و پرداختن به مهـدویت از نگـاه آنـان، به دلیـل ادعای رویکرد معناگرایانه آنان به بحث مهـدویت است. فرقه نعمت الله، همواره به آن حضـرت متوسل میشونـد و روزی چنـدین بار آن حضـرت را صـدا میزننـد و صـلوات کبیر میخواننـد و هنگام خواب، به باطن او و پدر و اجداد بزرگوارش متوسل میشوند.

نظر آنها در مورد حضـرت مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف، به قیام و به اطاعت از حضـرتش باز میگردد و قیام ظاهری را که به اصـطلاح خودشان مخصوص ذکر تام است، هنگامی پسندیده می دانند که نماینده قیام باطن باشد و معتقدند اگر تنها به قیام ظاهر اکتفا کنند و در رفتار و گفتار و کردار، آن حضرت را در نظر نگیرند، قیام ظاهریشان تأثیری نخواهد داشت. (۳)

۱- غلامرضا کافی، «مهدویت و شعرا»، فرهنگ و هنر، آینده روشن، ۱۳۸۵، www.bfnews.ir.

۲- محمدعلی مجاهدی، سیمای مهدی موعود در آینه شعر فارسی، ص ۶۳.

۳- سلطان حسین تابنده، رساله رفع شبهات، ۱۳۸۶، www.njavan.ir.

جدا از اعتقادات ناصحیح و دارای اشکال این فرقه، تبلیغ آنان در مبحث مهدویت، در خور توجه است؛ آنها به پیروان خود هشدار میدهند که ابتدا به فکر قیام و اصلاح درونی خویش باشند و با در نظر گرفتن حضرت در رفتار و گفتار و کردارشان، در راه تحول درونی خویش بکوشند؛ که اگر در قیام درون و باطن خود موفق بودند، آنگاه قیام ظاهری و اصلاح بیرونی آنها پسندیده و اثرگذار خواهد بود.

ز) آثار اعتقاد به مهدویت در انتخاب نام مهدی

طبق اطلاعات سایت آمار ایران، در سال ۱۳۹۲، بالاترین آمار انتخاب نام پسر، به ترتیب: امیرعلی، امیرحسین، ابوالفضل، محمدطاها، محمد، علی، امیرمحمد، محمدمهدی، مهدی و... بوده که نام مهدی در مرتبه نهم و دهم انتخاب قرار داشته است. بررسی این فراوانی در سالهای قبل از ۱۳۸۷ نشان میدهد که نام مهدی در رتبه های دوم و سوم و چهارم بوده است. (۱)

با سیری در تاریخ و موضوع تأثیر وقایع تاریخی و اعتقادی بر نامگذاری ایرانیان، مشخص میشود که در زمان پیروزی انقلاب اسلامی، انتخاب نام روحالله و مهدی افزایش چشمگیری داشته است. همچنین اوجگیری دفاع مقدس و توجه ویژه جامعه در آن سالها به شهادت در رکاب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، مردم را به انتخاب نام مهدی برای فرزندانشان ترغیب کرد. (۲)

با توجه به این اعتقاد شیعه که در زمان افزایش ستم و اضطرار و اختناق، امید آنان به ظهور افزایش مییافته است، با افزایش فشارها در اواخر دوره رژیم پهلوی و قیام امام خمینی; - که الهام گرفته از قیام مهدوی بوده و بنابر وظیفه دینی و رسالت مرجعیت و در مقام نائب عام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف صورت گرفته - پس از پیروزی انقلاب، رویکرد مردم به دو اسم مهدی و روحالله بیشتر شد.

۱- فراوانی نام گذاری، سایت سازمان ثبت احوال کشور، زمستان ۱۳۹۳، www.sabteahval.ir.

۲- محسن پوریانی، «تأثیر وقایع بر نامگذاری ایرانیان»، نشر سازمان ثبت احوال کشور، عصر ایران، ۱۳۸۷/۲/۱۸، www.asriran.com.

همچنین در زمـان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، رویکرد مردم به اعلام آمادگی و بودن در رکاب حضـرت، از طریق انتخاب نام مهدی گسترش یافت که همگی اینها بر اعتقاد راسخ مردم به مهدویت دلالت دارد که آثارش در انتخاب نام، شـعر شـعرا و هنر هنرمندان تجلی یافته است.

فصل پنجم: تربیت در عصر ظهور و آثار آن

اشاره

پس از بررسی آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت در مرحله پیش از ظهور، در گام بعدی وارد مرحله بعد از ظهور میشویم. برخی راهکارها و برنامه های تربیتی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برای پرورش افراد در عصر ظهور از این قرار است:

- تشکیل حکومت دینی و تلفیق آن با اخلاق و تربیت؛

- بهرهمندی از پرورشیافتگان دوران انتظار (منتظران حقیقی) جهت پیشبرد اهداف؛

- برنامهریزی خاص برای افرادی که در مکتب انتظار چنانکه شایسته است، رشد و تربیت نیافتهاند.

در این فصل، به بررسی این راهکارها و آثار تربیتی آن خواهیم پرداخت.

گفتار اول: آثار تربیتی حکومت دینی – سیاسی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

پس از قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، تمام دولتهای باطل در سراسر جهان نابود، و دولت جهانی حضرت تشکیل خواهد شد. هر قیام و اصلاحی که با هدف تشکیل حکومت صورت میگیرد، برای رسیدن به اهداف حکومتی خود، به برنامهای جامع و قانونی کامل، رهبری عالی و توانمند و یارانی شایسته نیاز دارد؛ (۱) به ویژه دولت حضرت که هدفش، تشکیل حکومت سیاسی و تلفیق آن با اخلاق و تربیت است.

برنامه: همچنانکه دوران پیش از ظهور، دارای برنامهای جامع و سنجیده و برنامهریزیشده بود، روزگار پس از ظهور هم دارای برنامهای جامع و هماهنگ در عرصه تربیت انسانهاست و به گفته شهید صدر، در حقیقت، برنامه تربیتی خداوند برای تکامل انسان، با به نتیجه رسیدن آن در پیش از ظهور پایان نمیپذیرد؛ بلکه این برنامه همواره تا انتهای

۱- نگین آفرینش، ص ۱۴۳.

عمر بشر ادامه دارد. (۱)

هر چند پس از قیام و پیروزی بر گروه باطل و نابودی آنها، ظلم و ستم از بین میرود و امنیت برقرار میشود؛ اما حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برای تغییر در بینش، روش و منش ناسالم مردم (آنان که به گمراهیِ اهل باطل نبوده و در عین حال، با راهکارهای تربیتی پیش از ظهور، نتوانستهاند به اصلاح خود بپردازند و جزء یاران و منتظران حقیقی باشند)، رشد و کمالیابی انسانها را سرلوحه برنامه های حکومت خود قرار داده و بر تزکیه نفوس، مکارم اخلاقی، دعوت به خیرات عامه و فضایل (عدالت، راستی و...) اقدام خواهد کرد. (۲)

برنامه های دولت مهدوی، حتی برنامه های اقتصادی، سیاسی، رفاهی و... حضرت دارای آثار است؛ چرا که با اجرای عدالت در اقتصاد، صداقت در سیاست و...، سیاست، اقتصاد، اجتماع و فرهنگ را به سمت فضیلتهای اخلاقی و تربیتی میکشاند و با پیوند میان سیاست و اقتصاد با اخلاق و تربیت، در تعالی و تکامل مردم میکوشد. در این راستا، دانش و صنعت و تکنولوژی در مسیر درست قرار میگیرند؛ رابطه مردم با خدا، با خود، با دیگران و با طبیعت اصلاح میشود و قدرت نیز در خدمت آنان قرار میگیرد. در این عصر، سرچشمه اخلاق و تربیت، وحی الهی و شریعت آسمانی است که تکلیف مردم را به شکل مطلوبی تبیین میکند.

در حقیقت دولت حضرت، دولت تربیتی - اخلاقی است؛ بدین معنا که هم خود جامع تمام فضایل، نیکیها، محاسن ایمانی و عقلانی است و هم در مقام عمل و اجرا، همه آن ها را در جامعه محقق میسازد. (۳)

رهبر: رهبر این دولت اخلاقی، رهبری عالی و توانمند، عادل، آگاه، دلسوز، مدیر و مدبر، قاطع و... است؛ ویژگیهایی که از آنِ برترین مربی عالَم است.

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به دلیل ارتباط با عالم غیب، بر همه هستی و روابط موجودات آگاهی دارد و داناترین انسان زمان خویش، و به فرموده رسولخدا صلی الله علیه و آله و سلم ، وارث تمام علوم است و بر

۱- تاریخ ما بعد الظهور، ص .۸۹
۲- رحیم کارگر، آینده جهان (دولت و سیاست در اندیشه مهدویت)، ص .۲۳۱
۳- همان، ص .۲۳۲

دانشـها احاطه دارد. چنین فردی که خُلْق و خَلْق او چون رسولخدا صـلی الله علیه و آله و سـلم است، از همه قیدها و بندها آزاد است و دل تنها در گرو رضایت خدا دارد. حضـرت به کاملترین شکل، شئون امامت را در عرصه جهان جلوهگر خواهد کرد و زعامت دینی - سیاسی و هدایت و تربیت انسانها را عهدهدار خواهد شد. (۱)

بدین ترتیب، حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با برقراری حکومت دینی - سیاسی؛ اما مبتنی بر اخلاق و فضیلت و تربیت، به متربیـان عصـر ظهور میآموزد که حتی از برنـامه هـای اقتصادی، سیاسـی، رفاهی و...، میتوان در جهت تربیت مردم و احیـای جـامعه بهره برد. ملاـک اصـلی تشـکیل چنین حکومتی، احیا و تربیت افراد جامعه است و از این حکومت و برنامه های متنوع آن، برای رسیدن به این مطلوب بهرهبرداری میشود.

گفتار دوم: آثار تربیتی بهره گیری از پرورش یافتگان مکتب انتظار

آن عـده از منتظران که در مکتب انتظـار و دوران پیش از ظهور، با اسـتفاده از راهکارها، آموزه ها و برنامه های تربیتی الهی و مهـدوی، از نظر ایمـانی و عقلاـنی پرورش یافتهانـد و بـا داشـتن امیـد، شور، شوق و محبت، با ایجاد آمادگی و زمینهسازی، به اصـلاح خود پرداخته و از هدایت باطنی حضرت نیز بهرهمند شدهاند، در مسلک منتظران حقیقی پیش از ظهور و یاران خاص و یـاران عام بعـد از ظهور جای گرفتهانـد. آنان در سـمت کارگزاران و همراهان حضـرت، در برنامه های تربیتی پس از ظهور قرار میگیرند، تا افزون بر رشد و تقویت پایه های تربیتی و تکاملی خود، در جهت رشد و توسـعه فرهنگ مهدوی و برنامه های اصـلاحطلبانه و عـدالتخواهانه حضـرت، به ایشـان یـاری رساننـد و به فرمان حضـرت، برای اصـلاح و تربیت مابقی افراد بشـر و پرورشنیافتگان در مکتب انتظار قدم بردارند.

در مورد ویژگیهـای یـاران حضـرت، روایـاتی بیان شـده است که نشاندهنـده درجات ایمانی آنهاست: «همه وجودشان یقین به خداست»، «هرگز شک به خدا در دلشان راه ندارد»، «زاهدان شـباند و زمزمه قرآن و مناجات آنان، چون صدای زنبوران عسـل می ماند»، «گوش به فرمان امام خویش هستند»، «خدا به دست آنان، امام حق را یاری

۱- نگین آفرینش، ص۱۴۳.

می کند» و... . (۱)

از این کـارگزاران و یـاران در دولت اخلـاقی حضـرت مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف، با عناوین مختلف نام برده شـده است. البته احتمـال دارد برخی از گروه هـایی که نـام خواهیم برد، جزء همان ۳۱۳ تن (حاکمان و والیان جهان) باشـند؛ از این گروه هـا با نامهای نجبا، (۲) رفقا، نقبا، ابدال، (۳) عصائب، (۴) اوتاد، (۵) رجال الهی، اعوان و قُوّاد (فرمانـدهان)، فقها، خزّان (خزانهداران)، اهل قضاوت و... یاد شده است. (۶)

در این راهکـار، شـخص حضـرت بـا اسـتفاده از پرورشـیافتگان مکتب انتظار، در جایگاه کارگزاران و یاران حکومتی خود در منـاصب مختلـف، شایسـتهسالاری و نخبهپروری را سـرلوحه کـار خـود قرار داده و نشـان میدهنـد که بر اسـاس ملاـک تقوا و پارسایی، از افراد برای انجام کارهای مهم خویش، به ویژه در امر تربیت دیگران و احیای جامعه استفاده میکنند.

گفتار سوم: آثار تربیتی برنامه های حضرت برای پرورش نیافتگان در مکتب انتظار

همـانطور که اشـاره شـد، برنامه های تربیتی حضـرت در پیش از ظهور، بر محور تربیت ایمانی و تربیت عقلانی اسـتوار بود؛ هر چنـد بـا تفکیـک این دو محور در مورد آن بحث نشـد؛ امـا بـا دقت و تأمـل در هر کـدام از راهکارهـا و آموزه ها و برنامه ها، روشن میگردد که در رشد ایمانی یا عقلانی متربی مؤثر بودهاند.

برنامه های تربیتی حضـرت در عصـر ظهور نیز با دو رکن تربیت عقلانی و تربیت ایمانی صورت میپـذیرد. با وجود آثار تربیتی دیگر برنـامه هـای حضـرت در عرصه سـیاست، اقتصـاد و...، بحث را بر اسـاس برنامه های فرهنگی - تربیتی با محوریت تربیت ایمانی و تربیت

۱- بحارالأنوار، ج۵۲، ص ۳۰۷، ح۸۲؛ منتخب الأثر، ج۳، ص ۱۲۶.

۲- الکافی، ج۱، ص۵۳۴، ح۱۸؛ منتخب الأثر، همان.

۳- بحارالأنوار، ج۵۲، ص۳۰۴، ح ۷۳؛ منتخب الأثر، همان.

۴- همان.

۵- بحارالأنوار، ج۵۲، ص۱۳۸، ح ۴۳.

۶- آینده جهان (دولت و سیاست در اندیشه مهدویت)، ص ۲۷۷.

عقلانی، ادامه خواهیم داد و اینها آثاری است برگرفته از اعتقاد به مهدویت که در زمان آینده، بروز و ظهور خواهد یافت.

هدف ما بیان برنامه های حضرت در دوران ظهور نیست؛ ولی به جهت الگوگیری و رسیدن به مقصود خود، به اختصار به آن میپردازیم:

۱. برنامه های حضرت برای تربیت عقلانی، بر مبنای رشد اندیشه و تفکر، ایجاد معرفت و بینش صحیح یا اصلاح آن (۱) و...، با دو روش نهضت علمی (۲) و نهضت فکری (۳) برای رسیدن به کمال علمی و کمال عقلی و در نتیجه «تعادل» سامان میابد؛

۲. برنامه های مصلح برای تربیت ایمانی، بر مبنای رشد روحیه خودنگهداری و تزکیه نفس، پرورش فضیلتها و نفرت از رذایل، پرورش اراده برای عملی کردن فضایل اخلاقی (۴) و...، به روشهای ذیل اجرا میشود:

- ریشهکنی رذایل اخلاقی (مبارزه با هوای نفس، (۵) از بین بردن بدعتها، (۶) نهی از منکرها، (۷) رفع کینه ها، (۸) مداوای نافهمی (۹) و جلوگیری از معصیت الهی (۱۰)).

۱- رضا فرهادیان، مبانی تربیت، ص ۱۵.

۲- بحارالأنوار، ج ۳۶، ص۲۵۳، ح ۶۹و ج۵۲، ص ۳۳۶، ح۲۳؛ النعمانی، الغیبه، ص ۲۳۸، ح ۳۰؛ نگین آفرینش، ص.۱۸۳

۳- بحارالأنوار، ج۵۲، ص۳۳۶، ح۷۱؛ گامی به سوی نظریه پردازی در تعلیم و تربیت اسلامی،ترجمه:غلامرضا متقی فر و اسدالله طوسی، ص۷۶؛ سیدرضا صدر، راه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص۲۹؛ آینده جهان (دولت و سیاست در اندیشه مهدویت)، ص ۳۳۲.

۴- مبانی تربیت، ص۱۴؛ گامی به سوی نظریه پردازی در تعلیم و تربیت اسلامی، ص ۸۱.

۵- نهج البلاغه، خطبه۱۳۸، ص۱۹۵؛ آینده جهان (دولت و سیاست در اندیشه مهدویت)، ص ۳۱۸.

۶- بحارالأنوار، ج۵۱، ص۴۷، ح۹و ج۵۲، ص۳۳۹، ح۸۴؛ نگین آفرینش، ص ۱۸۴.

۷- النعمانی، الغیبه، ص۲۰۵، ح۹؛ الکافی، ج ۸، ص۳۹۶، ح۵۹۷؛ بحارالأنوار، ج۵۲، ص۳۷۸، ح ۱۸۲.

۸- بحارالأنوار، ج۵۲، ص۳۱۶، ح۱۱؛ مبانی تربیت، ص۱۱؛ آینده جهان (دولت و سیاست در اندیشه مهدویت)، ص۳۱۸ و ۳۱۹.

۹- بحارالأنوار، ج۵۱، ص۱۲۳؛ ر.ک: نهج البلاغه، خطبه۱۶۶، ص۲۴۱؛ النعمانی، الغیبه، ص۲۳۷، ح ۲۶.

۱۰- کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۶۴۷؛ منتخب الأثر، ص ۱۲۸ و۱۲۹؛ آینده جهان (دولت و سیاست در اندیشه مهدویت)، ص ۳۲۰ و ۳۲۱.

- تربیت و گسترش مکارم اخلاقی (تزکیه و تقویت اخلاق، (۱) دعوت به سنت رسولخدا صلی الله علیه و آله و سلم و امر به معروف). (۲)

۳. دیگر برنامه های حضرت که در زمینه های دینی - تبلیغی و اجتماعی و... صورت میگیرد و در رشد و تربیت عقلانی و ایمانی مؤثر است:

الف) برنامه های دینی و تبلیغی حضرت بر مبنای تجلی ایمان و باورها؛ و ایجاد انگیزه قوی ایمانی که آدمی را به عمل وا دارد، (۳) با روشهایی؛ چون اصلاح اعتقادات و باورها، (۴) احیای اسلام و قرآن، تثبیت دین، (۵) ترویج و گسترش دستورات دینی و اجرای احکام الهی (۶)، ساخت و اصلاح مسجد (۷) سامان میپذیرد.

ب) برنامه های اجتماعی ایشان، بر مبنای توجه به مشکلات دیگران، پرورش روحیه همکاری جمعی، همدردی با دیگران و توجه به سرنوشت آنان (۸) و...، با روشهایی چون عدالتگستری در جامعه و احیای جامعه مرده، (۹) ایجاد وحدت و تألیف قلوب (۱۰)، عملی میشود.

۱- بحارالأنوار، ج۵۲، ص۳۳۶، ح ۷۱؛ منتخب الأثر، ج۳، ص۱۲۸، ح۷؛ سیده نصرت امین اصفهانی، مخزن العرفان فی تفسیر القرآن، ج۲، ص ۸۶ و ۸۷؛ تفسیر ابن عربی، ج۲، ص۱۹۳؛ تاریخ ما بعد الظهور، ص ۲۱۰.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۴۱۱، ح۶؛ اعلام الوری باعلام الهدی، ص۴۲۵؛ بحارالأنوار، ج۵۲، ص۳۳۹، ح۸۴؛ تأویل الآیات الظاهره، ص ۱۸۵.

۳- گامی به سوی نظریه پردازی در تعلیم و تربیت اسلامی، ص ۷۸.

۴- المیزان فی تفسیر القرآن، ج۹، ص۲۴۷؛ اصلاحات در حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص۱۲۴-۱۰۹.

۵- بحارالأنوار، ج۵۳، ص۴؛ النعمانی، الغیبه، ص۲۵۵؛ تاریخ ما بعد الظهور، ص ۳۸۳.

۶- بحارالأنوار، ج۵۲، ص۳۴۳ و ج۵۳، ص ۱۷.

۷- الطوسی، الغیبه، ص۴۷۲؛ بحارالأنوار، ج۵۲، ص۳۳۲، ح۵۷؛ المیزان فی تفسیر القرآن، ج۹، ص۳۹۳-۳۹۱؛ اصلاحات در حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۱۷۹.

۸- مبانی تربیت، ص ۱۴.

۹- الکافی، ج۴، ص۴۲۷، ح۱؛ بحارالأنوار، ج ۵۲، ص۳۷۴، ح ۱۶۹و ج۵۳، ص۳۴؛ نگین آفرینش، ص۱۷۷؛ آینده جهان (دولت و سیاست در اندیشه مهدویت)، ص ۳۱۱.

۱۰- کمال الدین و تمام النعمه، ج۳، ص۶۴۷؛ بحارالأنوار، ج۵۲، ص۳۷۲، ح۱۶۴؛ آینده جهان (دولت و سیاست در اندیشه مهدویت)، ص ۳۱۲.

پرورشنیافتگان و به عبارتی متربیان عام دوران ظهور نیز با دیدن رویّه های اصلاحی و اقدامهای عدالتخواهانه حکومت، با اعتماد و یقین به رهبر و کارگزاران او، ضمن الگو گیری از پرورشیافتگان مکتب انتظار و یاران خاص حضرت، برای رسیدن به مقام آنان تلاش میکنند.

برنامه های فرهنگی - تربیتی حضرت در این دوره در دو بعد فردی و اجتماعی تنظیم شده و دارای آثار تربیتی مطلوبی است؛ از جمله:

- تقویتکننده روان انسانهاست که در بعد روحی، تزکیه نفس و آراسته شدن به فضایل و دوری از رذایل، از آثار تربیت اخلاقی است؛ در بعد جسمانی نیز تمام امکانات مادی را در جهت رشد و تعالی روح به کار خواهد گرفت.

- تعدیلکننده خواسته هاست؛ به طوری که اخلاق، میان غریزه و نیروهای باطنی انسان تعادل ایجاد میکند. تعدیل این غرایز، در اصلاح رفتار، گفتار و اعمال انسان، تأثیر بسزایی دارد و از طریق رشد معرفت و عقل و بصیرت و تغییر در بینش به نظام هستی و زندگی، از بسیاری از تجاوزها، فتنه ها و فسادها، کوتهبینیها و تنگنظریها جلوگیری خواهد کرد.

- جامعه سالم به واسطه افراد دارای فضایل اخلاقی به وجود خواهد آمد. اگر در اجتماعی، تعاون، انفاق، عفت، تواضع، حسنظن، محبت و به طور کلی عدالت، حکمفرما باشد، این جامعه، مدینه فاضله و جامعه آرمانی اسلام خواهد بود.

به این ترتیب، در پرتو برنامه های فرهنگی - تربیتی در دو بعد فردی و اجتماعی و با تأثیر متقابل آنها، افراد در کنار جامعه احیا خواهند شد؛ به طوری که تربیت عقلانی، در دو محور کمال علمی و کمال عقلی، به «تعادل» میانجامد و تربیت ایمانی در پرتو کمال اخلاقی و تزکیه، به «تعالی» و «تکامل» منجر خواهد شد. پس از تحقق آثار تربیت فردی از طریق کمال اجتماعی با نتیجه «پیشرفت و همدلی»، زمینه تعالی جامعه نیز فراهم خواهد شد.

به فرموده آیتالله جوادی آملی:

کار اصلی امام زمان این نیست که جهان را از عدل و داد پر کند؛ کار اصلی او، زنده کردن جامعه است. وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف عامل حیات است. او جامعه مرده را زنده می

کنـد و سـپس به عدل و داد فرا میخواند. جامعه زنده، مشـتاق عدل و داد است. برخی انسانها به حسب ظاهر، انسان و در باطن، مردهاند؛ صورت آنها مطابق سـیرتشان نیست. امام عجل الله تعالی فرجه الشـریف صورت آنها را مطابق سیرتشان میکند. بعد از آنکه سیرت را انسانی و واقعی کرد، جامعه ظاهراً و باطناً انسانی میشود. سـپس به عـدل و داد فرا میخواند و جامعه زنده، تشـنه عدل و داد میشود. کار اصـلی او احیاگری است. همانگونه که رسولخدا صـلی الله علیه و آله و سلم ، جامعه مرده را زنده کرد، حضرت ولیعصر عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز جامعه مرده را زنده، و برای احیای آن، معارف و حقایق و طهارت حقیقی را اعطا میکند. ((یُزَکِّیهم وَ یُعَلّمهم)) جامعهای زنده است که کتاب الهی، حکمت الهی و طهارت باطنی را بداند. پیامبر صـلی الله علیـه و آلـه و سـلم بعـد از اینکـه تزکیه و تعلیم فردی را مطرح کرد، به تزکیه و تعلیم جمعی پرداخت و به درمـان کینهجـویی، حسادت و... روی آورد. آن که عداوت را تبدیل به صـلح میکند، کیمیاگری است (ولایت تکوینی) و این امر تنها با نصـیحت ممکن نیست. کار امام عصـر عجل الله تعالی فرجه الشـریف تبدیل عداوت به صداقت و... است. بیشتر کارهای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف (تأمین عـدالت، رفاه و...) فرعی است و مهم، کار اصـلی است و این کار اصـلی با کارهای فرعی برای تربیت افراد، کامل میشود... . (۱)

گفتار چهارم: آثار تربیتی حاصل از بیان ویژگی ها و برنامه های عصر ظهور برای عصر حاضر

نکته در خور تأمـل در این مبـاحث، آن است که ذکر و بررسـی برنامه های تربیتی عصـر ظهور که هنوز دوران آن فرا نرسـیده است، چه ضـرورت و فایـدهای دارد؟ به نظر میرسـد همچنـانکه در برنـامهریزی الهی، مبـاحث انتظـار و منتظران، قبل از شـروع غیبت صـغری و کبری مطرح گردیـد و حتی از ابتـدای خلقت سامانـدهی شـد و این برنـامهریزی، حاصل تـدابیر حکیمانه الهی برای تربیت بشـر بوده است، بیـان پیش از موعـد اخبـار و شـرایط دوران ظهور نیز در راسـتای برنـامه کلاـن تربیتی الهی و برای زمینهسازی و ارائه الگوست. بنابراین لازم است ما نیز پیش از فرا رسیدن ایام موعود، برای برنامهریزی و ساماندهی امور تربیتی و

۱- عبدالله جوادی آملی، «مهدویت و عدل الهی»، (سخنرانی ایشان در دیدار با مسئولان فصلنامه انتظار)، فصلنامه انتظار، ش۱۳، ۱۳۸۳، ص۴۲.

الگو گیری از مربی آن دوران و برنامه های او برای متربیانش، به شناخت برنامه های ایشان اقدام کنیم.

الگو گیری از سیره حکومتی - تربیتی حضرت، برای حاکمان، علما و مربیان امروز جامعه

یکی از مباحث جالب توجه در تربیت اسلامی، نقش اسوه ها در تبلیغ و تربیت است. یکی از روشهای مؤثر در تربیت اسلامی، روش الگویی یا معرفی اسوه هاست که این روش، چه در نظامهای تربیتی - تبلیغی الحادی و چه در سیستم تربیتی - تبلیغاتی اسلام، جایگاه ویژهای دارد و بدان اهتمام خاصی شده است. در این شیوه، درباره الگو گیری از یک حرکت موفق، یا یک فرد موفق و اسوه، و تلاش برای نزدیک شدن به او از طریق شناخت آن اسوه و عملکرد و نتایج موفق کار او... سخن گفته شده است. همچنین درباره نوع تربیت اسوه ها و الگوها و چگونگی معرفی آنها به جامعه و راه های هدایت بیشتر جامعه به وسیله الگوها بحث میشود. (۱)

این روش مؤثر در تربیت اسلامی، در بحث تربیت مهدوی نیز مطرح، و در دو جایگاه برای ما شایستهٔ بهرهگیری است. یکی از آن جایگاه ها، الگو گیری از سیره حکومتی - تربیتی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برای حاکمان، علما و مربیان جامعه است.

برنامه ها و آثار مطرح شده در زمان ظهور که برگرفته از اعتقاد به مهدویت است، هر چند برای زمان آینده است؛ ولی برای عصر حاضر نیز قابلیت الگو گیری دارد. این ویژگی جالب دین ماست که افزون بر الگو گیری از گذشته سنت نبوی صلی الله علیه و آله و سلم و آموزه های مهدوی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از روش حکومتی آینده حضرت، برخورد با کارگزاران، برنامه های تربیتی، رویکرد تربیتی به برنامه های اقتصادی، سیاسی و رفاهی و اصلاح آن، و نحوه برخوردها و عملکردهای عصر ظهور و... نیز میتوانیم الگو گیری کنیم.

با توجه به اینکه اسوه و الگوی ما در این مرتبه، معصوم است؛ تطبیق دقیق ما با ایشان امکانپذیر نیست و تحقق عینی این موضوع فقط در زمان ظهور حضرت اتفاق میافتد، ولی بر اساس اعتقاد به انتظار سازنده و تکلیف منتظران بر کسب آمادگی و زمینهسازی

۱- مصطفی عباس مقدم، نقش اسوه ها در تبلیغ و تربیت، ص ۹.

برای ظهور ایشان، باید در حدّ توان برای اصلاح و مقدمهسازی و پاکسازی درون و برون خود تلاش کنیم.

شایسته است بر اساس آموزه های مهدوی و آثار تربیتی حاصل شده از زمان گذشته و حاضر، برای نزدیک شدن به حکومت، حکمرانان، کارگزاران و شایستگان در حکومت مهدوی و نیز برای نزدیک شدن عالمان و مربیان جامعه به عملکرد و روشهای تربیتی حضرت، اقدامات اصلاحی انجام دهیم.

الگوگیری از سیره یاران حضرت و تمایل و شوق برای شبیه شدن به یاران خاص

مرتبه دوم از روش الگوگیری در تربیت مهدوی عجل الله تعالی فرجه الشریف، الگوگیری از سیره یاران حضرت در زمان ظهور است. با بیان ویژگیها و اوصاف این افراد که رضایت خدا و امام زمان خود را به دست آوردهاند، و ذکر مقامات آنها در روایات، انگیزه و شوق برای شبیه شدن به آنان و کسب رضایت خدا و امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، در منتظران حقیقی اوج میگیرد و در افزایش همت آنان برای کسب آمادگی و خودسازی و همسنخ شدن با ویژگیهای ذکر شده در روایات نتیجهبخش خواهد بود؛ چرا که بر اساس این الگوگیری، ملاک و معیار مشخص و صحیح برای خوب بودن، در اختیار منتظران قرار میگیرد.

در مراحل تقلید از الگو، ابتدا برای شناخت صحیح اسوه و الگو تلاش میکنیم. سپس با استفاده از مراتب تفکر و اندیشه و تحلیل ذهنی، از آن نکته ها و عملکردها و اوصاف متناسب با اقتضائات و شرایط خود، الگوبرداری ذهنی نموده و با تقویت انگیزه و اراده خود، برای رسیدن به هدف مورد نظر وارد صحنه عمل میشویم. (۱)

ایجاد تصویر انسانهای متعالی و مدینه فاضله و عصر ظهور، برای ایجاد شوق و انگیزه بیشتر در منتظران

برای پرداختن به این اثر، دو پرسش را مطرح میکنیم: در بحث الگوگیری از سیره یاران حضرت، این نکته مطرح شد که برای رسیدن به هدف خود باید با تقویت انگیزه وارد صحنه عمل شویم؛ اما این انگیزه چگونه تقویت میشود؟ چگونه تحرک و شوق برای

۱- همان، ص ۱۰۶.

عمل کردن، افزایش مییابد؟ سؤال دوم، منتظران در انتظار چه هستند؟ در امید به چه کسی یا چه چیزی به سر میبرند؟

در پاسخ به سؤال دوم، روشن است که انتظار و امید منتظران به ذات ظهور بر نمیگردد؛ بلکه انتظار آنان و امید آنها برای آمدن امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، منجی احیاکننده و عدلگستر آنان است. امید و انتظار آنان برای رسیدن به وعده های الهی در زمان ظهور و ویژگیها و شرایط متعالی آن دوران است. ریشهکن شدن فقر و بدبختی، جهل و نادانی و ظلم و ستم از سراسر جهان، حکمفرما شدن بینش و بصیرت، آرامش و همدلی، امنیت و رفاه بر جامعه، قرار گرفتن امام در رأس امور به عنوان زمامدار صالح و عادل، حضور کارگزاران شایسته او در اجرای امور و لذت بردن انسانها در آن دوران از کنار هم بودن، از جمله چیزهایی است که انتظار آن را میکشند؛ چرا که انسان عصر ظهور، در ارتباط خود با خدا، با خود، با طبیعت و با دیگران (۱) تعالی یافته، و این انتظار و امید است که او را برای تحقق هدفهای اسلامی و انسانی و برنامه های عملی دین، به عمل و حرکت وا میدارد. ایجاد تصویر از رهبر، از انسانهای عصر ظهور، از جامعه عصر ظهور و مدینه فاضله برای منتظر، رونق و شوق و نشاط و امید او را به همراه دارد و با این تصویر و برای رسیدن به این دوران است که انگیزه و تحرك او فزونی مییابد.

در اینجا پاسخ سؤال اول نیز روشن میشود. قصد ائمه علیهم السلام(در روایات) از پرداختن به ویژگیهای انسان و جامعه عصر ظهور (مدینه عدل، (۲) مدینه رفاه، (۳) مدینه امن و امنیت، (۴) مدینه علم (۵) و مدینه تربیت (۶))، ترسیم تصویر آن در ذهن منتظران و ایجاد شوق و انگیزه و

۱- دکترین مهدویت، ص۷۵، ۷۶ و ۸۸-۸۲.

۲- از جمله: الاحتجاج، ج۲، ص۴۹۴؛ النعمانی، الغیبه، ص۲۴۴، ح ۴۵ و ص۲۷۴، ح۵۳؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۳۷۱، ح۵؛ بحارالأنوار، ج۲۷، ص۹۰، ح ۴۴و ج۵۲، ص۳۳۸، ح۸۳ و ج۵۱، ص۱۲۰، ح ۲۳؛ الکافی، ج۱، ص۳۳۴، ح۲؛ اعلام الوری باعلام الهدی، ص۴۶۲.

۳- بحارالأنوار، ج۵۱، ص۷۸، ح .۳۷

۴- نور(۲۴): آیه۵۵؛ النعمانی، الغیبه، ص۲۴۰، ح .۳۵

۵- النعمانی، الغیبه، ص .۲۳۹

۶- بحارالأنوار، ج۵۲، ص۳۳۶، ح۷۱؛ حسن مسعودی، مهدویت و مدینه فاضله، از مجموعه چشم به راه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۲۰۵-۱۹۸.

تقویت آن در مخاطبان و منتظران دوران غیبت بوده است و این، یکی دیگر از آثار تربیتی حاصل از بیان ویژگیها و برنامه های عصر ظهور برای عصر حاضر بود که به آن پرداختیم.

بـدین ترتیب، آنـان که به مهـدویت اعتقـاد دارنـد و آثـار تربیتی این اعتقاد را میپذیرنـد، باور دارنـد که پرورشـیافتگان مکتب انتظـار، به همراه رهبر و مربی فرزانه خود، در قـالب یـک حکومت دینی - سیاسـی مبتنی بر اخلاـق و تربیت، انسانهـای پس از ظهور را این چنین تربیت میکننـد و چنین جـامعه آرمانی و مـدینه فاضـلهای را میسازنـد و این انسانها و جامعه پس از ظهور که براساس روایات، تصویر شد، تبلور آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت خواهد بود.

یک نکته مهم در بحث الگو گیری

بررسـی نگاه فلسـفی جامعه در بحث الگو گیری و رابطه آن در عرصه تربیتی مهدوی، نکته مهمی است که در این قسمت بدان می پردازیم.

اصولاً بینش فلسـفی، نظامدهنده به جهانبینی انسانهاست و این بینش فلسـفی، انگیزه اساسـی انسانها را برای اقدام کردن یا اقدام نکردن میسـازد. بینش فلسـفی را در قسم مـاهیت، به سه قسم میتوان تقسـیم کرد: اصـالت گوهر، اصـالت ذات و اصـالت وجود دینی؛ یعنی اصالت گوهر و ضـرورت ذات. در جهتگیری این ماهیتها نیز به آرمانگرا بودن و خوشبین بودن، و واقعگرا و بـدبین بودن تقسیم میشود. (۱)

هـدف مـا توضـیح و تـبیین ایـن بینش فلسـفی نیسـت؛ بلکـه درصـدد بیـان آثـار تربیـتی ایـن بینش در عرصه جـامعه در مبحث الگو گیری هستیم.

برخی اندیشـمندان و کارگزاران تربیتی، بر فلسـفه اصالت ذات تکیه دارند؛ نه اصالت گوهر (یعنی به ذات و شخص افراد اسوه و الگو اصالت میدهند، نه به گوهر و ارزشـها و برجسـتگیهای رفتاری و به عبارتی شخصیت آنان)؛ اگر هم در مبنا به آن معتقد نباشند، در

۱- سیدحسین سیف زاده، اصول روابط بین الملل، ص ۲۳ و ۲۴.

عمل، اصالت ذات را برتری میدهند.

در این بینش تربیتی – فلسفی، انسانهایی متعالی فرض می شوند، و بقیه افراد با هریک از مصادیق فرضشده، مورد سنجش قرار می گیرند و در صورت دوری از آنان – به جای تلاش برای اصلاح این افراد – به عنوان انسان هایی نامطلوب مطرح میگردند. حتی در برخی مواقع، خصوصیات این افراد متعالی و اسوه را فقط عقلای جامعه میتوانند کشف و فهم کنند و آنان بدون ایجاد درک، فهم و معرفت درست درباره ویژگیها و خصوصیات اسوه در ذهن جوانان، مطالب را چونان مادر پرنده، به جوجهاش میخورانند.

در این حالت، حقیقتیابی این افراد اسوه و متعالی، فقط در بحث تعاریف خلاصه، و به تعبیری صفات و خصوصیات در قالب توصیفهای زیبا، به سوی مخاطبان پرتاب میشود، بدون آنکه فهم درست و کاربردی از آن ویژگیها ایجاد شود. (۱) در واقع به ارزشگذاری و احترام به ذات آن اسوه میپردازند، ولی گوهر وجود و ویژگیهایی که باعث اسوه شدن آن فرد شده است را برای متربی بیان نمیکنند. به عبارتی، فقط بازگوکننده و تعریفکننده هستند، نه تبیینکننده و سازنده.

در نتیجه این بینش و عمل، انسانهای دیگر هیچگاه حقیقتساز نمیشوند تا افرادی متعالی و اسوه های جدید به وجود آیند. در این صورت، ما بیشتر به دنبال کشف افراد متعالی و اسوه خواهیم بود تا خلق افراد جدید و متعالی و اسوه. در این نظام تربیتی، ما فقط الگوها را مشخص و معرفی میکنیم، ولی راه رسیدن به این الگوها را برای متربیان و نسل منتظر خود تبیین نمیکنیم.

گویی در عرصه ارائه نظام تربیتی و اجرای آن در جامعه در بحث تئوری آرمانگرا هستیم؛ اما در عرصه عملی و اجرا شاید ناخواسته آرمانگرا بودهایم. به جای تلاش برای تغییر دادن شرایط، امیدوار بودن و خوشبین بودن به احیا و تربیت انسانهای جدید، به واقعگرایی محافظهکارانه و تلاش برای حفظ شرایط موجود و اصرار بر حفظ همین الگوها و اسوه های موجود، روی آوردهایم و به جای اصالت دادن به گوهر و معیارهای الگو بودن

۱- علی صفائی حائری، رشد، ص ۱۸.

اسوه ها و پرداختن به شخصیت آنها، به اصالت دادن به ذات و شخصها مشغول شدهایم. با ادامه دادن این مسیر، همچنان در مقام عمل و در توسعه و ثبات در عرصه تربیتی دینی، ناموفق خواهیم ماند.

هر چند ارزش گزاردن به ذاتها و انسانهای وارسته، امری ارزشمند و ضروری است؛ اما در کنار آن باید با توجه به نظام تربیتی اسلام، ملاک و معیار را گوهرهای کسبشده در این شخصیتها و اسوه ها دانست و برای تربیت و پرورش این ارزشها در نسل جدید سرمایهگذاری کرد. پس در قسم ماهیت، به ضرورت احترام به ذات و اصالت دادن به گوهر و ارزشهای آن اسوه معتقدیم و در جهتگیری در اجرای نظام تربیتی، به آرمانگرایی و خوشبین بودن به احیا و تربیت انسانهای جدید ارزش میدهیم.

نتیجه عملی و ملموس این بحث در عصر حاضر، در اسوه ها و الگوهای زمان ظهور (حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و یاران و کارگزاران ایشان) و در ایام انتظار (در منتظران حقیقی و عالمان و مربیان برجسته جامعه) مطرح میشود.

در این نگرش فلسفی در عرصه تربیتی مهدویت، اگر فقط به ذکر مشخصات، ویژگیها، برنامه ها و فعالیتهای حضرت، یاران و کارگزاران ایشان، منتظران حقیقی و علمای مشهور بسنده کنیم و اصالت ذات را در پیش گیریم، به بیراهه رفتهایم. شایسته است با احترام به ذات و شخص حضرت، یاران، کارگزاران و منتظران حقیقی، به اصالت گوهر وجودِ ایشان بپردازیم و افزون بر کشف این اسوه های متعالی، به منظور الگوگیری عملی و نه فقط توصیفی، و خلق و پرورش یاران و منتظران حقیقی و علما و مربیان شایسته در ایام انتظار، و بهرهگیری از روش حکومتی و سیره تربیتی حضرت و بهرهمند شدن از صفات و فعالیتهای یاران و کارگزاران در ایام ظهور، چارهای اندیشیده و در راه پژوهش و ایجاد تحول و پرورش اسوه های جدید در خانواده و جامعه گامهای مثبتی برداریم.

فصل ششم: موانع بروز آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت و راههای مقابله با آن

اشاره

در این فصل برآنیم که در حدّ توان به این پرسشها پاسخ دهیم؛ چرا با وجود آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت که در بحث نظری، اثباتشدنی است، ولی در عرصه عمل و عرصه تاریخی - تربیتی تنها تا حدودی بروز و ظهور یافته است؟! چرا همپای نظرهای قوی و عمیقِ بخش نظری، شاهد آثار و شواهد عملی کافی و وافی در این عرصه نبودهایم؟!

چرا با توجه به آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت که در منابع دینی و تمدن اسلامی دارای جایگاه ویژهای است، از آن در حوزه انسانشناسی و جامعهشناسی، انسانسازی و جامعهسازی استفاده لازم نمیشود؟ چرا از آموزهای که تعیینکننده وظایف مؤمنان و هدایتگر آنان و تعیینکننده حرکت جوامع - چه قبل از ظهور و چه پس از ظهور - است، برای رسیدن به جامعه ایدهآل با انسانهای متعالی، بهره کافی گرفته نمیشود؟! چرا فرهنگ مهدوی و آثار این اعتقاد، در بنیانهای اصلی زندگی شیعیان، مهجور و متروک مانده است؟!

روشن است که هر فرهنگ و مجموعه معرفتی - تربیتی، ممکن است دچار آفتهایی شود که مانع رشد و کمال و بالندگی آن فرهنگ گردد. فرهنگ دینی و به تبع آن فرهنگ مهدوی نیز گاهی به آسیبهایی دچار میشود که حرکت رو به کمال آن را کُند میکند و بحث آسیبشناسی، عهدهدار شناختن این آفتها و شیوه مقابله با آنهاست.

مناسب است در انتها با آسیبشناسی و بررسی موانع بروز آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت، ضمن آشنایی با موانع، به راه های مقابله با آن بیندیشیم.

گفتار اول: آشنایی با موانع و آسیب ها

الف) آسیب شناسی در مباحث کلان

فقدان نظام تربیتی مهدوی: با وجود آیات تربیتی پربار و روایات عمیق و اثرگذار، نتوانستهایم آنها را در قالب یک نظام تربیتی برای استفاده در جامعه و متناسب با جوانان، خانواده ها، مدارس، رسانه ها و... عرضه کنیم. البته مراد ما از نظام تربیتی، چینش چند آیه و روایت در کنار هم نیست؛ بلکه این کار، بسان کاوش در معارف انباشته از سنگ و آهن است که جز با تلاشهای بیوقفه متخصصان علوم تربیت دینی و مهدوی، و تحمل سختیها و جستوجوی عمیق و ریشهای، و ایجاد رابطه مناسب میان اصلاح و فضیلت و تربیت با سیاست، اقتصاد، خانواده، مدارس، رسانه ها و...، امکانپذیر نیست. (۱)

ناهماهنگی مباحث تربیت دینی و مهدوی با نظامهای اداری، اقتصادی، رسانهای...، و کوتاهی متخصصان و عالمان دینی در تدوین یک نظام تربیتی جامع و هماهنگ مهدوی، از ضعفهای آشکار در این عرصه است. هر چند بسیار کتاب نوشته و گفتمان و همایش ترتیب دادهایم، گاه موازیکاریها، سطحی بودن کارها، پرداختن به توصیفها به جای تبیینها، نبود همراهی و اتحاد متخصصان و نویسندگان در این وادی برای عرضه نظام جامع و هماهنگ تربیتی، مانع از آن شده است که نظام تربیتی مهدوی برای استفاده در مباحث مورد نیاز فرد و جامعه، شکل بگیرد.

نبود نظریهپردازی در مباحث تربیتی مهدوی: در طول تاریخ شیعه، از بحث مهدویت، برای نظریهپردازی در موضوع حکومت و دولت و شرایط حاکمان در عصر غیبت، آن هم با توجه به آنکه قسمی از مباحث فقهی بوده، استفاده شده است و فقها و علمای اسلام، موضوع مهدویت را به عنوان یک اصل، موضوع بحث و گفتوگو قرار دادهاند؛ اما متأسفانه این توجه به فرهنگ مهدویت، منحصر در همین حوزه حکومت در عصر غیبت بوده و در دیگر حوزه ها کمتر به آن توجه شده است. این در حالی است که از موضوع مهدویت نه تنها در عرصه حکومت؛ بلکه به عنوان اصل تربیتی و سازنده در عرصه های علوم

۱- گامی به سوی نظریه پردازی در تعلیم و تربیت اسلامی، ص ۱۴.

اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... میتوان استفاده کرد و آن را در نحوه مدیریت جامعه، اقتصاد و فقرزدایی، رفتار و مناسبات اجتماعی، قانونمندسازی و قانونپذیری جامعه، انسانشناسی و انسانسازی، جامعهشناسی و جامعهسازی به کار گرفت.

در عقیده و باور اسلامی، انتظار و عقیده به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و ظهور او، سامانبخش همه این عرصه هاست. از اینرو، مهدویت به مثابه قلب اندیشه اسلامی، باید در تمام شئون زندگی حاکم و جهتبخش باشد، نه اینکه توجه به مهدویت و آثار تربیتی آن، در حاشیه نظریه پردازیها قرار گیرد و به عنوان یک امر تاریخی و گاه اسطورهای تلقی شود. (۱)

ب) آسیبشناسی در مفاهیم کلیدی

یکی از آفتها در فرهنگ دینی و فرهنگ مهدوی ما، نداشتن دیدی جامع به مباحث دینی و مهدوی و برخورد افراطی و تفریطی با آن است. هنگامی که انسان با دیدگاهی تکبعدی به سراغ فهم دین برود، افزون بر افراط و تفریطها، مرتکب تأویل و تفسیرهای نابجا و تحلیل نادرست از روایات و بیان ناقص مفاهیم میشود. (۲)

انحراف از مفاهیم کلیدی و اصیل مهدویت؛ مانند غیبت و انتظار، موجب شکلگیری انتظار مخرب و سهلانگاری در انجام وظیفه میشود و جامعه را به سمت بیتحرکی و نداشتن پویایی، نداشتن انگیزه برای زمینهسازی قیام حضرت و کسب آمادگی، انزواطلبی و پوچی میکشاند. (۳) ترسیم چهره خشن از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و تمرکز افراطی بر قیام ایشان، بدون پرداختن به جنبه های فرهنگی و تربیتی اقدامات ایشان، نگرش سطحی و خرافی به مهدویت، تعیین وقت ظهور و تطبیق نادرست نشانه های ظهور بر مصادیق، داغ کردن بحث ملاقات با حضرت و گسترش ملاقاتگرایی و مدعیان دروغین و مریدپروری (۴) و...، همه و همه ناشی از نگاه تکبعدی به مهدویت و انحراف مفاهیم قیام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از

۱- دکترین مهدویت، ص ۶۳ و۶۴؛ تاریخ ما بعد الظهور، ص ۹۴.

۲- نگاهی تحلیلی به زندگانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۳۴.

۳- انتظار، بایدها و نبایدها، پیش گفتار.

۴- نگین آفرینش، ص ۲۳۱.

جایگاه اصیل و باارزش آن است.

ج) آسیبشناسی در سطح خواص و مربیان جامعه

دو عامل اساسی که ما را از حیات سازنده در عرصه تربیتی مهدوی بازداشته، غفلت و تغافل و یا نبود شناخت صحیح است؛ عدهای شناخت دارند و به هر علتی غافلند و یا خود را به تغافل زدهاند و باید راهکارهای تربیتی را برای حل مشکل آنان یافت، عدهای شناخت ندارند و از معرفت و امور تربیتی مهدوی بیبهره و به مادیات و اسباب مادی دل بسته و شاید از زندگی هم خستهاند؛ مسلم است که اگر این افراد به شناخت صحیح برسند و بفهمند که راه نجات آنان در اصلاح رابطهشان با خدا، خود و دیگران است و در پی امید و حرکت و خودسازی برآیند، از آثار تربیتی مهدوی بهرهمند خواهند شد.

اما این وظیفه تربیت این دو گروه، بر عهده کیست؟ روشن است که بر عهده سیاستگزاران تربیتی، عالمان و مربیان جامعه است؛ اما متأسفانه آسیبهایی در قشر مربی و سیاستگذار ما مانع از ظهور و بروز آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت در متربیان میشود، از جمله این موارد عبارتند از:

نبود برنامهریزی و بیان مناسب: نبود برنامهریزی و به کار نگرفتن تدبیر و نیازسنجی و شناخت صحیح از متربیان، از جمله ضعفهای سیاستگذاران و عالمان عرصه تربیتی جامعه است. در چند سال گذشته، توجه مردم به باور مهدوی و فرهنگ انتظار چندین برابر شده و به ویژه جوانان، اشتیاق فراوانی برای شناخت بیشتر این موضوع ابراز میکنند و البته تلاش و دغدغه متولیان تربیتی نیز در این شوق، مؤثر بوده است؛ ولی جامعه ما از آثار مستند، بیان مستدل و متقن که با زبان روز و متناسب با استعداد و توانایی مخاطبان مختلف، بتواند موضوع مهدویت را تشریح و تبیین کند، محروم است. (۱)

تغییر هدف و رویکرد: تغییر هدف و رویکرد برخی سیاستگذاران و عالمان تربیتی در اِعمال وظایف، از جمله آسیبهای این گروه است. زمانی که هدف مربیان جامعه از انتقال علم و معرفت، سخنرانی، گفتمان، نوشتن کتاب، تبلیغ و موعظه و...، در مقوله های مادی

۱- انتظار، باید و نبایدها، پیش گفتار.

خلاصه شود یا مقوله های مادی پررنگتر گردد و عملشان خالصانه و صادقانه به مخاطب عرضه نشود، مسلماً از عمق و بهرهوری لازم برخوردار نخواهد بود. (۱)

مربیان بیعمل: حضور مبلغان و ناصحان و عالمان و در یک کلام، مربیان بیعمل و بدون ظهور آثار تربیتی، موجب بیاعتمادی و سرگردانی متربیان عرصه مهدوی میشود. زمانی که مربی عرصه مهدوی از خلق خوب و رفتار حسنه و همراهی و همدلی با متربی بیبهره باشد، دلیلی برای اثرگذاری او و انتقال معارف مهدوی و آثار تربیتی عقیده به مهدویت باقی نمیماند.

نکته قابل ذکر آن است که در این عرصه تربیتی، اندیشمندان حوزوی و روحانیان، بیش از همه دچار قصور و تقصیر بودهاند. ذکر این نکته ضروری است که مقصود از بیان این مطالب، خدای ناکرده تخریب طلاب و روحانیان نیست که اگر چنین باشد، این کار از هدف این اثر و هدف نگارنده به دور خواهد بود.

ما دانشجویان و طلاب علوم دینی اگر در راه هدایت و تربیت افراد جامعه و ترویج عقیده به مهدویت و عملی کردن آثار تربیتی آن، کاری انجام دادهایم، مسلم آن است که در انتظار تشکر و قدردانی فرد یا جامعه نیستیم؛ چرا که ما از داعیهداران تربیت و هدایت جامعه بر اساس سنت نبوی و اهداف مهدوی هستیم و این اعمال جزء وظایف ماست و اگر به هر دلیلی در این امر کوتاهی کردهایم، لازم است ابتدا برای اصلاح و تربیت خود، و سپس اصلاح و تربیت صحیح دیگران چارهای بیندیشیم.

د) آسیب شناسی در حوزه اجتماعی

خداوند و فرهنگ مهدوی، در کنار زندگی، نه در زندگی: از دیدگاه جامعهشناسان دین، عمدتاً مردم دیندار هستند و در کنار فعالیتهای زندگی، به رفتارهای دینی پرداخته، به مجموعهای از باورها از جمله مهدویت ایمان دارند. این در حالی است که اکثر انسانهای پیش از ظهور و جامعه آنان، دارای دینداری و مهدیباوری ژرف نیستند و خدا و فرهنگ مهدوی در کنار زندگی آنان جریان دارد، نه در زندگی آنان.

۱- گامی به سوی نظریه پردازی در تعلیم و تربیت اسلامی، ص ۹۰.

از آنجـا که یکی از مؤلفه های بزرگ و آثار تربیتی در جامعه مهـدوی، اصـلاح رابطه انسان با خـدا و حضور خداونـد در همه شئون زندگی انسان است، اینگونه دینداری، مانع از بروز و ظهور اثر تربیتی مهدوی خواهد شد. (۱)

عملکرد دشمنان مهدویت: هدف دشمنان مهدوی، تضعیف اثرگذاری فرهنگ و تربیت مهدوی در افراد جامعه است. مهمترین اقدامات دشـمن در این راستا، بیاعتنا کردن مردم به ارزشها و باورهای مهدوی، ایجاد تزلزل و شک در مورد حضور حضرت و زنده بودن و ارتباط با ایشان، و بیاعتماد ساختن جامعه به مربیان و مبلغان فرهنگ مهدوی است.

در این مرحله، نقش تبلیغـات و برنامه های دشـمنان برای ضـعیف کردن باورهای دینی ما، به ویژه عقیـده به مهـدویت – که به آثار مهم آن پی بردهانـد – روشن است؛ اما برنامه های تبلیغاتی و رسانهای، نظام آموزش ما در مدارس و دانشـگاه ها و حوزه هـا، مربیـان و مبلغـان مـا، کتابهـا و مجلاتمـان، مجـالس وعـظ و سـخنرانی و گفتمانها و...، در راسـتای خنثی کردن برنامه های دشمنان و رشد هر چه بیشتر آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت چیست؟!

بینش نـامطلوب به تاریـخ زنـدگی اهلبیت علیهم السـلام و حضـرت مهـدی عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف در جامعه: تأمل در احوال گذشـتگان و بررسـی احوال نامآوران و اسوه های گذشته، به عنوان تجربه های زنده، برای آشنایی، معرفت، وسعت دید و عمل ما میتواند بسـیار مفید باشد. (۲) تاریـخ، تجربه های گذشـته را به تجربه کنونی ما میافزاید و از راه زنده نگه داشـتن یاد نیکهـا و نیکیها، زنـدگی ما را پرمایهتر میکنـد؛ (۳) اما به راستی، عرضه تاریـخ اهلبیت علیهم السـلام و به ویژه تاریـخ زنـدگی حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف، در رسانه و محیطهای آموزشـی ما چگونه است؟ تاریخ زندگی حضرت مهدی عجـل الله تعـالی فرجـه الشـریف و مهـدیباوران، منتظران حقیقی حضـرت در دوران گذشـته، افرادی مثـل علیبنمهزیارهـا، شـیخ مفیـدها، مقـدس اردبیلیها... در نگاه رسانهای و آموزشـی ما چقـدر عمق مییابـد؟ در کتابها و مجلات ما چگونه به آن پرداخته میشود و آیا برای نسل امروز، کاربردی و قابل درک و عملپذیر میگردد؟

۱- دکترین مهدویت، ص ۸۴ و ۸۵.

۲- عبد الحسین زرین کوب، تاریخ در ترازو، ص ۱۲.

۳- همان، ص ۱۸.

معلمان و مدرسان تاریخ، مربیان تربیتی در مدارس، اساتید تاریخ در دانشگاه ها و حوزه ها، خود چگونه به تاریخ زندگی حضرت و مهدیباوران و منتظران مینگرند و با چه بینشی آن را به مخاطب خود میآموزند؟

باید بپذیریم که در این زمینه بسیار کمبود داریم و نگاه و بینش اساتید، معلمان، مربیان، اهل رسانه و مطبوعات به تاریخ زندگی حضرت، تاریخ زندگی یاوران و منتظران حضرت و مهدیباوران و مهدییاوران، در حیطه آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت نبوده است. ادعا نمی کنیم اطلاعرسانی نشده است؛ بلکه اشکال اینجاست که ذهنها مملو از اطلاعات و آموزه های تاریخی هستند، ولی بینش و فهم عمیق و قلب و روحی تأثیرپذیرفته و آماده عمل بر اساس آموزه های تاریخی حاصل نشده است.

پرداخت غیرتربیتی رسانه ها به موضوع: منظور از رویکرد تربیتی رسانه به بحث مهدویت و آثار تربیتی عقیده به آن، گفتمان و میزگرد و طرح مباحث علمی و تاریخی از زندگی حضرت و دوستداران حقیقی او نیست، هر چند این موارد لازم است؛ اما کافی نیست. نمیتوان از یک شبکه، مردم را با آثار تربیتی جامعه مهدوی آشنا کرد و در همان شبکه یا شبکه دیگر، بدون توجه به این عقیده و آثار آن، برنامه ارائه داد!

هنر رسانهای زمانی جلوهگر میشود که بتواند مسائل روز، خانوادگی، اجتماعی و تأکید باورهای دینی و مهدیباوری را در قالب سریالها، برنامه های شاد و جذاب، همراه با ایده های نو و خلاقانه، و به دور از شعارگرایی و برخورد تصنعی ارائه دهد و با هنر رسانهای خود، مروج و مربی تربیتی باشد.

نبود معرفت در نهاد خانواده: خانواده به عنوان مهمترین و کوچکترین نهاد اجتماعی - تربیتی، بدون معرفت و آگاهی لازم درباره عقیده به مهدویت، بدون آشنایی کافی با مراکز پاسخگویی به سؤالات و شبهات در بحث مهدویت، وجود تعصب و تقلید از گذشتگان و بزرگان در موضوعات و باورهای دینی، فقدان بصیرت لازم به مهدیباوری و مهدییاوری، نبود انتظار مثبت و سازنده در خانواده ها، بدون تلاش پدر و مادر برای کسب آمادگی و خودسازی، و بیتوجهی به زمانهای خاص برای یاد حضرت و...، چگونه می تواند فرزندان خود را به صورت منتظر حقیقی تربیت کند؟!

تبلیغ غیرسازنده درباره موضوع محبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف: در بحث انتظار و ارکان تربیتی آن، یکی از محورها، بحث عاطفی (محبت و شوق) به حضرت بود؛ ولی متأسفانه یکی از آسیبهای جامعه ما در برنامه های تبلیغی، مداحیها، سخنرانیها، خانواده ها و...، توجه زیاد به عشق و محبت حضرت و بیان احساسات در این موضوع است، بدون آنکه در این زمینه، محبت حقیقی و لوازم آن تبیین گردد. پررنگ شدن بحث محبت و کمرنگ بودن مباحث امید، کسب آمادگی و تلاش برای اصلاح و خودسازی، موجب میشود که منتظران، ناخودآگاه در مقوله عمل و مباحث رفتاری و جنبشی و... سست شوند.

توجه به آسیبشناسی در حوزه فردی: مواردی چون جهل، کجفهمی، سادهلوحی و سادهپنداری، روی آوردن به خرافات در بحث مهدویت، جمود و تعصب یا رفتارهای فقط احساسی، نقصان در بینش و بصیرت عقیده به مهدویت، افراطها و تفریطها در مباحث مرتبط با مهدویت، گناه کردن و داشتن صفات رذیله و در نتیجه پیروی از هوا و هوس، بی توجهی به اعتقادات به علت نداشتن تعقّل و...، از جمله آسیبهای فردی و موانع بروز و ظهور آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت است.

گفتار دوم: مقابله با موانع و آسیب ها

حوزه فردی

- منتظر حقیقی باید با سرکوب رذایل و تلاش برای تهذیب نفس، زمینه را برای تربیت خود و اقدامات تربیتی مربیان در عرصه تبلور آثار تربیتی عقیده به مهدویت فراهم کند.

- معرفت و شناخت خود را به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و فرهنگ مهدوی و فرهنگ انتظار، اوامر و نواهی حضرت، سیرت اخلاقی حضرت، اهداف و برنامه های ایشان، سیرت و ویژگیهای منتظران حقیقی و نیز تلاش خود را برای الگوپذیری از آنان و کسب رضایت امام از طریق اطاعت افزایش دهد.

- به مطالعه کتاب در این زمینه بپردازد و در جلسات معارف مهدوی شرکت کند.

- با علمای وارسته و فرهیخته، ارتباط علمی - معرفتی - تربیتی داشته باشد.

- به معارف اصیل و مفاهیم صحیح مهدوی توجه کند و از خرافات، احساسات، ادعاهای

دروغین و سادهلوحی و... دوری گزینند.

حوزه اجتماعی

- خانواده به عنوان مهمترین نهاد اجتماعی، باید بر اساس اعتقاد به مهدویت، به اصلاح ساختار تربیتی خود بپردازد.

- باید تلاش همهجانبهای برای همهگیر شدن عقیده به مهدویت در جامعه و تقویت آثار و جلوه های تربیتی آن، صورت گیرد؛ به طوری که فرهنگ مهدوی در کنار فرهنگ حسینی، به عنوان بهترین عوامل سازندگی و شادابی دین، عرضه اندام کند.

- تلاش همهجانبه نهادهای تربیتی جامعه، برای خنثی کردن اقدامات دشمنان مهدوی صورت گیرد.

- مسئولان و سیاستگذاران عرصه تربیتی، به ارائه آثار مستند، مستدل و متقن که با زبان روز و متناسب با نیازهای مخاطبان باشد، بپردازند و با عزمی راسخ و ارائه کارهای هنری و جذاب؛ اعم از تصویری، متنی، گفتمانی و... به تشریح و تبیین عقیده به مهدویت پرداخته، برای تحقق آثار تربیتی آن در جامعه تلاش کنند.

برنامهریزی و تدبیر بر اساس نیازهای نسل جوان در این زمینه، امر مهمی است. نهادهایی؛ مثل سازمان تبلیغات اسلامی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دفتر تبلیغات، وزارت آموزش و پرورش، صدا و سیما، حوزه ها و دانشگاه ها، در نهادینه کردن فرهنگ صحیح مهدوی میتوانند مؤثر باشند.

عرصه مربیان جامعه

- روشنگری علما و اندیشمندان و متفکران حوزه مهدویپژوهی و دادن اطلاعات صحیح در باب مهدویت و پیشقدم بودن آنان در مبارزه با آسیبهای ذکر شده، از جمله درمانهای مؤثر خواهد بود.

- معرفی شخصیت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و نگاه تاریخی آموزنده به آن، بررسی و تحلیل احادیث مهدوی، تبیین انتظار سازنده و وظایف منتظران، آگاهی دادن درباره خطرها و آسیبها، و تبیین برنامه های حضرت در دوران ظهور برای تقویت روحیه امید، تحرک و خودسازی در نسل منتظر و... از جانب علما و مربیان جامعه نقش بسزایی خواهد داشت.

– آشنایی مربیان عرصه فرهنگ مهدوی با علم جامعهشناسی و روانشناسی و نحوه برخورد با منتظران جوان و همدلی و همراهی آنان و رفتار حسنه با آنان، از عوامل مثبت تأثیرگذاری خواهد بود.

– مهمتر از همه، عمل عالمان و تربیتیافتگی مربیان بر اساس آموزه های مهدوی، در جلب اعتمادسازی مخاطب نقش مهمی دارد.

– توجه نواب عام به ادای تکلیف و وظیفه در این زمینه و عنایت به اینکه نیابت، پذیرفتن همه تکالیف اسلامی؛ اعم از مالی، اجتماعی، رهبری و تربیتی است و نیابت، از مقوله اقدام و عمل است، نه موعظه و حرف؛ نیابت، میدانداری در برابر دشمن است، نه انزوا گزینی.

روشن است که اگر در رأس همه مربیان جامعه، عالمان ربّانی حوزه و طلاب، از مهدییاوران و منتظران حقیقی حضرت باشند، کلام آنان نافذ خواهد بود و بقیه مربیان هم با پیروی از آنان و سپس متربیان با الگوگیری از مربیان خود، در عرصه تأثیرپذیری از عقیده و آموزه های مهدوی موفق خواهند بود.

گفتار سوم: راهکارهایی برای الگوسازی صحیح در موضوع تربیت مهدوی

معمولاً هر اعتقاد بنیادین در عرصه علمی و دینی، باید توانایی تحلیل و تفسیر مجموعهای از مسائل را داشته باشد و برای بهبود و رشد وضعیت فرد و جامعه، راهکارهایی راهبردی پیشنهاد دهد. حال پرسش این است که آیا اعتقاد به مهدویت، به عنوان یک نظریه اعتقادی میتواند راهکارهای راهبردی را به انسان و جامعه عرضه کند؟ در بررسی این اثر روشن شد که اعتقاد به مهدویت، قابلیت هدایت، تربیت، ایجاد رشد و بهبود را برای انسان و جامعه در دوره قبل از ظهور و بعد از ظهور داراست؛ آثار و کارکردهای تربیتی آن در موضوعات انسانشناسی و انسانسازی، جامعهسازی در دوره های قبل از غیبت، غیبت صغری، غیبت کبری و دوران انتظار و عصر ظهور و پس از آن، دالّ بر این مطلب است.

اکنون که این عقیده به عنوان یک نظریه اعتقادی، میتواند در انسان و جامعه اثرگذار

باشـد و بـا راهکارهـای خـود، در مسیر رشـد و تقـویت آنـان قـدم بردارد، بایـد برای تعمیق و تثبیت این اعتقـاد مؤثر تربیـتی، راهکارهایی بیندیشیم. از این رو، به بررسی راهکارهای ترویج و تثبیت این باور تربیتی میپردازیم:

برای رسیدن به این مقصود، ابتـدا لازم است با عزمی راسـخ، به اصـلاح ساختار تربیت دینی و تربیت مهـدوی در جامعه خود بپردازیم و برای تعمیق تربیت مهدوی، اقدامات لازم را انجام دهیم.

- نخستین راهکـار، بررسـی علمی و تـدوین نظام تربیتی اسـلام و سـپس تـدوین نظام تربیت مهـدوی است؛ البته نظامی جامع و کارآمد. باید با نظریهپردازی، گفتمان، نقد و نظر، نکتهسنجیها و اظهارنظرهای ژرف درباره این آموزه اعتقادی، به قوت علمی این موضوع بینالادیانی کمک کرد؛ تا آنجا که آن را همچون مباحث علمی چون هرمنوتیک، پلوراليسم، سنت و مدرنيسم و... به عرصه گفتوگو و نظریهپردازی کشانده، زوایای گوناگون آن را بررسی کنیم؛ یعنی بحث مهدویت را از عرصه های سنتی و مهجور به عرصه های پژوهشـی - علمی و در متن زنـدگی وارد، و کمک کنیم که باور مهدویت در زندگی انسانها اثر گذارد و آنان را با امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و مربی زمانشان مرتبط سازد.

بایـد همچون اندیشه سوسیالیسـم یا لیبرالیسم که در بره های، چنان بر فرهنگ جهان اثر گذارد که بیشتر عناصـر فرهنگی؛ اعم از رمانها، فیلمها، نمایشـنامه ها، آثار هنری، اقتصاد، سیاست، تولید، روابط بینالملل، فلسـفه، مبارزه سیاسـی، انقلاب و بسـیاری دیگر از زمینه هـای فرهنگی - تربیتی، با این تفکرها آمیخته شـد، (۱) ما نیز با تلاش مـدبرانه در این عرصه، به دور از سـخنان سطحی و کلیشـهای و به دور از فرض تربیت مهـدوی و اعتقـاد به مهـدویت به عنوان امری فرعی و حاشـیهای، با زبانی عمیق و گویا، رفتار و گفتار و کردار انسانها و جامعه را نه در موضوع مهدویت و باور آن، بلکه بر اساس آن و در راسـتای آثار تربیتی آن سامان دهیم.

- گام دوم، اصلاح نگرش فلسفی جامعه به مقوله تأثیرگذاری تربیتی عقیده به مهدویت

۱- دکترین مهدویت، ص ۱۴۵ و ۱۴۶.

است. سزاوار است با توجه به مطالب بیانشده در گذشته، در عین احترام به ذات و شخص حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و ابراز عشق و محبت به این بزرگوار، و افزون بر پرداختن به تعاریف و توصیفات، به گوهر وجودی ایشان اصالت دهیم و آمادگی و زمینه تغییر و تحول رفتاری و کرداری منتظران را برای کسب گوهر ارزنده و ویژگیهای آن موعود منتظر، فراهم آوریم و در جهت الگوگیری از آن شخصیت، ویژگیها، برنامه های تربیتی ایشان، شخصیت و ویژگیهای مهدییاوران و مهدیباوران حقیقی در گذشته و حال اقدام کنیم.

- راهکار سوم، برگزاری همایش و کنفرانس مفید درباره نظریهپردازی در عرصه تعلیم و تربیت اسلامی و ساخت و تدوین نظام تربیتی اسلامی معاصر و تدوین نظام تربیتی مهدوی است. سزاوار است با علم روششناسی، به روششناسی تربیت دینی و تربیت مهدوی بپردازیم. ضرورت پرداختن به فلسفه تربیت مهدوی ایجاب میکند که درباره اهداف کلی و جزئی تربیت مهدوی، بایدها و نبایدهای مباحث تربیتی امروز، اولویتهای تحقیق تربیتی در این عرصه، و مبانی و اصول تربیت مهدوی، بحث و تبادل نظر شود. ضمن آنکه علوم تربیتی و مباحث روانشناسی و جامعهشناسی و به کارگیری این علوم در این زمینه، بر پایه یافته های قرآنی و روایی بسیار مفید خواهد بود.

در این صورت، شایسته است نخبگان فکری و تربیتی جامعه، با شکلگیری نظام تربیتی مهدوی و استفاده از معلومات به دست آمده، پس از عمل به راهکار سوم و تغییر نگرش فلسفی خود به تربیت، با جهتدهی آرمانگرایانه، جامعه و فرد را به سوی اصلاح و هدایت و تربیت مهدوی هدایت کنند و در شکلگیری و رشد مهدیباوران و مهدییاوران جدید سهیم باشند.

هر چند در عمل به راهکار سوم، شاهد برگزاری همایشها و نشستهایی قابل هستیم؛ اما به راستی خروجی این برنامه ها تا چه اندازه در رشد نظام تربیت مهدوی و عملیاتی شدن آن مؤثر بوده است؟!

- درباره زندگی ائمه علیهم السلام تلاش علمی و در خور توجهی صورت نگرفته است. از این رو، شایسته است در راهکار چهارم، آنچنان که در تاریخ زندگی افرادی مثل ارسطو، افلاطون و... و در تحلیل و تبیین زوایای مختلف اندیشهای و بینشی آنان تلاش شده است، در

تاریخ زندگی امامان و از جمله امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز کار شود و در جهت شناسایی افکار، خواسته ها و آرمانهای ائمه علیهم السلام اقدامی مطلوب صورت گیرد.

از این رو، پیشنهاد میشود که به دور از کلینویسی و سادهانگاری، بلکه به صورت تخصصی، شخصیت هر یک از پیشوایان، به ویژه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، با توجه به دوران زندگیشان و دوره حال، تحلیل عقلانی - اجتماعی شود. در ادامه، برای ترویج فرهنگ رفتاری و کرداری و تربیتی هر یک از آنان، کرسیهای جداگانه در مورد اندیشه ها و بینشهایشان، در حوزه و دانشگاه شکل گیرد؛ از جمله برای تعمیق و ترویج فرهنگ مهدوی، ایجاد کرسی مهدیشناسی در حوزه و دانشگاه ضروری به نظر میرسد.

همچنان که در حوزه ها در بحث فقهپژوهی، مدتها درباره مباحث فقهی؛ چون آب قلیل، طهارت و... بحث میشود، لازم است برای غنای فرهنگی و تربیتی، اجتهاد نظری و بحثهای گسترده تخصصی درباره مهدویت و آثار تربیتی این باور در حوزه ها و دانشگاه ها صورت گیرد. (۱)

- طبق یک نظریه، رهبری جهان در آینده، از آنِ کشور و اندیشهای است که بهترین تفسیرها را از چگونگی تحولات جهانی در آینده داشته باشد. چنین کشور و اندیشهای، از لحاظ فکری میتواند هدایت و رهبری فرهنگی جوامع دیگر را به عهده داشته باشد. به عبارتی، هر قدرت و اعتقادی که بتواند بهتر از دیگران افکار را هدایت کند، میتواند با قبولاندن جهانبینی خود، رهبری فرهنگی و هدایت افکار را به دست آورد. (۲) از اینرو:

- با توجه به اینکه ایران، کشوری معتقد به مکتب شیعی است؛

- مکتبی که افزون بر ظرفیتها و اندیشه های تربیتی و فرهنگی والا، دارای اندیشه مهدویت است؛

- اعتقاد و اندیشهای جامع که ضمن ارائه راهکارها و برنامه ها و آموزه های تربیتی، تصویری زیبا، شفاف، رغبتانگیز و شوقبرانگیز و حقیقی از آینده انسان، جهان و تحولات

۱- همان، ص ۱۴۷، ۱۴۹ و ۱۵۰.

۲- اصول و روابط بین الملل، ص ۸۸.

و اصلاحات آن ترسیم میکند و در جهت انسان سازی و جامعه سازی میکوشد؛

- ضمن آنکه این اندیشه و اعتقاد، یک اعتقاد مشترک میان ادیان مختلف است؛

بر این اساس، در راهکار پنجم پیشنهاد میشود که با توجه به راهکارهای قبل، با برگزاری گفتمانهای بینالمللی، درباره ویژگیهای جامعه آرمانی، منجی و موعود و رهبری او، نظریات ادیان و مشترکات آنها و تأثیر آن در عرصه تربیتی فرد و جامعه و... تبادل نظر شود و با توجه به ظرفیتهای والای تربیتی موجود در اعتقاد به منجی در شیعه، به طور غیر مستقیم با تثبیت عقلانی آن در جامعه جهانی و قبولاندن این جهانبینی و بینش سازنده و تلاش برای رشد ایمانی افراد، شرایطی را فراهم آوریم که بر اساس این نظریه، رهبری فرهنگی - تربیتی و هدایت افکار جامعه به دست مکتب شیعه باشد.

جای بسی تأسف و تعجب است که نظریه های افرادی چون هانتینگتون، فوکویاما، آلوین تافلر و... در عرصه جهانی مطرح باشد، اما اندیشه و باوری همچون مهدویت و اعتقاد به منجی که موضوع مشترک ادیان و مکاتب است، به عنوان یک نظریه تربیتی جهانی ناشناخته باشد.

نتیجه گیری

هدف نهایی از آفرینش انسان و جهان و فرستادن وحی و برانگیختن انبیا و اولیا، پرورش، تربیت و تکامل انسان است. خداوند برای تحقق این امر، برنامه جامع و کلان تربیتی خود را در قالب یک زنجیره تربیتی، متشکل از حلقه های تربیتی منظم و به هم پیوسته و متناسب با هر زمان و مکان و در راستای یک برنامه بلندمدت تنظیم کرده است.

کوشش تمامی انبیا و هدف آموزه های وحیانی هم، سامان دادن و اجرای برنامه تربیتی الهی برای تربیت انسان بوده است و این امر، مهمترین آرمان ادیان ابراهیمی و غیر ابراهیمی و حتی مکتبهای بشری در طول تاریخ است؛ چرا که همه اندیشمندان با هر نوع تفسیری که از کمال عرضه کنند، به نظر خود، برای نجات و رستگاری انسان اقدام میکنند.

تربیت مهدوی به عنوان آخرین حلقه و مهمترین قسمت از زنجیره تربیتی الهی، تجلی آخرین فرصت ادیان (بقیهالله) و نتیجه نهایی برنامه بلندمدت الهی در نظر گرفته شده است. در واقع، تلاشهای حضرت آدم علیه السلام و صد و بیست و چهار هزار پیغمبر و معصومین علیهم السلام برای تربیت بشر، در حکومت مهدوی به طور کامل به ثمر مینشیند.

با توجه به اهمیت و نقش سازنده تربیت مهدوی، به منظور پرداختن به این مرحله مهم در تربیت بشر، با انتخاب موضوع آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت، وارد عرصه تحقیق شدیم و به دنبال بررسی و تبیین دو نوع مطلب بودیم:

۱. کیفیت تربیت مهدوی و به عبارتی، راهکارها، ساختارها، آموزه ها و برنامه های تربیتی امام غائب و مربی برتر عالم، برای تربیت متربیان و منتظران (همانطور که روشن شد، اعتقاد به وجود و حضور حضرت و اعتقاد به جایگاه ولایت و مربیگری حضرت بر ما،

اعتقاد به برنامه ها و پذیرش راهکارها و آموزه های او را نیز به دنبال دارد).

۲. نتیجه و آثار اعتقاد به وجود، حضور، نظارت و ظهور حضرت و همچنین آثار برنامه ها، راهکارها و آموزه های تربیتی حضرت برای تربیت متربیان و منتظران، و جستوجوی شواهد تاریخی دلالتکننده بر آن.

برای رسیدن به این اهداف، ابتدا معیارهایی در چهار محور برای سنجش آثار تربیتی شناسایی شد. از آنجا که انتظار، جایگاه رفیع و سازندهای در عقیده به مهدویت دارد و به عبارتی، عقیده به مهدویت در دوره های مختلف با انتظار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف معنا و مفهوم مییابد، یکی از ارکان ثابت در چهار محور شاخصهای تربیتی، انتظار است؛ چرا که در این انتظار، منتظِر و متربی به امید آمدن مربی و منتظَر، سرزنده و شاداب است و برای تطهیر و پاکی درون خویش میکوشد تا میان روح او و مربیاش سنخیت ایجاد شود. او با امید به آینده مطلوب، شادابی درونی دارد و احساس ناامیدی را به خود راه نمیدهد. این انتظار، برای او که امیدوارانه و عاشقانه انتظار مولای خود را میکشد، تهذیب نفس و خودسازی و تلاش برای قیام و اصلاح جامعه را به دنبال دارد.

انتظار مهدوی، آثار انسانسازی و جامعهسازی دارد و از این روست که در روایات، بهترین عمل معرفی شده است.

بر این اساس، آثار عقیده به مهدویت با رکنی سازنده و اثرگذار چون انتظار، در چهار محور: شناختی (انتظار، معرفت و نگرش امیدوارانه)، عاطفی (انتظار، محبت و شوق)، رفتاری (انتظار، آمادگی و خودسازی) و جنبشی (انتظار، قیام و اصلاح) تجلی مییابد. برای بروز و ظهور آثار تربیتی عقیده به مهدویت بر اساس شاخصه های تربیتی در هر محور، صبوری و عدالتخواهی و تلاش برای تعادل ضروری است. بدین ترتیب، برای بررسی آثار بر اساس این شاخصه ها، مباحث در دو مرحله قبل از ظهور و بعد از ظهور سامان گرفت. دوران قبل از ظهور، در سه دوره قبل از غیبت، غیبت صغری و غیبت کبری، در سه فصل، گام به گام بحث تربیت مهدوی را شفاف میسازد و با تبیین راهکارها و آثار تربیتی در هر دوره به طور جداگانه، برنامه تدریجی بلندمدت و به هم پیوسته تربیت مهدوی را تشریح میکند. این برنامه در حقیقت، بر دو محور رشد و تربیت عقلانی و ایمانی استوار است.

بـا توجه به نقش اثرگـذار و پر اهمیت تربیت مهـدوی که مقصود نهـایی برنـامه تربیت الهی و نتیجه کامـل اقـدامات انبیا و اولیا علیهم السـلام است، این برنـامه برای تحقق کامـل و شایسـته، از دوران قبـل از غیبت طراحی شـده است، بهگونهـای که به نظر میرسد نقطه نهایی تربیت بشـر و برترین مربی برای تحقق این امر الهی، حتی قبل از غیبت به مردم هر عصـر، شناسانده شده و از همان ابتدا اقدامات لازم برای ایجاد معرفت به موعود آخرالزمان و اعلام نوید تحقق صـلح و عدالت و تشـکیل مدینه فاضله در زمان او، از طریق بشارتهای الهی و زمینهسازی انبیا و اولیا علیهم السلام برای اعتقاد به او و انتظار برای او، صورت گرفته است. از جمله راهکارها و ساختارهای تربیت مهدوی در دوره قبل از غیبت با توجه به بیان شـرایط و نشانه های دوران غیبت و انتظار و عصـر ظهور، میتوان به موارد ذیـل اشـاره کرد: زمینهسـازی خداونـد و انبیـا جهت بروز و ظهور آثار تربیتی این اعتقاد، سـیره تربیـتی چهـارده معصـوم علیهـم السـلام در آمادهسـازی و جامعهسـازی برای عصـر غیبـت، شـیوه هـای آنـان برای ترویـج و جامعهپذیرسازی فرهنگ مهدویت و نیز تلاش شاگردان ائمه در گسترش فرهنگ مهدوی.

از جمله آثار تربیتی آموزه های مهدوی در این عصر، امیدواری و صبر برای تحول و بهبود شرایط جامعه، ایستادگی و مقاومت شیعیان در برابر خلفای اموی و عباسـی همراه با صبر و تلاش و تکاپو برای تحول از طریق افشاگری و...، شـکلگیری جنبشـهای مردمی بـا روحیه ایثـار و از خودگذشـتگی در راه زمینهسازی برای اصـلاحات مهـدوی، و ظهور مـدعیان مهـدویت است که با آگاهی از اعتقاد مردم به مهـدویت و انتظار و آثار تربیتی مطلوب آن، یا در جهت خیر، ایجاد تحول، اصـلاح، سـرکوبی ظلم و نجات مظلوم قیام می کرده یا برای رسیـدن به اهـداف شخصـی و کسب قدرت از این موضوع بهره می گرفته اند؛ این آثار در همه دوره ها متجلی است. البته شواهد تاریخی این آثار هم در این فصل اشاره شده است.

در گـام بعـدی، با عنوان آثار تربیتی اعتقاد به مهـدویت در دوره غیبت صـغری، اقـدامات تربیتی حضـرت؛ شامل ایجاد ساختار سازمـان رهبری، نهـاد وکـالت، اسـتفاده از راهکارهـایی؛ چون توقیع، مکـاتبه، ملاقات و تثبیت جایگاه علما بررسـی شـد. آثار تربیتی این راهکارها نیز که در راستای تربیت و هدایت افراد و تقویت عقیده به مهدویت است، مورد بررسی قرار

گرفت. امیدواری همراه با صبر، مقاومت، شکلگیری جنبشهای مردمی و ظهور مدعیان مهدویت در این دوره نیز از زمره آثار محسوب میشود. در این فصل، به شواهد تاریخی - تربیتی که بر اساس شاخصه های تربیتی عقیده به مهدویت سنجیده میشوند، پرداخته شده است.

در بحث راهکارها و ساختارهای تربیتی در دوره غیبت کبری، ضمن بیان فایده امام غایب و چگونگی بهرهمندی از برکات او، به راهکارهایی؛ چون هدایت تکوینی و باطنی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، توصیهٔ عمل به سیره و سنت اهلبیت علیهم السلام، توصیهٔ عمل به سخنان و دستورات حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، جایگزینی فقها و علما و نواب عام، وظایف هدایتی و تربیتی آنان، و ملاقات حضرت با برخی علمای خاص و راهنمایی و کمک به برخی عوام اشاره شده است. درباره آثار تربیتی این راهکارها نیز با عنوان فواید اصل غیبت در تربیت افراد، آثار اعتقاد به واسطه فیض بودن حضرت و نظارت دائمی ایشان، آثار احساس وجود و حضور امام، تأثیر غیبت بر پرورش و رشد علما و اقدامات تربیتی آنان در جامعه، آثار تربیتی ملاقاتها با حضرت و... بحث و بررسی شده است.

در مروری بر شواهد تاریخی آثار تربیتی عقیده به مهدویت، به نماد صبر و امید و انتظار مردم کاشان و سبزوار، توجه به اماکن و مراسم و ادعیه منتسب به حضرت و...، شکلگیری جنبشهای مردمی و ظهور مدعیان مهدویت با تکیه بر اعتقاد مردم به مهدویت، آثار این اعتقاد در نعمتاللّهی ها، اهل تصوف و شعرا و نیز نکات تربیتی برخی ملاقاتها اشاره شده است. ضمن آنکه درباره تأثیر این اعتقاد، در حرکتهای رهاییبخش؛ مانند انقلاب اسلامی ایران، دفاع مقدس و حزبالله لبنان، بررسی اجمالی صورت گرفته است. آثار این اعتقاد در رویکرد مردم به اماکن مذهبی و مجالس و تلاش برای گسترش فرهنگ مهدوی، رویکرد شعرا به شعر سرایی در موضوع مهدویت، رویکرد مردم به انتخاب نام مهدی برای فرزندانشان و... نیز مورد توجه بوده است.

بدین ترتیب، روشن میشود که آثار تربیتی برگرفته از عقیده به مهدویت و شواهد تاریخی - تربیتی آن، در گذشته وجود داشته و در حال حاضر نیز وجود دارد و مسلماً در آینده وجود خواهد داشت.

در ذیل عنوان تربیت در عصر ظهور (مرحله پس از ظهور) به راهکارهای تربیتی حضرت اشاره شد؛ از جمله: تشکیل حکومت مبتنی بر اخلاق و تربیت و سامان دادن همه امور اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و... برای رشد و پرورش و تربیت افراد عصر ظهور، استفاده از پرورشیافتگان در مکتب انتظار (همان منتظران حقیقی که در زمره یاران حضرت درآمده اند) و برنامه های خاص تربیتی حضرت برای پرورشنیافتگان مکتب انتظار که این برنامه ها بر محور تربیت عقلانی و تربیت ایمانی است.

سپس با بیان تأثیر این برنامه ها و راهکارها و تربیت افراد پس از ظهور، تصویری از آینده انسان و جهان پس از ظهور ترسیم شد.

در قسمت دیگر با عنوان «آثار تربیتی حاصل از بیان ویژگیها و برنامه های عصر ظهور»، حکمت بیان ویژگیها و برنامه های عضر ظهور برای منتظران و متربیان عصر غیبت را ذکر کردیم و گفتیم که ما معتقدیم: با ایجاد تصویر مطلوب و توضیح روایات مربوط به عصر ظهور و موارد رشد و ترقی آن دوران (در ذهن انسان عدالتجو، صلحطلب، آزادیخواه، دوستدار حاکم عادل، دوستدار آرامش و امنیت اجتماعی و نیازمند همزیستی مسالمتآمیز با دیگران)، افزون بر احساس آرامش، احساس شوق و رغبت برای رسیدن به این دوران، تمایل و شوق او را برای شبیه شدن به یاران خاص، زیاد میکند و انگیزه او را در خودسازی و پاکسازی درونی تقویت میبخشد. ضمن آن که بیان ویژگیها و برنامه های حضرت و سیره حکومتی - تربیتی ایشان، و روش و منش یاران و کارگزاران ایشان، برای عبرتگیری و الگوگیری حاکمان، علما و مربیان امروز جامعه و نیز متربیان و منتظران بسیار مفید است.

بدین ترتیب، روشن شد که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از طریق راهکارها و برنامه های متناسب با هر عصر، چگونه اقدامات تربیتی خود را اعمال میکند. برنامه تربیتی تدریجی و بلند مدت که از دوران قبل از غیبت برنامهریزی شده و زمینهسازی برای تحقق آن از طرف خداوند، انبیا و اولیای او صورت گرفته است؛ سپس شخص حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آن را ادامه میدهد تا مقصود نهایی از آفرینش بشر حاصل شود.

همچنین با توجه به نوع راهکارها و آموزه های تربیتی حضرت، دریافتیم که قابلیت اجرا

و عمل را داراست و وجود برخی شواهد تاریخی - تربیتی قابلیت عمل و اجرایی بودن آن را اثبات میکند.

بـا وجود ظرفیتهای موجود در بحث عقیـده به مهـدویت به واسـطه اثرگـذاری آن در عرصه تربیت بشـر، به خصوص ظرفیتهای خـاص مکتب شـیعه - همچون: اعتقـاد به زنـده بودن و حضور امـام مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف در جامعه، اعتقاد به نظارت دائم ایشان بر احوال و اعمال متربیان و منتظران، اسـتفاده از توصـیه های حضـرت مبنی بر عمل به سـیره و سـنت اهلبیت علیهم السـلام، اسـتفاده از توقیعات و آموزه ها و سـخنان حضـرت، وجود نواب عام و عقیده به تبعیت از آنان و... - تجلی آثار تربیتی این عقیده در زندگی فردی و اجتماعی شـیعیان، بسـیار بیشتر از موارد ذکر شده و شواهد تاریخی، مورد انتظار است؛ به طـوری کـه شایسـته است بیش از این، منتظران حقیقیِ محب، امیـدوار، خودسـاخته و آمـاده در این عرصه پرورش یابنـد و این موضوع در جامعه فراگیر شود.

متأسفانه برخی عوامل، مانع بروز و ظهور کامل آثار تربیتی برگرفته از عقیده به مهدویت در جامعه شیعی شده و لازم است این امر با توجه به آثار و فواید مهم آن، به شـیوهای اصـیل و مطابق رهنمودهای دینی احیا گردد و در فرایند تربیتی جامعه اسـتفاده شود؛ چرا که در واقع، بـا تبلور آثـار تربیتی اعتقـاد به مهـدویت در انسـان، به تلازم آن، رابطه انسـان با خـدا اصـلاح میشود و عبودیت و ایمان تحقق مییابـد؛ در تنظیم رابطه خود با خود، معنویت و عقلانیت و کمال حاصل میشود؛ از طریق اصـلاح روابط خود با دیگران، عدالت، امنیت و الفت پدید میآید و با اصـلاح رابطه انسان با طبیعت، زمینه پیشرفت و توسعه و استفاده مفید از آن محیـا میگردد. در نهـایت، بـا رشـد حاصل شـده در ایمان و تعقل افراد و به عبارتی تربیت ایمانی و عقلانی آنان، جامعهای متشکل از منتظران حقیقی و مهدوی شکل میگیرد.

هدف اصـلی این اثر، شـناساندن چنین رویکردی برای کاربردی کردن مباحث تربیتی مهدوی، جلوهگر ساختن آثار تربیتی آن به جهت روشن سـاختن قـابلیتِ این اعتقـاد برای انسانسـازی و جامعهسازی، ایجاد شوق و رغبت در متربیان برای منتظر حقیقی شدن، تأمل در ظرفیت والای این اعتقاد به عنوان نظریه تربیتی، و از طرف دیگر، بررسی دلایل

بروز و ظهور نیافتن آثار عملی این عقیده، متناسب با شأن علمی نظریه است. در این راستا با ترسیم برنامه بلندمدت تربیتی الهی و تربیتی مهـدوی و تبیین زنجیره منظم و به هم پیوسـته آن از قبـل از غیبت تا پس از ظهور، تلاش شـده است تصویری جامع از عقیده به مهدویت، تربیت مهدوی و آثار تربیتی برآمده از آن ترسیم شود.

این اثر، گامی ابتـدایی در راسـتای تحقق این هـدف است. لذا محققان محترم در آینده می توانند با تمرکز در هر دوره به طور عمیقتر و دقیقتر، راهکارها، آموزه ها و برنامه های تربیت مهدوی را تبیین کنند و شواهد تاریخی بیشتری را با جستوجوی بهتر، برای هر دوره ارائه دهند.

همچنیـن پرداختـن به موضوعـات زیربنـایی این موضـوع نیز جهت عملیـاتی شـدن آن مـؤثر خواهـد بـود. موضوعـاتی از قبیـل: چگونگی نظریهپردازی در تربیت اسـلامی؛ چگونگی نظریهپردازی در تربیت مهـدوی؛ راه های تدوین نظام تربیتی اسـلام؛ راه هـای تـدوین نظـام تربیت مهـدوی؛ چگونگی ترسـیم و تـدوین نظام جامع و کارآمـد تربیت مهـدوی؛ تجلی انـدیشه لیبرالیسم، سوسـیالیسم و... در فرهنگ جهانی و مقایسه آن با تبلور آثار عقیده به مهدویت در فرهنگ جهانی؛ چگونگی اثرگذاری عمیق و نه شعاری مهدویت در عرصه هنر؛ راه های فرهنگسازی تربیت مهدوی در آثار هنری چون نمایشـنامه، رمان و فیلم؛ راه های فرهنگسازی تربیت مهدوی در عرصه اقتصاد، با الگوگیری از اقتصاد در حکومت حضرت؛ راه های فرهنگسازی تربیت مهدوی در عرصه سیاست، بـا الگوگیری از سیاست در حکومت مهـدوی؛ راه های فرهنگسازی تربیت مهـدوی در عرصه مسـئولیت و خـدمت، بـا الگوگیری از کارگزاران و یاران حضـرت در جامعه پس از ظهور؛ راه های فرهنگسازی تربیت مهـدوی در عرصـه برخـورد حاکمـان جـامعه بـا مسـئولان، بـا الگـوگیری از روشـهای برخـورد حضـرت مهـدی عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف با کـارگزاران حکومت؛ چگونگی اصـلاح نگرش فلسـفی به مقوله تربیت؛ چگونگی اصـلاح نگرش فلسـفی به مقوله اثرگـذاری تربیـتی عقیـده به مهـدویت؛ چگـونگی ایجـاد نگرش آرمانگرایـانه برای اصـلاح و تحـول افراد جـامعه بـا بهرهگیری از امیـد و آرمانهای انتظار؛ روششناسی علمی در باب تربیت دینی و تربیت مهدوی؛ مبانی و اصول تربیت مهدوی و اولویتهای آن؛ فلسفه تربیت مهدوی و بایدها و نبایدهای تربیتی؛ چرایی

و ضرورت تشکیل کرسی مهدیشناسی در حوزه ها و دانشگاه ها؛ ضرورت تحلیل عمیق از مباحث تربیتی به موازات مباحث فقهی؛ آسیبهای تمرکز حوزه های علمیه بر مباحث فقهپژوهی و غفلت از غنا دادن به عرصه فرهنگ و تربیت؛ آسیبشناسی کتب نوشته شده در تاریخ زندگی امامان به عنوان مربیان برتر جامعه؛ چگونگی تحلیل عقلانی - اجتماعی و تخصصی از شخصیت ائمه علیهم السلام در علم تاریخ؛ ضرورت و چگونگی پرداخت عمیق به زوایای مختلف اندیشه و بینش و زندگی ائمه علیهم السلام در علم تاریخ؛ چرایی و آسیبهای ناشی از مطرح بودن نظریه های افرادی چون هانتینگتون، تافلر، فوکویاما... در عرصه جهانی و ناشناخته بودن اعتقاد مشترک منجی؛ بررسی و راه های در دست گرفتن رهبری فکری و فرهنگی جهان توسط مکتب تشیع؛ ظرفیت و قدرت موجود در اندیشه مهدویت برای رهبری و هدایت جهان با توجه به ایجاد تصویر روشن و جذاب از آینده انسان و جهان.

امید است از طریق علم و عمل، جزء معتقدان تربیت یافته حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف باشیم.

منابع

فهرست کتب عربی

۱.قرآن کریم، ترجمه: آیهالله مکارم شیرازی.

۲.قمی، عباس، مفاتیح الجنان، انتشارات قدس، قم، ۱۳۸۶.

۳.نهج البلاغه، انتشارات دار الهجره، قم، بیتا.

۴.ابنابیالحدید معتزلی، عبد الحمید، شرح نهج البلاغه، کتابخانه آیهالله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۴ق.

۵.ابنابیالکرم، عزّ الدین ابوالحسن علی (ابنالاثیر)، الکامل فی التاریخ، دار صادر، بیروت، ۱۳۸۵ق.

۶.ابنبابویه قمی، محمدبنعلیبنحسین (شیخ صدوق)، الامالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، بیجا، ۱۳۶۲.

۷.--------------------------------------- ، عیون اخبار الرضا علیه السلام، انتشارات جهان، بیجا، ۱۳۷۸.

۸.--------------------------------------- ، کمال الدین و تمام النعمه، دار الکتب الاسلامیه، قم، ۱۳۹۵ ق.

۹.ابنعربی، ابوعبدالله محییالدین محمد، تفسیر ابنعربی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۲ق.

۱۰.ابنفارسبنزکریا، ابیالحسین احمد، معجم مقائیس اللغه، تحقیق: محمد عوض مُرعِب و فاطمه محمد اصلان، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۲ ق.

۱۱.ابنمنظور، لسان العرب، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۸ ق.

۱۲.ابنواضح، احمدبنابىيعقوببنجعفربنوهب، تاريخ اليعقوبى، جلد دوم، منشورات الشريف الرضى، بيجا، ۱۴۱۴ ق.

۱۳.اِربلى، علىبنعيسى، كشف الغمه، مكتبه بنىهاشمى، تبريز، ۱۳۸۱ ق.

۱۴.الاصفهانى، ابىالفرج، مقاتل الطالبيين، تحقيق: السيد احمد صقر، مؤسسه الأعلمى للمطبوعات، بيروت، ۱۴۱۹ ق.

۱۵.امام جعفر صادق عليه السلام، مصباح الشريعه، مؤسسه الاعلمى للمطبوعات، بيروت، ۱۴۰۰ ق.

۱۶.امام حسن عسگرى عليه السلام، تفسير امام عسكرى عليه السلام مدرسه امام مهدى عجل الله تعالى فرجه الشريف، قم، ۱۴۰۹ ق.

۱۷.ترمذى، ابىعيسى محمدبنعيسىبنسوره، سنن الترمذى، تحقيق: صدقى محمد جميل العطار، دار الفكر، بيروت، ۱۴۲۱ ق.

۱۸. تميمى آمدى، عبدالواحد، تصنيف غرر الحكم و درر الكلم، دفتر تبليغات اسلامى، قم، ۱۳۶۶.

۱۹.تنكابنى، محمدبنسليمان، قصص العلماء، انتشارات علمى و فرهنگى، تهران، ۱۳۸۹.

۲۰.الحاتمى، محمدمحيىالدين عربى، الفتوحات المكيه فى معرفه الأسرار المالكيه والملكيه، تحقيق: مكتب التحقيق بدار احياء التراث الاسلامى، دار احياء التراث العربى، بيروت، ۱۴۱۸ق.

۲۱.حسينى استرآبادى، سيد شرفالدين، تأويل الآيات الظاهره، انتشارات جامعه مدرسين، قم، ۱۴۰۹ق.

۲۲.الحسينى الصدر، السيد على، الامام المنتظر مِن ولادتِهِ إلى دولته، انتشارات دليل ما، قم، ۱۳۸۲.

۲۳.الحموى، ياقوتبنعبدالله، معجم البلدان، دار صادر، بيروت، ۱۹۹۵ م.

۲۴.خزاز قمى، علىبنمحمد، كفايه الأثر، انتشارات بيدار، قم، ۱۴۰۱ ق.

۲۵.الدينورى، ابوحنيفه احمدبنداوود، الأخبار الطوال، تحقيق: عبدالمنعم عامر و جمالالدين شيال، منشورات الرضى، قم، ۱۳۶۸ ق.

۲۶.الراغب الاصفهانى، ابوالقاسم الحسينبنمحمد، المفردات فى غريب القرآن، تحقيق: صفوان عدنان داوردى، انتشارات ذوى القربى، قم، ۱۴۲۴ ق.

۲۷.راوندى، قطبالدين، الخرائج و الجرائح، مؤسسه امام مهدى عجل الله تعالى فرجه الشريف، قم، ۱۴۰۹ ق.

۲۸.السجستانی، حافظ ابیداود سلیمانبنالاشعث، سنن ابیداود، تحقیق: صدقی محمد جمیل، دار الفکر، بیروت، ۱۴۲۰ ق.

۲۹.السروی المازنـدرانی، ابیجعفر محمدبنعلیبنشـهرآشوب، منـاقب آل ابیطالب، تحقیق: یوسف البقاعی، انتشارات ذوی القربی، بیجا، ۱۴۲۷ ق.

۳۰.الشیرازی، السید حسن، کلمه الامام المهدی، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۳ ق.

۳۱.صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الأثر فی الامام الثانی عشر، مکتب المؤلف، بیجا، بیتا.

۳۲.الصدر، السید صدرالدین، المهدی، به اهتمام سید باقر خسروشاهی، انتشارات حوزه علمیه قم، ۱۳۷۹.

۳۳.طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات جامعه المدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۱۷ ق.

۳۴.طبرسی، احمدبنعلی، الاحتجاج، نشر مرتضی، مشهد، ۱۴۰۳ ق.

۳۵.طبرسی، فضلبنحسن، اعلام الوری باعلام الهدی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۹۰ ق.

۳۶.الطبری، ابوجعفرمحمدبنجریر، تاریخ الطبری، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، دار التراث، بیروت، ۱۳۸۷ ق.

۳۷.الطوسی، ابیجعفرمحمدبنالحسن، الغیبه، مؤسسه معارف اسلامی، قم، ۱۴۱۱ ق.

۳۸.------------------------- ، الفهرست، المکتبه الرضویه، نجف، بیتا.

۳۹.العاملی، محمدبنالحسن (شیخ حرّ عاملی)، اثبات الهداه بالنصوص والمعجزات من الامام الثانی عشر، بینا، بیجا، بیتا (نرمافزار موعود).

۴۰.------------------------------- ، وسائل الشیعه، مؤسسه آل البیت، قم، ۱۴۰۹ ق.

۴۱.العکبری البغـدادی، ابیعبـدالله محمـدبن النعمان (الشـیخ المفید)، الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، تحقیق: مؤسـسه آل البیت، دار المفید، بیروت، ۱۴۱۴ ق.

۴۲.--- ، الرساله الاولی فی الغیبه، دارالمفید، قم، ۱۴۱۳ ق.

۴۳.-- ، الفصول المختاره، کنگره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ ق.

۴۴.الفقیه الایمانی، مهدی، الامام المهدی عند اهل السنه، المجمع العالمی لاهل البیت، قم، ۱۴۱۸ق.

۴۵.القبانچی، السید صدرالدین، الحرکه الاصلاحیه من الحسین الی المهدی، مؤسسه السیده المعصومه، نجف، ۱۴۲۷ ق.

۴۶.قمی، علیبنابراهیمبنهاشم، تفسیر القمی، مؤسسه دار الکتب، قم، ۱۴۰۴ ق.

۴۷.کراجکی، ابوالفتح، کنز الفوائد، انتشارات دار الذخائر، قم، ۱۴۱۰ ق.

۴۸.کلینی رازی، محمدبنیعقوببناسحاق، الکافی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۵.

۴۹.الکورانی العاملی، علی، المعجم الموضوعی لاحادیث الامام المهدی، مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهلالبیت علیهم السلام، بیجا، بیتا.

۵۰.الکوفی، ابومحمد احمدبناعثم، الفتوح، تحقیق: علی شیری، دار الاضواء، بیروت، ۱۴۱۱ ق.

۵۱.مبارک، عبدالرحیم، فی رحاب الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، مجمع البحوث الاسلامیه، مشهد، ۱۴۲۶ ق.

۵۲.مجلسی، محمدباقر، بحارالأنوار، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۴ ق.

۵۳.النجاشی، احمدبنعلی، رجال النجاشی، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۷ ق.

۵۴.النعمانی، محمدبنابراهیم، الغیبه، مکتبه الصدوق، تهران، ۱۳۹۷ ق.

۵۵.نوری طبرسی، حسین، نجم الثاقب، علمیه اسلامیه، بیجا، بیتا.

۵۶.ورام، ابنابیفراس، تنبیه الخواطر، مکتبه فقیه، قم، بی تا.

۵۷.الهیثمی الشافعی، شهاب الدین ابنحجر، القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر، بضعه المصطفی لاحیاء التراث، قم، بیتا.

۵۸.یزدی حائری، علی، الزام الناصب فی اثبات الحجه الغائب، مکتبه الرضی، قم، بی تا.

۵۹.الیسوعی، الأب لویس معلوف، المنجد فی اللغه و الأدب و العلوم، المطبعه الکاثولیکیه، بیروت، ۱۹۲۷ م.

فهرست کتب فارسی

۶۰.احمدی، سید احمد، اصول و روشهای تربیت در اسلام، جهاد دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۲.

۶۱.ابن بابویه قمی، محمد بن علی بن حسین (شیخ صدوق)، من لایحضره الفقیه، ترجمه: علی اکبر و محمدجواد بلاغی، نشر صدوق، تهران، ۱۳۶۷.

۶۲.امین اصفهانی، سیده نصرت، مخزن العرفان فی تفسیر القرآن، نهضت زنان مسلمان، تهران، ۱۳۶۱.

۶۳.امینی، ابراهیم، اسلام و تعلیم و تربیت، انتشارات انجمن اولیا و مربیان، تهران، ۱۳۷۳.

۶۴.------------ ، دادگستر جهان، انتشارات شفق، قم، ۱۳۶۹.

۶۵.ای.پ پطروشفسکی، نهضت سربداران خراسان، ترجمه: کریم کشاورز، انتشارات پیام، تهران، ۱۳۵۱.

۶۶.باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، مؤسسه فرهنگی برهان و انتشارات مدرسه، تهران، ۱۳۸۳.

۶۷.تونهای، مجتبی، موعودنامه، میراث ماندگار، قم، ۱۳۸۴.

۶۸.جعفری، سید حسین محمد، تشیع در مسیر تاریخ، ترجمه: سید محمدتقی آیتاللهی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۸۶.

۶۹.جعفری، محمدتقی، حیات معقول، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۵.

۷۰.جمعی از نویسندگان حوزه، چشم به راه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۸.

۷۱.جمعی از نویسندگان، نگاهی تحلیلی به زندگانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، دبیرخانه دائمی اجلاس دو سالانه بررسی ابعاد وجودی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، تهران، ۱۳۷۹.

۷۲.جمعی از نویسندگان، نگین آفرینش، بنیاد فرهنگی موعود، تهران، ۱۳۸۳.

۷۳.جوادی آملی، عبدالله، هدایت در قرآن، انتشارات رجاء، تهران، ۱۳۶۳.

۷۴.حسینیان، روح الله، چهارده قرن تلاش شیعه برای ماندن و توسعه، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۲.

۷۵.حکیمی، محمد، خورشید مغرب، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۸۰.

۷۶.خوانساری، محمد باقر، روضات الجنات، انتشارات اسماعیلیان، بیجا، بیتا.

۷۷.دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، اهداف تربیت از دیدگاه اسلام، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۷۶.

۷۸.---------------------- ، فلسفه تعلیم و تربیت، انتشارات سمت، قم، ۱۳۷۴.

۷۹.دلشاد تهرانی، مصطفی، سیری در تربیت اسلام، مؤسسه نشر و تحقیقات ذکر، تهران، ۱۳۷۷.

۸۰.دوانی، علی، مهدی موعود، ترجمه جلد سیزدهم از کتاب بحارالأنوار (علامه مجلسی)، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۴.

۸۱.-----------------، نهضت روحانیون ایران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۷.

۸۲.دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا، زیر نظر: محمد معین، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۴۲.

۸۳.الرازی، ابوعلی مسکویه، تجارب الامم، ترجمه: علی نقی منزوی، توس، تهران، ۱۳۷۶.

۸۴.رضوانی، علی اصغر، موعودشناسی، انتشارات مسجد جمکران، قم، ۱۳۸۴.

۸۵.رنجبر، محمدعلی، مشعشعیان (ماهیت فکری - اجتماعی و فرآیند تحولات تاریخی)، نشر آگاه، تهران، ۱۳۸۲.

۸۶.زرینکوب، عبدالحسین، تاریخ در ترازو، مؤسسه انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۸۶.

۸۷.-----------------، دو قرن سکوت، انتشارات سخن، تهران، ۱۳۷۸.

۸۸.سعادتپور، علی، الحشوش المضیئه، مترجم: سید محمدجواد وزیری فرد، انتشارات احیاء کتاب، تهران، ۱۳۸۰.

۸۹.سیفزاده، سید حسین، اصول روابط بینالملل، نشر دادگستر و نشر میزان، تهران، ۱۳۷۸.

۹۰.شریعتمداری، علی، اصول و فلسفه تعلیم و تربیت، امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۱.

۹۱.شفیعی سروستانی، ابراهیم، انتظار، بایدها و نبایدها، مؤسسه فرهنگی موعود و مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما، تهران، ۱۳۸۳.

۹۲.صافی گلپایگانی، لطف الله، امامت و مهدویت، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۷۵.

۹۳.صدر، سید رضا، راه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، به اهتمام: سید باقر خسروشاهی، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۱.

۹۴.صدر، سید محمد، تاریخ ما بعد الظهور، ترجمه: حسن سجادیپور، موعود عصر، تهران، ۱۳۸۴.

۹۵.صفائی حائری، علی، رشد، انتشارات لیله القدر، قم، ۱۳۸۵.

۹۶.عباسی مقدم، مصطفی، نقش اسوه ها در تعلیم و تربیت، مرکز چاپ و انتشارات دفتر سازمان تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۱.

۹۷.عبدیپور، حسن، نقش اجتماعی انتظار، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۶.

۹۸.عسکری، سیدمرتضی، معالم المدرستین، مترجم: محمدجواد کرمی، انتشارات دانشکده اصول الدین، قم، ۱۳۷۹.

۹۹.عمیدی، سیدثامرهاشم حبیب، در انتظار ققنوس؛ کاوشی در قلمرو موعودشناسی و موعود باوری، مترجم: مهدی علیزاده، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی;، قم، ۱۳۷۹.

۱۰۰.فاطمینیا، عبد الله، فرهنگ انتظار، رسائل، بیجا، ۱۳۸۵.

۱۰۱.فرهادیان، رضا، مبانی تربیت، انتشارات مسجد جمکران، قم، ۱۳۸۵.

۱۰۲.فقیه ایمانی، مهدی، اصالت مهدویت از دیدگاه اهل تسنن، نویسنده، قم، ۱۴۱۸ ق.

۱۰۳.فووریه، ژوانس، سه سال در دربار ایران، ترجمه: عباس اقبال آشتیانی، دنیای کتاب، تهران، ۱۳۶۶.

۱۰۴.فیرحی، داوود، قدرت، دانش، مشروعیت در اسلام، نشر نی، تهران، ۱۳۷۸.

۱۰۵.قزوینی، سید محمدکاظم، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از ولادت تا ظهور، تحقیق: علی کرمی و سید محمد حسینی، الهادی، قم، بی تا.

۱۰۶.کارگر، رحیم، آینده جهان (دولت و سیاست در اندیشه مهدویت)، بنیاد فرهنگی موعود، تهران، ۱۳۸۳.

۱۰۷.مجاهدی، محمد علی، سیمای مهدی موعود در آئینه شعر فارسی، مسجد مقدس جمکران، قم، بی تا.

۱۰۸.مجتهدی سیستانی، سید مرتضی، صحیفه مهدیه، دار الثقلین، قم، ۱۳۸۱.

۱۰۹.محرمی، غلام حسین، تاریخ تشیع از آغاز تا پایان غیبت صغری، مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی;، قم، ۱۳۸۵.

۱۱۰.محسنی کبیر، ذبیح الله، مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آخرین سفیر انقلاب، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، تهران، ۱۳۷۹.

۱۱۱.محمدبنخاوند شاه (میرخواند)، تاریخ روضه الصفا فی سیره الانبیاء و الملوك و الخلفاء، تصحیح: جمشید کیانفر، اساطیر، تهران، ۱۳۸۰.

۱۱۲.مطهری، مرتضی، احیای تفکر اسلامی، انتشارات صدرا، قم، ۱۳۷۲.

۱۱۳.------------ ، تعلیم و تربیت در اسلام، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۸۲.

۱۱۴.------------ ، مجموعه آثار، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۸۷.

۱۱۵.مکارم شیرازی، ناصر، حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، مؤسسه امام علی علیه السلام، قم، ۱۳۷۶.

۱۱۶.ملکاوی، فتحی حسن، گامی به سوی نظریه‌پردازی در تعلیم و تربیت اسلامی، مترجم: غلامرضا متقیفر و اسدالله طوسی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی;، قم، ۱۳۸۰.

۱۱۷.موسوی اصفهانی، سید محمدتقی، مکیال المکارم، مترجم: سید مهدی حائری قزوینی، ایران نگین، قم، ۱۳۸۱.

۱۱۸.موسوی گیلانی، سید رضی، دکترین مهدویت، بنیاد فرهنگی حضرت موعود، تهران، ۱۳۸۴.

۱۱۹.نهاوندی، علی اکبر، حکایات عبقری الحسان فی احوال مولانا صاحب الزمان، انتشارات تک سوار حجاز، مشهد، ۱۳۸۲.

۱۲۰.واحد تحقیقات مسجد جمکران، فرازهایی از توقیعات حضرت، انتشارات مسجد جمکران، قم، ۱۳۷۷.

۱۲۱.وثوقی، محمد باقر، اسناد و مکاتبات آیه‌الله سید عبدالحسین لاری، مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی دانشگاه تهران، ۱۳۸۵.

کتابهای اینترنتی

۱۲۲.تابنده، سلطان حسین، رساله رفع شبهات، انتشارات حقیقت، تهران، ۱۳۷۷ ش، تاریخ دسترسی: زمستان ۱۳۸۶، www.njavan.ir.

۱۲۳.شریف رازی، محمد، گنجینه دانشمندان، جلد دوم، کتابفروشی اسلامی، تهران، ۱۳۵۲، www.shistu.org.

پایان نامه ها

۱۲۴.اخلاقی، عبدالله، اصلاحات در حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، (کارشناس ارشد مرکز جهانی علوم اسلامی)، استاد راهنما: حسین علوی مهر، علی اکبر مهدی پور،۱۳۸۳.

۱۲۵.تاجرینسب، غلامحسین، مهدویت در کتاب و سنت از دیدگاه امامیه و اهل سنت، (مقطع دکتری)، استاد راهنما: دکتر حجتی و دکتر مهدی زاده، ۱۳۷۷.

۱۲۶.مرتضایی، مریم، اندیشه مهدویت و نقش آن در سلامت روان، (کارشناس علوم روانشناسی)، دانشگاه پیام نور زرینشهر، ۱۳۸۴.

۱۲۷.مقصودی، مهری، بررسی رابطه بین انتظار ظهور و افسردگی، (کارشناس علوم تربیتی)، استاد راهنما: فرهاد رئیسی، دانشگاه پیام نور شهر کرد.

مقالات

۱۲۸.آذربایجانی، مسعود، «رابطه انتظار و بهداشت روان»، خلاصه مقالات چهارمین گفتمان مهدویت، بخش تدوین متون مؤسسه فرهنگی انتظار نور، قم، بیتا.

۱۲۹.آژند، یعقوب، «مذهب امامیه در قرن چهارم هجری»، مجله تاریخ اسلام، ش۳، سال هشتم، مهر ۱۳۷۹.

۱۳۰.آقاتهرانی، مرتضی، «اهل بیت، مشتاق دیدار مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف»، مجله موعود، ش ۶۷، سال دهم، شهریور ۱۳۸۵.

۱۳۱.«امام عصر و جنبشهای مردمی»، قسمت دین و اندیشه سایت تبیان، ۱۹/۷/۱۳۸۲، www.Tebyan.net.

۱۳۲.بهروزلک، غلامرضا، «مباحث فلسفه سیاسی مهدویت و منجی گرایی»، باشگاه اندیشه مهدویت، ۱۳۸۶، www.mahdiforum.com.

۱۳۳.تورک اوغلو، منصور، «بابک قهرمان مبارزه با اشغالگران»، ۶/۹/۲۰۰۶ مطابق با ۱۵ شهریور ۱۳۸۵، سایت www.Ardabil information.htm؛ (این کتاب خلاصهای از کتاب «بابک و نقد تاریخنگاری» تألیف رسول رضوی است که انتشارات نشر امین تبریز در سال ۱۳۸۰ چاپ کرده است).

۱۳۴.جباری، محمدرضا، «از سازمان وکالت تا فقاهت»، مجله موعود، ش۳۸، سال هفتم، خرداد و تیر ۱۳۸۲.

۱۳۵.------------- ، «سازمان رهبری شیعه در عصر غیبت صغری»، فصلنامه انتظار، ش ۱، سال اول، پاییز ۱۳۸۰.

۱۳۶.جوادی آملی، عبدالله، مهدویت و عدل الهی (سخنرانی ایشان در دیدار با مسئولان فصلنامه انتظار)، فصلنامه انتظار، ش ۱۳، پاییز ۱۳۸۳.

۱۳۷.حسینزاده شانهچی، حسن، «غیبت صغری و وضعیت فرهنگی شیعه (۱)»، مجله موعود، ش۲۷، سال ششم، تابستان ۱۳۸۰.

۱۳۸.--- (۲)و(۳)، ---------- ، ش۲۹و ۳۰، سال ششم، اسفند ۱۳۸۰.

۱۳۹.حکیم، سید منذر، «جایگاه دکترین مهدویت در اسلام از منظر قرآن کریم»، فصلنامه انتظار، ش ۱۶، سال پنجم، ۱۳۸۴.

۱۴۰.رجبی، محمدحسن، «مدعیان دروغین در نهضتهای سیاسی - اجتماعی»، مجله موعود، ش ۲۲، سال پنجم، مهر و آبان ۱۳۷۹.

۱۴۱.رفیعی، سید جعفر، «سید بن طاووس»، مجله موعود، ش ۱۲، سال پنجم، بهمن و اسفند ۱۳۷۷.

۱۴۲.زاهد زاهدانی، سید سعید، «بهائیت، تقابل با اقتدار ملی ایران»، ماهنامه اندیشه و تاریخ سیاسی ایران معاصر (زمان)، ش ۶۱، سال ششم، مهر ۱۳۸۶.

۱۴۳.زمانی محجوب، حبیب، «باورداشت مهدویت و آثار آن در پیروزی مقاومت حزبالله»، مجموعه آثار سومین همایش بینالمللی دکترین مهدویت (جلد چهارم)، پایگاه اطلاعرسانی مؤسسه آینده روشن (پژوهشکده مهدویت)، زمستان ۱۳۹۳، www.brightfuture.ir.

۱۴۴.عبدیپور، حسن، «تأثیرهای اجتماعی اعتقاد به مهدویت از دیدگاه جامعهشناسی»، فصلنامه انتظار موعود، ش ۵، سال دوم، پاییز ۱۳۸۱.

۱۴۵.کارگر، رحیم، «انقلاب اسلامی و فرهنگ انتظار»، فصلنامه انتظار، ش ۲، سال اول، زمستان ۱۳۸۰.

۱۴۶.مزروعی، علیرضا، «مسأله موعود، فلسفهای رو به آینده»، سایت معاونت پژوهشی و آموزشی سازمان تبلیغات اسلامی (پژوه دین)، ۱۳۸۶، pajohe.ir.www.

۱۴۷.مشگان، هادی، «تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی عصر سربداران»، پایگاه تخصصی مقالات مجمع جهانی شیعهشناسی، ۱۳۹۲، www.shiastudies.net.

۱۴۸.موسوینژاد، سید علی، نشست «بررسی نقش اعتقاد به مهدویت در نخستین جنبشهای شیعی»، سلسله نشستهای علمی مهدویت در پژوهشکده مهدویت، آرشیو اندیشه سایت آینده روشن، ۱۳ دی ۱۳۸۴.

۱۴۹.«موعود اسلام»، روزنامه ابتکار، ش ۱۲۶۸، سال پنجم، مرداد ۱۳۸۷.

۱۵۰.میر هادی، سید مهدی، «اهداف تربیت»، ماهنامه پژوهشی وزارت آموزش و پرورش (تربیت)، سال نهم، ۱۳۷۲.

گزارش و اخبار مستند در سایت

۱۵۱.اسرافیلی، حسین، «آثار اعتقاد به مهدویت بر روی شعرا»، بخش فرهنگ و هنر سایت آینده روشن، بهمن ۱۳۸۵، www.bfnews.ir.

۱۵۲.«اعتقاد به مهدویت در تعابیر و ادبیات جنبش سربداران»، سایت کنگره بینالمللی سربداران، ۱۶ آذر ۱۳۹۳، www.sarbedaran.nsu.ac.ir.

۱۵۳.پوریانی، محسن، «تأثیر وقایع بر نامگذاری ایرانیان»، نشر سازمان ثبت احوال کشور، تهران، ۱۳۸۴، گزارش در سایت عصر ایران، ۱۸ اردیبهشت ۱۳۸۷، www.asriran.com.

۱۵۴.تشرفیافتگان، بخش مهدویت سایت تبیان، ۲۹ شهریور ۱۳۸۴،www.tebyan.net .

۱۵۵.جعفریان، رسول، «سندی درباره مسجد جمکران در دوره صفوی»، سایت مرکز مطالعات شیعهشناسی، www.shistu.org.

۱۵۶.فراوانی نامگذاری، سایت سازمان ثبت احوال کشور، زمستان ۱۳۹۳، .www.sabteahval.ir

۱۵۷.کافی، غلامرضا، «مهدویت و شعراء»، بخش فرهنگ و هنر سایت آینده روشن، ۸ بهمن۱۳۸۵، www.bfnews.ir.

۱۵۸.«ویژگیهای نهضت شیعی سربداران»، سایت نهضت سربداران سبزوار، ۱۳ تیر ۱۳۹۲، www.sarbedaranesabzevar.blogfa.com.

نرم افزار

۱۵۹.جامع الاحادیث، نسخه ۵/۲، کتابخانه احادیث اهل بیت علیهم السلام، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، قم.

۱۶۰.موعود، کتابخانه تخصصی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، مرکز تحقیقات رایانهای حوزه علمیه اصفهان.

۱۶۱.CD مرجع مهدویت، بنیاد فرهنگی موعود و پایگاه اطلاع رسانی سراسری اسلامی پارسا.

۱۶۲.نور السیره (۲)، جامع منابع تاریخ اسلام، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی قم.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹